



مرکز تحقیقات سلولہ اسلامیہ



وزارت امور حج و زیارت (پ)

www.Ghaemiyeh.com

www.Hajj.ir

سلسلہ صحیح و شریف و مستند



پیامبر و اولیاء

زیارت پیامبر و اولیاء

مؤلف: مولانا محمد رفیع

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

زیارت پیامبر و اولیا

نویسنده:

علی اصغر رضوانی

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۱	زیارت پیامبر و اولیا
۱۱	مشخصات کتاب
۱۱	اشاره
۱۲	دبیاچه
۱۴	پیشگفتار
۱۶	زیارت قبر پیامبر (ص)
۱۶	اشاره
۱۷	فتاوی و هابیان
۲۰	مقدمات بحث
۲۰	اشاره
۲۰	۱. مفهوم زیارت
۲۰	۲. فطری بودن زیارت قبور اموات
۲۱	۳. فقهی بودن مسأله
۲۲	۴. لزوم عدم تعصب و ورزی در مسأله
۲۲	۵. نبودن زیارت از جمله مناسک حج
۲۲	۶. مبالغه و هابیان در تضعیف احادیث زیارت
۲۳	۷. قرآن و تعظیم انبیا و اولیا
۲۴	۸. تعظیم انبیا و اولیا بعد از مرگ
۲۴	زیارت قبر پیامبر اکرم (ص) از نظر قرآن
۲۴	اشاره
۲۵	آیه اول
۲۵	آیه دوم

۲۶	کیفیت استدلال
۲۶	اشاره
۲۸	شبهه اول: خصوصیت داشتن زمان حیات
۲۸	اشاره
۲۸	پاسخ
۳۰	شبهه دوم: «اذ» ظرف برای گذشته نه آینده
۳۰	اشاره
۳۱	پاسخ
۳۳	صحابه و تعمیم آیه به بعد از حیات پیامبر (ص)
۳۴	علمای اهل سنت و تعمیم آیه به بعد از حیات
۳۹	زیارت قبر پیامبر (ص) از نظر روایات
۴۵	بررسی سند برخی از روایات زیارت قبر پیامبر (ص)
۴۵	حدیث اول
۴۵	اشاره
۴۷	پاسخ به شبهات
۴۷	اشاره
۴۷	شبهه اول: مجهولیت برخی از راویان حدیث
۴۷	اشاره
۴۷	پاسخ
۴۷	شبهه دوم: عدم صحت روایت موسی از عبدالله
۴۷	اشاره
۴۷	پاسخ
۴۸	شبهه سوم: خطای موسی بن هلال در نقل از عبدالله
۴۸	اشاره

۴۸	پاسخ
۴۹	شبهه چهارم: تفرد روایت موسی بن هلال
۴۹	اشاره
۴۹	پاسخ
۵۱	شبهه پنجم: سوء حافظه عبدالله بن عمر عُمَری
۵۱	اشاره
۵۱	پاسخ
۵۳	حدیث دوم
۵۴	منشأ تضعیف احادیث زیارت
۵۷	عدم احتیاج به بررسی سند روایات زیارت
۵۸	زیارت قبر رسول اکرم (ص) و امام حسین در کلام اهل بیت:
۶۰	فضیلت زیارت قبر امام حسین (ع)
۶۲	عوامل برتری زیارت امام حسین (ع)
۶۴	اهل بیت: وزیارت قبور اولیا
۶۵	علمای اهل سنت و زیارت قبور اهل بیت:
۶۵	۱. ابن خزیمه
۶۷	۲. ابن حبان
۶۸	زیارت قبر پیامبر (ص) در سیره صحابه و تابعین
۶۸	اشاره
۶۸	۱. امام علی (ع)
۶۸	۲. حضرت زهرا (س)
۶۹	۳. جابر بن عبدالله
۶۹	۴. ابویوب انصاری
۷۰	۵. شخص اعرابی

۶. بلال حبشی ۷۱
۷. عبدالله بن عمر ۷۳
۸. ایوب سختیانی ۷۳
۹. عمر بن عبدالعزیز ۷۴
- فتاوی بزرگان اهل سنت بر استحباب زیارت قبر رسول (ص) ۷۴
- اجماع بر رجحان زیارت قبر پیامبر (ص) ۸۶
- اشاره ۸۶
- سیره عملی اهل سنت در زیارت قبر پیامبر (ص) ۸۹
- اعتراض علمای اهل سنت به ابن تیمیه به جهت منع او از زیارت ۸۹
- اشاره ۸۹
۱. ابن حجر عسقلانی ۹۰
۲. حافظ ذهبی ۹۱
۳. حافظ ابوزرعه عراقی ۹۳
۴. حافظ علائی ۹۴
۵. ابن حجر هیتمی ۹۴
۶. کمال الدین محمد بن علی بن عبدالواحد زملکانی انصاری شافعی ۹۵
۷. محمد زاهد کوثری ۹۵
۸. شهاب الدین احمد بن محمد بن عمر خفاجی حنبلی مصری ۹۶
۹. دکتر محمد سعید رمضان بوطی ۹۷
۱۰. دکتر عمر عبدالله کامل ۹۸
۱۱. محیی الدین حسین بن یوسف اِسْنَوِی ۹۹
۱۲. تقی الدین محمد بن ابی بکر بن عیسی سعدی اخنائی مالکی مصری ۱۰۰
۱۳. محمد برلسی رشیدی مالکی ۱۰۱
۱۴. ملا علی بن سلطان محمد قاری هروی حنفی ۱۰۳

- ۱۰۳ ۱۵. ابوالحسنات محمد عبدالحی لکنوی حنفی
- ۱۰۴ ۱۶. خلیل احمد سهارنپوری حنفی
- ۱۰۶ ۱۷. شهاب الدین احمدین محمد قسطلانی
- ۱۰۶ ۱۸. قاضی تقی الدین سبکی
- ۱۰۸ ۱۹. اسعد بن علی بن سلیمان یافعی، شافعی
- ۱۰۸ ۲۰. محمد ابراهیم محمد سالم
- ۱۰۹ ۲۱. ابن قیم جوزیه
- ۱۱۰ تألیفات در ردّ بر ابن تیمیه در مسأله زیارت قبور
- ۱۱۱ کتاب‌های مربوط به زیارت قبر پیامبر (ص)
- ۱۱۱ اشاره
- ۱۱۱ ۱. کتاب‌های مربوط به خصایص و مناقب پیامبر (ص)
- ۱۱۳ ۲. کتاب‌های فقه مذاهب
- ۱۱۴ ۳. کتاب‌های مختص به زیارت
- ۱۱۶ ۴. کتب مناسک
- ۱۱۶ وهابیان و تحریم شدّ رحال به جهت زیارت
- ۱۱۶ فتاوی وهابیان
- ۱۱۸ نقد فتاوی وهابیان
- ۱۲۱ زیارت قبور و مشروعیت سفر به نیت آن
- ۱۲۴ جواز شدّ رحال به جهت زیارت از دیدگاه علوی مالکی
- ۱۲۵ فتاوی علمای هندوستان درباره کیفیت نیت زیارت پیامبر (ص)
- ۱۲۷ اسامی امضاکنندگان پاسخ از علمای هند
- ۱۲۷ تأیید فتوا از سوی علمای مکه
- ۱۲۸ تأیید فتوا از سوی علمای مدینه
- ۱۲۹ تأیید فتوا از سوی علمای ازهر

- تأیید فتوا از سوی علمای شام ۱۲۹
- دلیل وهابیان بر حرمت شدّ رحال برای زیارت قبور اولیا ۱۳۰
- اشاره ۱۳۰
- پاسخ استدلال: ۱۳۱
- قرائن تعیین مستثنی منه ۱۳۳
۱. شهرت روایت شهر بن حوشب ۱۳۳
۲. تفسیر شارحان حدیث ۱۳۴
۳. فهم اصحاب ۱۳۷
۴. استدلال به لفظ «زیارت» ۱۳۹
- مورد حدیث «لا تشدّ الرحال» ۱۴۱
- حکم نهی در حدیث «لا تشدّ الرحال» ۱۴۱
- نقد شبهات شدّ رحال ۱۴۴
- شبهه اول: مغالطه‌ای از ابن تیمیه ۱۴۴
- اشاره ۱۴۴
- پاسخ ۱۴۴
- شبهه دوم: استدلال به اولویت ۱۴۵
- اشاره ۱۴۵
- پاسخ ۱۴۶
- تقسیم زیارت به شرعی و بدعی ۱۴۷
- اشاره ۱۴۷
- نقد ۱۴۸
- برکات زیارت قبور انبیا و اولیای الهی ۱۵۰
- کتابنامه ۱۵۲
- درباره مرکز ۱۵۵

زیارت پیامبر و اولیا

مشخصات کتاب

سرشناسه: رضوانی، علی اصغر، ۱۳۴۱ -

عنوان و نام پدیدآور: زیارت پیامبر و اولیا/ علی اصغر رضوانی.

مشخصات نشر: تهران: نشر مشعر، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری: ۱۷۷ ص.

فروست: سلسله مباحث وهابیت شناسی.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۴۰-۳۱۱-۷

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: وهابیه -- دفاعیه‌ها و ردیه‌ها

موضوع: زیارت و زایران -- نظر وهابیه

موضوع: زیارت -- دفاعیه‌ها و ردیه‌ها

رده بندی کنگره: BP۲۰۷/۶/۹۵۵ز ۱۳۹۰

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۱۶

شماره کتابشناسی ملی: ۲۳۳۶۹۵۰

ص ۱

اشاره

ص ۱۰

دبیچه

ص ۱۱

تاریخ اندیشه اسلامی همراه فراز و فرودها و آکنده از تحول و دگرگونی‌ها و تنوع برداشت‌ها و نظریه‌هاست. در این تاریخ پرتحول، فرقه‌ها و مذاهب گوناگون و با انگیزه‌ها و مبانی مختلفی ظهور نموده و برخی از آنان پس از چندی به فراموشی سپرده شده‌اند و برخی نیز با سیر تحول همچنان در جوامع اسلامی نقش آفرینند، اما در این میان، فرقه وهابیت را سیر و سرّ دیگری است؛ زیرا این فرقه با آنکه از اندیشه استواری در میان صاحب‌نظران اسلامی برخوردار نیست، بر آن است تا اندیشه‌های ناستوار و متحجرانه خویش را به سایر مسلمانان تحمیل نموده و خود را تنها میدان‌دار اندیشه و تفکر اسلامی بقبولاند. از این رو، شناخت راز و رمزها و سیر تحول و اندیشه‌های این فرقه کاری است بایسته تحقیق که استاد ارجمند جناب آقای علی‌اصغر رضوانی با تلاش پیگیر و درخور تقدیر به

ص ۱۲

زوایای پیدا و پنهان این تفکر پرداخته و با بهره‌مندی از منابع تحقیقاتی فراوان به واکاوی اندیشه‌ها و نگرش‌های این فرقه پرداخته است.

ضمن تقدیر و تشکر از زحمات ایشان، امید است این سلسله تحقیقات موجب آشنایی بیشتر با این فرقه انحرافی گردیده و با بهره‌گیری از دیدگاه‌های اندیشمندان و صاحب‌نظران در چاپ‌های بعدی بر ارتقای کیفی این مجموعه افزوده شود.

انه ولی التوفیق

مرکز تحقیقات حج

گروه کلام و معارف

پیشگفتار

ص ۱۳

مسلمانان در طول تاریخ اسلام بر جواز؛ بلکه استحباب زیارت قبور پیامبر (ص) و اولیای الهی و به تبع آن سفر برای زیارت اجماع داشته‌اند. اما در قرن هشتم ابن تیمیه اولین کسی بود که از این مسئله جلوگیری کرده و شدیداً با آن مقابله نمود و به حرمت آن فتوا داد. بعد از او افکارش به فراموشی سپرده شد تا آنکه در قرن دوازدهم محمد بن عبدالوهاب به ترویج مجدد فتاوی ابن تیمیه روی آورد از این رو وهابیان به حرمت زیارت قبور معتقد گشته و مسلمانان از این کار باز داشتند. از آنجا که این مسئله آثار مهمی در پی دارد بجاست تا در مورد جواز و عدم جواز آن تحقیق و بررسی نماییم.

ص ۱۴

زیارت قبر پیامبر (ص)

اشاره

ص ۱۵

یکی از موارد اساسی اختلاف بین وهابیان و سایر مسلمانان جواز و عدم جواز زیارت قبر پیامبر (ص) و اولیاء الهی است مسلمانان در طول تاریخ به جواز و بلکه استحباب آن قائل بوده اما ابن تیمیه و پیروان وی بر عدم جواز بلکه بر بدعت بودن آن فتوا داده‌اند از این رو این موضوع را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

فتاوی وهابیان

۱. ابن تیمیه از کسانی است که بر عدم جواز زیارت قائل بود و در تضعیف روایات مربوط به زیارت می‌گوید:

والأحادیث المأثوره عن النبی (ص) فی زیارة القبور کلها ضعیفه بل موضوعه (۱)
احادیثی که از پیامبر (ص) درباره زیارت قبور رسیده تماماً ضعیف بلکه جعلی است ...

۱- منهاج السنه، ج ۲، ص ۴۴۱.

ص ۱۶

قسطلانی درباره ابن تیمیه می گوید:

أنه منع من زیارة قبر النبی (ص) و حرّمها مطلقاً، مع شدّ الرحال أو بدونه، فضلاً عن زیارة قبر غیره. (۱)
 او از زیارت قبر پیامبر (ص) منع کرده و آن را به طور مطلق حرام کرده است؛ چه با بستن بار و حرکت
 برای زیارت و چه بدون آن، تا چه رسد به زیارت قبر غیر او.
 ابن تیمیه همچنین می گوید:

فانّ احادیث زیارة قبره کلّها ضعیفة لایعتمد علی شیء منها فی الدین، و لهذا لم یرو اهل الصحاح و السنن
 شیئاً منها، و انّما یرویها من یروی الضعاف کالدارقطنی و البزار و غیرهما. (۲)
 همانا احادیث زیارت قبر پیامبر (ص) تماماً ضعیف بوده و در دین بر هیچ کدام از آنها اعتماد نمی شود. لذا
 اهل صحاح و سنن هیچ یک از آنها را روایت نکرده اند، بلکه کسانی آنها را نقل کرده اند که به نقل
 احادیث ضعیف می پردازند؛ همچون دارقطنی و بزار و دیگران.
 و در جایی دیگر می گوید:

والاحادیث المرویة فی زیارة قبره (ص) کلّها ضعیفة بل کذب. (۳)
 احادیث مربوط به زیارت قبر پیامبر (ص) تماماً ضعیف بلکه دروغ است.
 ۲. گروه افتای دائمی و هابیان می گویند:

۱- ارشاد الساری، ج ۲، ص ۲۴۹

۲- التوسل و الوسیلة، ص ۷۲.

۳- التوسل و الوسیلة، ص ۱۵۶

ص ۱۷

لايجوز شد الرحال لزيارة قبور الأنبياء و الصالحين و غيرهم، بل هو بدعة ... (۱)

بستن بار سفر به جهت زیارت قبور انبیا و صالحان و دیگران جایز نیست، بلکه بدعت می باشد ...

۳. شیخ بن باز می گوید:

... و أمّا الرجال فيستحب لهم زيارة القبور و زيارة قبر النبي عليه الصلاة و السلام و قبر صاحبيه، لكن بدون شد الرحل؛ لقوله (ص): (زوروا القبور فإنها تذكركم الآخرة)، رواه مسلم في صحيحه، و أمّا شد الرحال لزيارة القبور، فلايجوز، و أمّا يشرع لزيارة المساجد الثلاثة خاصة ... (۲)

... و أمّا مردان پس حرکت کردن برای زیارت قبور و زیارت قبر پیامبر علیه الصلاة و السلام و قبر دو مصاحب او، برای ایشان مستحب است، ولی بدون بستن بار سفر برای زیارت؛ زیرا که پیامبر (ص) فرمود: (قبور را زیارت کنید که شما را به یاد آخرت می اندازد)، این روایت را مسلم در صحیحش روایت کرده است. و أمّا بستن بار برای زیارت قبور، جایز نیست و تنها برای زیارت سه مسجد مشروع است ...

از این فتواها استفاده می شود که وهابیان در این مسئله اختلاف دارند؛ یعنی مؤسس افکار آنان (ابن تیمیه) قائل به حرمت زیارت قبور به طور مطلق است، به خلاف متأخرین از وهابیان که در صورتی قائل به عدم جواز؛ بلکه بدعت شده اند که زیارت همراه با حرکت از وطن به جهت

۱- اللجنة الدائمة للبحوث العلمية و الافتاء، رقم ۴۲۳۰

۲- مجموع فتاوی بن باز، ج ۲، ص ۷۵۴.

ص ۱۸

آن باشد، اما اگر کسی به حج آمده، آن گاه وارد مدینه شود و به طور ضمنی قبر پیامبر (ص) را نیز زیارت کند، اشکالی ندارد.

مقدمات بحث

اشاره

قبل از شروع در بحث به مقدماتی اشاره می‌کنیم:

۱. مفهوم زیارت

زیارت در لغت به معنای قصد است. فیومی در کتاب «مصباح المنیر» می‌گوید:

زاره، یزوره، زیارۀ و زوراً: قصده، فهو زائر. (۱)

زیارت کرد او را زیارت کردنی یعنی قصد او را نمود، پس او زائر است.

و در اصطلاح زیارت به معنای قصد کردن شخص زیارت شده است به جهت اکرام و انس گرفتن به او. و چه بسا اطلاق می‌شود کلمه زیارت در زبان عموم مردم آنچه که زائر قرائت می‌کند، یا شخص مدح‌کننده به آن دیگری را که از دنیا رفته و به زیارتش آمده مدح می‌نماید.

۲. فطری بودن زیارت قبور اموات

ارتباط انسان به پدر و مادر و ارحام و دوستان در زمان حیات آنان امری است واضح، و لذا هنگامی که انسان مدتی از آنان جدا می‌شود شوق زیارتشان در دلش زنده می‌گردد و می‌خواهد نزدشان رفته و با آنها انس بگیرد. بدین جهت است که خداوند متعال انسان را به صله رحم

ص ۱۹

امر نموده و قطع رحم را حرام دانسته است، و گویا این دستورات بر حکم فطرت انسانی تأکید ورزیده است.

هنگامی که پدر یا مادر یا ارحام و یا دوستان انسان از دنیا رحلت می کنند انسان این انس و زیارت را در وجود خود احساس می کند و می خواهد به نحوی با دوستان و نزدیکان از دست رفته ارتباطی پیدا نماید، و لذا در نفس خود انگیزه‌ای برای زیارت قبور اموات احساس می کند، و این کار ناشی از فطرت و کشش درونی اوست، و پر واضح است که اوامر و نواهی اسلام مخالف با فطرت و تمایلات فطری انسان نیست، بلکه احکامش را بر وفق فطرت انسان قرار داده و جعل نموده است.

این امر اختصاص به مسأله زیارت ندارد، بلکه تمام احکام الهی این گونه است، احکامی که به مرور زمان تغییر نمی کند و تا انسان در روی زمین زنده و شریعت اسلامی باقی است، این احکام نیز باقی می باشد. خداوند متعال می فرماید:

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (روم: ۳۰)

پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن! این فطرتی است که خداوند، انسانها را بر آن آفریده؛ دگرگونی در آفرینش الهی نیست؛ این است آیین استوار؛ ولی اکثر مردم نمی دانند!

۳. فقهی بودن مسأله

مسأله زیارت قبور پیامبر (ص) و اولیا مسأله‌ای فقهی است که متعلق به احکام شرعی می باشد نه قضیه اعتقادی؛ لذا نباید کسی را در این

ص ۲۰

مسأله مورد مؤاخذه قرار داد، خصوصاً آنکه ادله‌ای محکم در دست داشته باشد.

۴. لزوم عدم تعصب‌ورزی در مسأله

وظیفه هر عالمی است که در مباحث علمی تعصب بر عقاید فرد غیر معصوم نداشته و خودش مسأله را از ادله استخراج نماید.

۵. نبودن زیارت از جمله مناسک حج

برخی گمان می‌کنند که ما زیارت قبر پیامبر (ص) را از جمله مناسک حج می‌دانیم؛ لذا با آن مقابله می‌کنند در حالی که قطعاً این طور نیست، بلکه زیارت را به طور مستقل امری راجح و مطلوب می‌دانیم.

۶. مبالغه و هابیان در تضعیف احادیث زیارت

برخی همچون ابن تیمیه در تضعیف احادیث زیارت قبر پیامبر (ص) مبالغه کرده و همه آنها را ضعیف، بلکه جعلی می‌دانند، در حالی که به طور حتم این گونه حکم کردن باطل بوده و با قواعد علم حدیث سازگاری ندارد.

ذهبی می‌گوید:

طرقه کلّها لینه لکن یتقوی بعضها ببعض؛ لانّ فی رواتها متّهم بالکذب. (۱)

تمام طرق این حدیث مشکل دارد، ولی برخی از آنها برخی دیگر را تقویت می‌کند؛ زیرا در سند روایت‌های آن متهم به دروغ نیز وجود دارد.

۱- المقاصد الحسنه، سخاوی، ص ۴۱۲ به نقل از ذهبی؛ فیض القدير، ج ۶، ص ۱۴۰ به نقل از ذهبی

ص ۲۱

همان گونه که برخی از علما همچون سبکی، ابن السکن، عراقی، قاضی عیاض، ملا علی قاری، و خفاجی برخی از آنها را تصحیح کرده‌اند. (۱) و این مقدار در تصحیح احادیث زیارت و قبول آنها کافی است؛ زیرا حدیث ضعیف با عمل و فتوا طبق آن تأیید می‌شود، همان گونه که این مطلب نزد اصولیان و محدثان معروف است.

۷. قرآن و تعظیم انبیا و اولیا

خداوند متعال در قرآن کریم با عناوین مختلف انبیا و اولیا را تعظیم کرده است: آنجا که می‌فرماید: قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ سَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَىٰ؛ «بگو: حمد مخصوص خداست؛ و سلام بر بندگان برگزیده‌اش!» (نمل: ۵۹)

همچنین می‌فرماید:

وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ (منافقون: ۸)

و عزت مخصوص خدا و رسول او و مؤمنان است؛ ولی منافقان نمی‌دانند.

و می‌فرماید:

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا ... (مائده: ۵۵)

سرپرست و ولی شما، تنها خداست و پیامبر او و آنها که ایمان آورده‌اند ...

و می‌فرماید: وَإِنَّهُمْ عِنْدَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفَيْنَ الْأَخْيَارِ؛ «و آنها نزد ما از برگزیدگان و نیکانند». (ص: ۴۷)

ص ۲۲

و می فرماید: نِعَمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ؛ «چه بنده خوبی! زیرا همواره به سوی خدا بازگشت می کرد». (ص: ۳۰)

۸. تعظیم انبیا و اولیا بعد از مرگ

خداوند متعال بعد از مرگ انبیا و اولیا، آنان را نیز تعظیم و تمجید کرده است؛ آنجا که می فرماید: سَلَامٌ عَلَىٰ مُوسَىٰ وَ هَارُونَ؛ «سلام بر موسی و هارون!» (صافات: ۱۲۰)

و نیز می فرماید:

و سَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَ يَوْمَ يَمُوتُ وَ يَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا (مریم: ۱۵)

سلام بر او [یحیی]، آن روز که تولد یافت، و آن روز که می میرد، و آن روز که زنده برانگیخته می شود. و میدانیم یکی از آثار زیارت قبور اولیا تعظیم آنان است.

زیارت قبر پیامبر اکرم (ص) از نظر قرآن

اشاره

آیه اول

خداوند متعال می‌فرماید:

وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ (نساء: ۱۰۰)

هر کس به‌عنوان مهاجرت به سوی خدا و پیامبر او، از خانه خود بیرون رود، سپس مرگش فرا رسد، پاداش او بر خداست.

محمد بن علوی مالکی در مورد این آیه می‌گوید:

قوله تعالى: وَمَنْ يَخْرُجْ ... ان لم يكن نصاً للزيارة فلا شك ان زيارته (ص) لاسيما من الأمكنة البعيدة من

الهِجْرَةَ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ، فمن زاره عليه الصلاة والسلام فهو ممن يدخل في هذه الآية ونحوها. (۱)

قول خداوند متعال: وَمَنْ يَخْرُجْ ... اگر نص برای زیارت نباشد شکی نیست در اینکه زیارت آن حضرت خصوصاً از

مکان‌های دور، مصداق هجرت به سوی خدا و رسولش به حساب می‌آید. لذا هر کس آن حضرت علیه الصلاة والسلام را زیارت کند داخل در این آیه و مانند آن خواهد بود.

آیه دوم

ص ۲۴

در مورد خصوص زیارت قبر پیامبر (ص) نیز می‌توان به گفته خداوند متعال تمسک کرد آنجا که می‌فرماید:

وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَعْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا (نساء: ۶۴)
و اگر هنگامی که گروه منافقان به گناه بر خود ستم کردند از کردار خود به خدا توبه کرده و به توجوع می‌کردند و پیامبر بر آنها استغفار می‌کرد البته در این حال خدا را توبه‌پذیر مهربان می‌یافتند.

کیفیت استدلال

اشاره

اگرچه ظاهر آیه شریفه مربوط به زمان حیات پیامبر (ص) بوده و کسانی که گناهکار بودند نزد پیامبر (ص) آمده و اقرار به گناه می‌کردند و از آن حضرت می‌خواستند تا از خداوند برای آنان طلب مغفرت کند و آن‌گاه خداوند آنان را می‌آمرزید، ولی عالمان اسلامی آن را به بعد از وفات آن حضرت نیز تعمیم داده‌اند.

سُبکی در «شفاء السقام» می‌گوید:

وذلك و ان كان ورد في الحياء، فهي رتبة له لا تنقطع بموته؛ تعظيماً له ... و الآية وردت في اقوام معينين في حالة الحياء و بعد الموت، و لذلك فهم العلماء من الآية العموم في الحاليتين، و استحجوا لمن أتى قبره (ص) ان يتلوا هذه الآية و يستغفر الله تعالى (۱)

ص ۲۵

اگرچه آیه مربوط به حال حیات پیامبر (ص) است، ولی این رتبه و مقامی است که با رحلت حضرت (ص) قطع نمی‌شود. به جهت بزرگداشت آن حضرت و آیه در مورد اقوام معینی در حال حیات پیامبر و یا بعد از رحلت او وارد شده لذا علما از آیه، عموم فهمیده‌اند، پس مستحب است که هر کس به زیارت قبر ایشان می‌آید، این آیه را قرائت نماید و از خداوند استغفار نماید ...

در توضیح عموم علت که در تعبیر سبکی آمده، باید بگوییم: جهت ارجاع گناهکاران به پیامبر (ص) مسئله شفاعت بوده و شکی نیست که بعد از وفات پیامبر (ص) نیز گناهکار وجود دارد و احتیاج به شفاعت پیامبر یا ولی از اولیای الهی وجود دارد. لذا بعد از وفات نیز به زیارت قبر پیامبر رفتن او را واسطه قرار دادن، اشکالی ندارد.

بر همین اساس است که مشاهده می‌کنیم صحابه بعد از فوت پیامبر (ص) نیز سر قبر پیامبر می‌آمدند و او را واسطه بخشش گناهان خود می‌دانستند.

سفیان بن عنبر از عتبی - که هر دو از مشایخ شافعی‌اند - نقل می‌کند:

كنت عند قبر رسول الله (ص) فجاء اعرابی فقال: ألسلام عليك يا رسول الله! سمعت الله يقول: وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتُغْفِرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا و قد جئتک مستغفراً من ذنبي، مستشفعاً بک إلی ربی. ثم بکی و انشأ يقول (۱)

کنار قبر پیامبر (ص) نشسته بودم که اعرابی ای وارد شد و خطاب به رسول خدا (ص) عرض کرد: سلام بر تو ای رسول خدا! خداوند متعال

ص ۲۶

فرموده است: **وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا**، و من به نزد تو آمده‌ام و از گناهان خود استغفار می‌نمایم و تو را شفیع نزد خداوند آورده‌ام، آن‌گاه گریه کرد و اشعاری درباره پیامبر (ص) سرود ...

سمعانی شبیه همین قضیه را از امام علی (ع) نقل می‌کند. (۱)

اگر این عمل جایز نبود، چرا صحابه؛ خصوصاً امام علی (ع) که در آن مکان حاضر بود از آن منع نفرمودند؟

(۲)

شبهه اول: خصوصیت داشتن زمان حیات

اشاره

افرادی که در زمان پیامبر (ص) نزد او می‌آمدند و طلب استغفار می‌کردند به جهت حیات آن حضرت بوده است، حال چگونه می‌توان بعد از مرگ حضرت (ص) از او طلب استغفار کرد؟

پاسخ

اولاً: حیات برزخی بر اساس آیات و روایات مورد پذیرش همه مسلمانان است و ما حیات برزخی را در کتاب مستقلاً ثابت کردیم.

ثانیاً: مطابق برخی از روایات، بر پیامبر اکرم (ص) اعمال امت عرضه شده و حضرت برای آنان استغفار می‌کند؛ ابن مسعود از پیامبر (ص) نقل کرده که فرمود:

حیاتی خیر لکم تحدثون و یحدث لکم، و وفاتی خیر لکم تعرض أعمالکم علی، فما رأیت من خیر حمدت الله و ما رأیت من شر استغفرت الله لکم. (۳)

۱- همان، ج ۲، ص ۶۱۲

۲- همان، ج ۲، ص ۶۱۲.

۳- مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۲۴.

ص ۲۷

حیات من برای شما خیر است، حدیث می گویند و برای شما حدیث گفته می شود، و وفاتم نیز برای شما خیر است؛ زیرا اعمال شما بر من عرضه می شود، و چون اعمال نیک از شما بینم خدا را ستایش می کنم، و آنچه از اعمال زشت مشاهده کنم برای شما از خداوند طلب مغفرت می نمایم.

بسیاری از علمای اهل سنت این حدیث را تصحیح کرده اند؛ از قبیل:

۱. حافظ عراقی، «طرح التثریب فی شرح التقریب»، ج ۳، ص ۲۹۷.

۲. حافظ هیشمی، «مجمع الزوائد»، ج ۹، ص ۲۴.

۳. حافظ سیوطی، «الخصائص الکبری».

۴. مناوی، «فیض القدیر»، ج ۳، ص ۴۰۱.

۵. زرقانی، «شرح المواهب».

۶. شهاب خفاجی، «شرح الشفا»، ج ۱، ص ۱۰۲.

۷. ملاعلی قاری، «شرح الشفا»، ج ۱، ص ۱۰۲.

۸. ابن حجر، «المطالب العالیة»، ج ۴، ص ۲۲.

محمد بن علوی مالکی می گوید:

فالحديث صحيح لامطعن فيه وهو يدل على ان النبي (ص) يعلم أعمالنا بعرضها عليه ويستغفر الله لنا على فعلنا من سيئ وقبيح، وإذا كان كذلك فإنه يجوز لنا أن نتوسل به إلى الله ونستشفع به لديه؛ لأنه يعلم بذلك فيشفع فينا ويدعو لنا وهو الشفيع المشفع (ص)... (۱)

پس حدیث صحیح است و در آن طعنی نیست و آن دلالت می کند بر اینکه پیامبر (ص) از اعمال ما با عرضه کردن بر او اطلاع دارد

۱- مفاهیم يجب ان تصحح، ص ۲۵۸.

ص ۲۸

و برای ما از اعمال بد استغفار می‌نماید، و چون چنین است لذا برای ما جایز است که به او برای قرب به خداوند توسل جسته و طلب شفاعت نزد او نماییم؛ زیرا او از اعمال ما آگاه است و می‌تواند در حق ما شفاعت نموده و در حق ما دعا نماید، و او شفیع مشفّع است ...

شبهه دوم: «اذ» ظرف برای گذشته نه آینده

اشاره

محمد بن صالح العثیمین در اعتراض به استفاده عموم از آیه می‌گوید:

إذ هذه ظرف لما مضى، وليست ظرفاً للمستقبل. لم يقل الله: ولو انهم إذا ظلموا، بل قال: إذ ظلموا، فالآية تتحدث عن أمر وقع في حياة الرسول (ص)، و استغفار الرسول (ص) بعد مماته أمر متعذر، لأنه إذا مات انقطع عمله إلا من ثلاث، كما قال الرسول (ص): (صدقة جارية أو علم ينتفع به أو ولد صالح يدعو له). فلا يمكن للإنسان بعد موته أن يستغفر لأحد، بل ولا يستغفر لنفسه أيضاً؛ لأن العمل انقطع. (۱)

(اذ) در اینجا ظرف است برای گذشته نه برای آینده. خداوند نفرموده: اگر آنان زمانی که ظلم می‌کنند، بلکه فرموده: زمانی که ظلم کردند، پس آیه سخن از امری دارد که در زمان حیات پیامبر (ص) واقع شده، و استغفار پیامبر (ص) بعد از وفاتش امری غیر ممکن است؛ زیرا انسان چون بمیرد عملش منقطع می‌شود مگر از

۱- فتاوی ابن عثیمین، ج ۱، ص ۸۹.

ص ۲۹

سه چیز آن گونه که پیامبر (ص) فرمود: (صدقه جاریه، یا علمی که به آن نفع برده شود، یا فرزند صالحی که بر او دعا نماید). پس انسان نمی تواند بعد از مرگش برای کسی استغفار کند، بلکه بر خودش نیز استغفار نمی کند؛ زیرا عمل منقطع شده است.

پاسخ

به آیه مورد بحث از چند طریق می توان برای جواز زیارت قبر پیامبر (ص) حتی با شدّ رحال و سفر به قصد زیارت استدلال کرد:

۱. تنقیح مناط قطعی؛ زیرا به طور قطع فرقی بین زمان حیات و بعد از آن نیست.
۲. تطبیق آیه توسط صحابه برای بعد از وفات پیامبر (ص)؛ زیرا مطابق برخی از روایات، صحابه این آیه را برای بعد از حیات پیامبر (ص) نیز تطبیق کرده اند.
۳. تقریر امام علی (ع)؛ زیرا مطابق برخی از روایات، فردی اعرابی بعد از وفات پیامبر (ص) آیه را بر او و خودش نزد امام علی (ع) تطبیق نمود و حضرت آن را تقریر کرد.
۴. عدم فرق بین کسی که خانه اش نزدیک قبر پیامبر (ص) بوده یا آنکه از مدینه دور است و به زیارت حضرت مشرف می شود.
۵. وجود فعل در سیاق شرط که مفید عموم است و شامل شدّ رحال برای زیارت قبر پیامبر (ص) از راه دور و نزدیک می شود.
۶. از حدیث «إذ مات ابن آدم انقطع عمله...» استفاده می شود که عمل انسان برای خودش منقطع می شود و دیگر نمی تواند کاری کند که جلب ثواب نماید، به قرینه استثنایی که در ذیل آن آمده است.

ص ۳۰

۷. کلمه «إِذْ» همان گونه که در گذشته استعمال می شود در آینده نیز کاربرد دارد. (۱) ازهری گفته که کلمه «إِذْ» برای مستقبل و «إِذَا» برای ماضی استعمال می شود. (۲)

خداوند متعال می فرماید: وَ لَوْ تَرَىٰ إِذِ فَرَغُوا؛ «اگر بینی هنگامی که فریادشان بلند می شود». (سبأ: ۵۱) و نیز از موارد استعمال «إِذْ» برای مستقبل این آیات است:

وَ لَوْ تَرَىٰ إِذِ وَقَفُوا عَلَى النَّارِ؛ «اگر (حال آنها را) هنگامی که در برابر آتش (دوزخ) ایستاده اند، بینی!» (انعام: ۲۷)

وَ لَوْ تَرَىٰ إِذِ وَقَفُوا عَلَى رَبِّهِمْ؛ «اگر آنها را به هنگامی که در پیشگاه پروردگارشان ایستاده اند، بینی». (انعام: ۳۰)

وَ لَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ فِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ؛ «و اگر بینی هنگامی که (این) ظالمان در شتاید مرگ فرو رفته اند». (انعام: ۹۳)

وَ لَوْ تَرَىٰ إِذِ الْمُجْرِمُونَ نَاكِسُوا رُؤُسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ؛ «و اگر بینی مجرمان را هنگامی که در پیشگاه پروردگارشان سر به زیر افکنده اند». (سجده: ۱۲)

۸. استغفار پیامبر (ص) در قبر امر متعذری نیست؛ زیرا مطابق حدیث صحیح السنند پیامبر (ص) فرمود: «الأنبياء أحياء في قبورهم يصلون» (۳)

؛ «پیامبران در قبرهایشان زنده بوده و دعا می کنند».

و نیز از پیامبر (ص) نقل شده که فرمود:

مررت علی موسی وهو قائم یصلی فی قبره. (۴)

۱- مغنی اللیب، ج ۱، صص ۸۰-۸۳

۲- تهذیب اللغة، ج ۱۵، ص ۴۷

۳- مسند ابی یعلی، ج ۶، ص ۱۴۷.

۴- صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۸۴۵؛ مسند احمد، ج ۴، ص ۱۲۰

ص ۳۱

بر موسی (ع) گذر کردم در حالی که در قبرش ایستاده نماز به جای می آورد.
و نیز به سند صحیح از پیامبر (ص) نقل شده که فرمود:

حیاتی خیر لکم تحدثون ویحدث لکم ووفاتی خیر لکم تعرض علی أعمالکم فما رأیت من خیر حمدت
الله علیه وما رأیت من شر استغفرت لکم. (۱)

زندگانی من برای شما خیر است شما سخن می گوید و برای شما نیز حدیث گفته می شود، و وفات من نیز
برای شما خیر است؛ زیرا بر من اعمال شما عرضه می شود، و هرگاه در آنها عمل خیر بینم خدا را بر آن
سپاس می گویم و اگر عمل ناشایست مشاهده کنم برای شما استغفار می نمایم.

صحابه و تعمیم آیه به بعد از حیات پیامبر (ص)

روایات متعددی است که صحابه از این آیه عموم را فهمیده و شامل زمان حیات و ممات پیامبر (ص)
کرده اند؛ روایت عتبی یکی از آنهاست که در منابع متعددی ذکر شده است. (۲)
در حدیث عتبی چنین آمده است:

كنت جالسا عند قبر النبي (ص) فجاء اعرابي فقال: ألسلام عليك يا رسول الله، سمعت الله يقول: وَ لَوْ أَنَّهُمْ
إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ وَقَدْ جِئْتِكَ مُسْتَغْفِرًا لَدُنِّي مُسْتَشْفَعًا بِكَ إِلَىٰ رَبِّي ثُمَّ أَنشَأَ يَقُول:

۱- مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۲۴؛ الخصائص الكبرى، سیوطی، ج ۲، ص ۲۸۱.

۲- تفسیر قرطبی، ج ۵، ص ۲۶۵؛ تفسیر ابن کثیر، ج ۱، ص ۷۸۷؛ الإيضاح، نووی، ص ۴۹۸؛ المغنی،
ابو محمد ابن قدامه، ج ۳، ص ۵۵۶؛ الشرح الكبير، ابوالفرج ابن قدامه، ج ۳، ص ۴۹۵؛ كشف القناع، شیخ
منصور بن یونس بهوتی، ج ۵، ص ۳۰.

ص ۳۲

یا خیر من دفنت بالقاع أعظمه فطاب من طيهنّ القاع والأکم نفسی الفداء لقبر انت ساکنه فيه العفات وفيه الجود والکرم ثمّ انصرف الأعرابی فغلبتني عيني فرأيت النبي (ص) فی النوم فقال: یا عتبی إلی حق الأعرابی فبشّره انّ الله قد غفر له. (۱)

من نزد قبر پیامبر (ص) نشسته بودم که شخصی اعرابی وارد شد و گفت: درود بر تو ای رسول خدا! از خدا شنیدم که می گوید: (و اگر آنان هنگامی که به خود ظلم کردند ...)، من به نزد تو با حال استغفار از گناهانم آمده‌ام و تو را برای خود نزد پروردگارم شفیع قرار داده‌ام. آن گاه شعری انشاء کرده و می گفت: ای بهترین کسی که در زمین پایین استخوان‌های توست. از بوی خوش تو سرزمین‌های پایین و مرتفع خوشبو شد.

جانم فدای قبری که تو ساکن آن هستی، قبری که در آن عفاف وجود و کرم است. آن گاه شخص اعرابی از آنجا بیرون رفت. در این هنگام چشمانم را خواب فراگرفت، پیامبر (ص) را در خواب دیدم، به من فرمود: ای عتبی! به دنبال اعرابی برو و او را بشارت بده که خداوند از گناهانش در گذشت.

نکته قابل توجه اینکه: آنقدر این قصه و اشعار آن معروف است که صدها سال است که تاکنون بر دو عمود از شبکه‌های حجره پیامبر اکرم (ص) نوشته شده است.

علمای اهل سنت و تعمیم آیه به بعد از حیات

برخلاف برداشت وهابیان عموم عالمان اسلام از آیه عموم را فهمیده و بین زمان حیات و پس از فوت آن حضرت فرقی قائل نشده‌اند.

۱. محمد بن علوی مالکی می گوید:

ومن أراد تخصيصها بحال الحياة فما اصاب؛ لأنّ الفعل في سياق الشرط يفيد العموم، وأعلى صيغ العموم ما وقع في سياق الشرط كما في «ارشاد الفحول» (۱)، وتخصيصها بأحدهما يحتاج إلى دليل وهو مفقود هنا.

فان قيل: من أين أتى العموم حتى يكون تخصيصها بحالة الحياة دعوى تحتاج إلى دليل؟ قلنا: من وقوع الفعل في سياق الشرط، والقاعدة المقررة في الأصول أنّ الفعل إذا وقع في سياق الشرط كان عاماً؛ لأنّ الفعل في معنى النكرة، لتضمنه مصدراً منكرًا، والنكرة الواقعة في سياق النفي أو الشرط تكون للعموم وضعاً. (۲)

هرکس اراده کند تخصیص آیه را به زمان حیات پیامبر (ص) به واقع نرسیده است؛ زیرا فعل در سیاق شرط مفید عموم است، وبالا-ترین صیغه عموم آن است که در سیاق شرط قرار گیرد، همان گونه که در کتاب «ارشاد الفحول» آمده است، و تخصیص آیه به یکی از آن دو احتیاج به دلیل دارد که در اینجا مفقود است.

اگر گفته شود: از کجا عموم پیدا شد تا اینکه تخصیص آن به حالت حیات ادعایی باشد که محتاج به دلیل است؟ در جواب می گوئیم: از

۱- ارشاد الفحول، ص ۱۲۲.

۲- الزيارة النبوية، صص ۱۲-۱۳ به نقل از الرد المحکم المتین، ص ۴۴ و رفع المنارة، ص ۵۷.

اینکه فعل در سیاق شرط واقع شده استفاده عموم شد؛ و قاعده مقرر در اصول این است که اگر فعل در سیاق شرط واقع شود عام خواهد بود؛ زیرا فعل در معنای نکره است چون متضمن مصدر نکره می‌باشد، و نکره در سیاق نفی یا شرط از حیث وضع برای عموم است.

۲. شیخ جمال بن عبدالله شیخ عمر، مفتی مکه نیز همین معنا را از آیه فهمیده است، آنجا که می‌گوید: ... ولذالك فهم العلماء منها العموم للجائين واستحبوا لمن أتى قبره (ص) أن يقرأها مستغفراً لله تعالى ... ويستفاد من وقوع جاؤك في حيز الشرط الدال على العموم ان الآية الكريمة طالبة للمجيء إليه من بعد ومن قرب، بسفر وبغير سفر. (۱)

... بدین جهت است که علما از آیه استفاده عموم کرده و شامل کسانی که از راه دور و نزدیک آمده‌اند نیز نموده‌اند. و برای کسانی که به سوی قبر او آمده‌اند مستحب می‌دانند که این آیه را به جهت طلب مغفرت از خدای متعال بخوانند ... و از اینکه جمله جاؤك در سیاق شرط قرار گرفته که دلالت بر عموم می‌کند استفاده می‌شود که این آیه کریمه از انسان‌ها می‌خواهد تا از راه دور و نزدیک، با سفر و بدون سفر به سوی او به جهت زیارت حرکت کنند.

۳. محمود سعید ممدوح از علمای محدثین اهل سنت بعد از استفاده عموم از آیه برای زیارت بعد از حیات پیامبر (ص) می‌گوید:

۱- نفحات الرضا والقبول فی فضائل المدینة و زیارة سیدنا الرسول ص، احمد بن محمد حضاوی، ص ۶.

ص ۳۵

وحدیث عرض الأعمال یؤید الإستدلال بهذه الآیة و هو قوله (ص): (حیاتی خیر لکم، و مماتی خیر لکم تحدثون و یحدث لکم، و تعرض علی أعمالکم، فما وجدت خیراً حمدت الله و ما وجدت غیر ذلك استغفرت لکم). و هو حدیث صحیح.... (۱)

و حدیث عرض اعمال استدلال به این آیه را تأیید می کند، و آن سخن پیامبر (ص) است که فرمود: (زندگی من برای شما خیر است و مرگ من نیز برای شما خیر است، حدیث می گوید و برای شما حدیث گفته می شود، و اعمال شما بر من عرضه می گردد، و آنچه از خیر در آن یافتم خدا را سپاس می گویم، و آنچه از غیر آن یافتم برای شما استغفار می نمایم) و این حدیثی است صحیح ...

۴. ابوبکر مراغی در ذیل آیه مورد بحث می گوید:

وینبغی لكل مسلم اعتقاد كون زیارته (ص) قربة؛ للأحادیث الواردة فی ذلك، و لقوله تعالى: وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّاباً رَحِيماً (۲) لَانَّ تَعْظِيمَهُ (ص) لا ینقطع بموته.

ولا- یقال: انَّ استغفار الرسول (ص) انما هو فی حیاته، و لیست الزیارة كذلك، لما اجاب به بعض العلماء المحققین: ان الآیة دلت علی تعلیق وجدان الله تواباً رحیماً بثلاثة أمور: المعیء، و استغفارهم و استغفار الرسول لهم.

وقد حصل استغفار الرسول (ص) لجميع المؤمنین؛ لانه (ص) قد استغفر للجميع. قال الله تعالى: وَ اسْتَغْفِرْ لِدُنْبِكَ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ

۱- رفع المنارة، ص ۷۷

۲- نساء: ۶۴.

ص ۳۶

المؤمنات (۱)

ف إذا وجد مجيئهم و استغفارهم تكملت الأمور الثلاثة الموجبة لتوبه الله و رحمته و قد اجمع المسلمون على استحباب زيارة القبور كما حكاها النووي و اوجها الظاهرية (۲)

سزاوار است بر هر مسلمانی که معتقد باشد زیارت پیامبر (ص) موجب قرب به خداست؛ به جهت احادیث وارد شده در این مورد، و به جهت سخن خداوند متعال: (واگر این منافقان، هنگامی که به خود ستم می کردند (و فرمان‌های خدا را زیر پا می گذاردند)، به نزد تو می آمدند؛ و از خدا طلب آمرزش می کردند؛ و پیامبر هم برای آنها استغفار می کرد؛ خدا را توبه پذیر و مهربان می یافتند)؛ زیرا تعظیم پیامبر (ص) با مرگش منقطع نمی شود.

گفته نشود: استغفار پیامبر تنها در زمان حیات اوست و زیارت این گونه نیست؛ زیرا برخی از علمای محقق پاسخ داده‌اند که این آیه دلالت دارد بر تعلیق یافتن خداوند را تواب و رحیم به سه امر: آمدن، استغفار خودشان و استغفار پیامبر (ص) برای آنان.

و پیامبر (ص) برای تمام مؤمنان استغفار کرده آنجا که می فرماید: (و برای گناه خود و مردان و زنان باایمان استغفار کن!) لذا استغفار پیامبر (ص) برای مؤمنان حاصل شد، و اگر آمدن مردم و استغفارشان نیز حاصل شود امور سه گانه که موجب پذیرش توبه و رحمت خداست کامل می گردد. و مسلمانان اجماع کرده‌اند بر استحباب زیارت قبور آن گونه که نووی حکایت کرده و ظاهری‌ها واجب دانسته‌اند ...

۱- محمد: ۱۹

۲- تفسیر مراغی، ذیل آیه.

ص ۳۷

۵. محمد ابراهیم محمد سالم درباره آیه فوق می گوید:

والآیه المذكورة و ان كانت نازلة بسبب خاص، فإن القاعدة الشرعية تعممها، كما هو مقرر في علم الأصول؛ من ان العبرة بعموم اللفظ لا بخصوص السبب. و لهذا الفهم في الآية الشريفة ذكرها المصنفون من جميع المذاهب في المناسك و استحبوها لزائر قبره (ص). (۱)

آیه ذکر شده اگرچه مربوط به سبب خاصی است، ولی قاعده شرعی

آن را تعمیم می دهد، آن گونه که در علم اصول مقرر شده است؛ که اعتبار به عموم لفظ است نه به خصوص سبب. و به جهت همین فهم در آیه شریفه است که مصنفان از تمام مذاهب آن آیه را در مناسک [حج] ذکر کرده و [قرائت آن را] بر زائر قبر آن حضرت مستحب شمرده اند.

زیارت قبر پیامبر (ص) از نظر روایات

احادیثی که دلالت بر رجحان زیارت قبور دارد بر دو گونه اند برخی روایاتی است که به طور عموم شامل زیارت قبر پیامبر (ص) نیز می شود.

محمود سعید ممدوح از عالمان اهل سنت در این باره می گوید:

... الأحاديث الدالة على مطلق الأمر بزيارة القبور، و لها الفاظ متعددة بلغت حد التواتر، كما في نظم المتناثر (ص ۸۰-۸۱) و اتحاف ذوی الفضائل المشتهرة (ص ۹۷). و من أشهر الفاظ قوله (ص): (كنت قد نهيتكم عن زيارة القبور، فزوروها فإنها تذكركم الآخرة). و من الفاظها: (فمن أراد أن يزور القبور فليزر، و

ص ۳۸

لا تقولوا هُجْرًا). أخرج بهذا اللفظ النسائي في سننه (۴ / ۷۳).

والفعل في سياق الشرط يفيد العموم، ولا تجد مخصصاً للحديث. و قبر سیدنا

رسول الله (ص) سيد القبور مطلقاً و اولها بالزيارة. (۱)

... احادیثی که دلالت بر مطلق امر به زیارت قبور دارد و با الفاظ متعدد آمده به حدّ تواتر رسیده آن گونه که در کتاب (نظم المتناثر) و کتاب (اتحاف ذوی الفضائل المشتهرة) آمده است. و از مشهورترین الفاظ آن سخن پیامبر (ص) است که می فرماید: (من سابقاً شما را از زیارت قبور نهی کردم، ولی الان به زیارت قبور بروید؛ زیرا شما را به یاد آخرت می اندازد). و از جمله الفاظ آن این است که: (هر کس خواست به زیارت قبور برود اشکالی ندارد، ولی حرف بی ربط نزند). این حدیث را با این لفظ نسایی در سننش تخریج کرده است. و فعل در سياق شرط مفید عموم است، و مخصصی برای این حدیث نمی بینی. و قبر سرور ما رسول خدا (ص) مهم ترین قبرها به طور مطلق و سزاوارترین قبرها برای زیارت است.

و برخی از روایات نیز به طور خاص در فضیلت زیارت قبور رسول خدا (ص) وارد شده است همچنانکه: پیشوایان نقل حدیث از اهل سنت روایات بسیاری را در صحاح و مسانید خود درباره زیارت قبر پیامبر (ص) و استحباب آن ذکر کرده اند. اینک به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱- رفع المنارة، ص ۸۷.

ص ۳۹

۱. عبدالله بن عمر از پیامبر (ص) نقل کرده که فرمود: «من زار قبری وجبت له شفاعتی» (۱)؛ «هر کس به زیارت قبر من آید شفاعتم بر او واجب می شود».
۲. و نیز از پیامبر (ص) نقل شده که فرمود:
من جاءنی زائراً لا تعلمه إلا زیارتی کان حقاً علی أن أکون له شفیعاً یوم القیامه. (۲)
- هر کس برای زیارت نزد من آید و تنها کار او زیارت من باشد، بر من سزاوار است که شفیع او در روز قیامت شوم.
۳. و نیز نقل شده که فرمود:
من حجّ فزار قبری بعد وفاتی کان کمن زارنی فی حیاتی. (۳)
- هر کس حج به جای آورد و قبر مرا بعد از وفاتم زیارت کند، مثل کسی است که مرا در زمان حیاتم زیارت کرده است.
۴. و همچنین از پیامبر (ص) نقل شده که فرمود:
من حجّ البیت ولم یزرنی فقد جفانی. (۴)
- هر کس حج خانه خدا را به جای آورد، ولی مرا زیارت نکند به طور حتم به من جفا کرده است.
۵. از عمر نقل شده که پیامبر (ص) فرمود:
من زار قبری - أو من زارنی - کنت له شفیعاً - أو شهیداً... (۵)

- ۱- سنن دارقطنی، ج ۲، ص ۲۷۸؛ السنن الکبری، بیهقی، ج ۵، ص ۲۴۵
- ۲- المعجم الکبیر، طبرانی، ج ۱۲، ص ۲۲۵
- ۳- المعجم الکبیر، ج ۱۲، ص ۳۱۰؛ سنن دارقطنی، ج ۲، ص ۲۷۸
- ۴- وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۳۴۲؛ المواهب اللدنیة، ج ۴، ص ۵۷۱.
- ۵- مختصر تاریخ دمشق، ج ۲، ص ۴۰۷؛ کنوز الحقائق، ج ۲، ص ۱۰۷

ص ۴۰

هر کس قبر مرا زیارت کند- یا: هر کس مرا زیارت کند-، من شفیع- گواه- او خواهم بود ...

۶. حاطب بن ابی بلتعنه از پیامبر (ص) نقل کرده که فرمود:

من زارنی بعد موتی فکأئما زارنی فی حیاتی (۱)

هر کس مرا بعد از مرگم زیارت کند به مانند آن است که مرا در زمان حیاتم زیارت کرده است ...

۷. عبدالله بن عمر نقل کرده که پیامبر (ص) فرمود:

من حجّ حجّة الإسلام وزار قبری وغزا غزوة وصلی علی فی بیت المقدس لم یسأله الله عزوجلّ فیما افترض

علیه. «(۳)» (۲)

هر کس حجّه الإسلام به جای آورد وقبر مرا زیارت کند ودر غزوه‌ای شرکت نماید ودر بیت المقدس بر

من درود بفرستد، خدای عزوجلّ در آنچه بر او واجب کرده، او را سؤال و مواخذه نخواهد کرد.

۸. ابوهریره از پیامبر (ص) نقل کرده که فرمود:

من زارنی بعد موتی فکأئما زارنی وأنا حی. ومن زارنی کنت له شهیداً

وشفیعاً یوم القیامة. (۳)

هر کس مرا بعد از مرگم زیارت کند همانند آن است که مرا در حال حیاتم زیارت کرده است. وهر کس

مرا زیارت کند او را گواه و شفیع در روز قیامت خواهم بود.

۹. انس بن مالک از پیامبر (ص) نقل کرده که فرمود:

۱- سنن دارقطنی، ج ۲، ص ۲۷۸؛ السنن الکبری، ج ۵، ص ۲۴۵

۲- شفاء السقام، ص ۳۴؛ وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۳۴۴؛ نیل الاوطار، ج ۵، ص ۱۰۹.

۳- شفاء السقام، ص ۳۵؛ وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۳۴۵

ص ۴۱

من زارنی بالمدينة محتسباً كنت له شفیعاً. (۱)

هر کس مرا در مدینه با اخلاص زیارت کند، من شفیع او خواهم بود.

۱۰. ونیز از پیامبر (ص) نقل کرده که فرمود:

من زارنی میتاً فکأنما زارنی حیاً، ومن زار قبری وجبت له شفاعتی یوم القیامه. وما من أحد من أمتی له سعة

ثم لم یزرنی فلیس له عذر. (۲)

هر کس مرا بعد از مرگ زیارت کند همانند آن است که مرا در حیاتم زیارت کرده است و هر کس قبر

مرا زیارت کند شفاعتم در روز قیامت بر او ثابت می‌گردد. و هر یک از امت من که وسعت مالی داشته،

ولی مرا زیارت نکرده باشد، عذری ندارد.

۱۱. ابن عباس از پیامبر (ص) نقل کرده که فرمود:

من زارنی فی مماتی کان کمن زارنی فی حیاتی، ومن زارنی حتی ینتهی إلی قبری كنت له یوم القیامه

شهیداً- أو قال- شفیعاً. (۳)

هر کس مرا بعد از مرگ زیارت کند همانند کسی خواهد بود که در زمان حیاتم مرا زیارت کرده است.

و هر کس مرا زیارت کند تا اینکه به کنار قبر من برسد من گواه او- شفیع او- در روز قیامت خواهم بود.

۱۲. امام علی (ع) از پیامبر (ص) نقل کرده که فرمود:

من زار قبری بعد مماتی فکأنما زارنی فی حیاتی، ومن لم یزر

۱- مختصر تاریخ دمشق، ج ۲، ص ۴۰۶؛ التاج الجامع للاصول، ج ۲، ص ۱۹۰

۲- شفاء السقام، ص ۳۷؛ المواهب اللدنیة، ج ۴، ص ۵۷۲؛ وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۳۴۶.

۳- مختصر تاریخ دمشق، ج ۲، ص ۴۰۶؛ شفاء السقام، ص ۳۸؛ وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۳۴۶

ص ۴۲

قبری فقد جفانی. (۱)

هر کس قبر مرا بعد از مرگم زیارت کند همانند آن است که مرا در زمان حیاتم زیارت کرده است، و هر کس که قبر مرا زیارت نکند به من جفا کرده است.

۱۳. بکر بن عبدالله از پیامبر (ص) نقل کرده که فرمود:

من أتى المدينة زائراً لى وجبت له شفاعتى يوم القيامة.... (۲)

هر کس به جهت زیارت من وارد مدینه شود شفاعت من در روز قیامت بر او واجب می شود ...

۱۴. عبدالله بن عمر از رسول خدا (ص) نقل کرده که فرمود:

من زارنى بعد موتى فكأنما زارنى فى حياتى.

هر کس مرا بعد از مرگم زیارت کند همانند آن است که مرا در زمان حیاتم زیارت کرده است.

۱۵. ابن عباس از پیامبر (ص) نقل کرده که فرمود:

من حجّ إلى مكة ثم قصدنى فى مسجدى كتبت له حجّتان مبرورتان. (۳)

هر کس در مکه حج به جای آورد و سپس مرا در مسجدم قصد نماید برای او ثواب دو حج مقبول نوشته می شود.

۱۶. از امام علی (ع) نقل شده که فرمود:

من زار قبر رسول الله (ص) كان فى جواره. (۴)

۱- همان، ج ۲، ص ۴۰۶؛ شفاء السقام، ص ۳۹؛ وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۳۴۷

۲- المعجم الاوسط، ج ۱، ص ۲۰۱؛ السنن الكبرى، بیهقی، ج ۵، ص ۲۴۶.

۳- وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۳۴۷؛ نیل الاوطار، ج ۵، ص ۱۰۹

۴- مختصر تاریخ دمشق، ج ۲، ص ۴۰۶؛ نیل الأوطار، ج ۵، ص ۱۰۹.

ص ۴۳

هر کس قبر رسول خدا (ص) را زیارت کند در جوار او خواهد بود.

بررسی سند برخی از روایات زیارت قبر پیامبر (ص)

حدیث اول

اشاره

از بهترین سندهای حدیث زیارت قبر پیامبر (ص) حدیث اول است که از طریق موسی بن هلال عبدی، از عبدالله بن عمر عمری و عبیدالله بن عمر عمری، از نافع از ابن عمر نقل شده که رسول خدا (ص) فرمود: «من زار قبری وجبت له شفاعتی» (۱)؛ «کسی که قبر مرا زیارت کند شفاعت من بر او واجب گردد». عبدالله بن عمر عمری گرچه درباره او بحث است، ولی او را حسن الحدیث می‌دانند. ابن معین می‌گوید: «فی حدیثه عن نافع صالح ثقه»؛ «در حدیثش از نافع صالح و ثقه است». موسی بن هلال عبدی کسی است که از شیوخ احمد بوده و حفاظ از امامان حدیث از او روایت نقل کرده‌اند و ذهبی او را صالح الحدیث دانسته است. (۲) و ابن عدی می‌گوید: «ارجو انه لا بأس به»؛ «امید است که مشکلی در او نباشد». محمد بن علوی مالکی می‌گوید:

۱- الزیارة النبویة، محمد بن علوی المالکی، ص ۹؛ سنن دارقطنی، ج ۲، ص ۲۷۸ و ...

۲- میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۲۲۶

ص ۴۴

واقلاً ما يقال في هذا الحديث إنه حسن. (۱)

کمترین قضاوتی که درباره این حدیث می شود اینکه حسن است.
سیوطی می گوید:

له طرق وشواهد حسنه لأجلها الذهبی. (۲)

برای او طرق و شواهدی است که به جهت آن ذهبی آن را حسن شمرده است.
مناوی می گوید:

قال الذهبی: طرقة لیثه، لکن یتقوی بعضها لبعض. (۳)

ذهبی گفته: طرق اولین است، ولی برخی از آنها بعضی دیگر را تقویت می کند.
ملا علی قاری می گوید:

حدیث ابن عمر له طرق وشواهد؛ حسنه الذهبی لأجلها و صححه جماعة من ائمة الحديث. (۴)

حدیث ابن عمر دارای طرق و شواهدی است. لذا ذهبی به همین جهت آن را تحسین کرده و جماعتی از
امامان حدیث او را تصحیح نموده اند.
شیخ محمود سعید ممدوح می گوید:

إنه حدیث حسن ولا بد، وهذا ما تقتضیه قواعد الحديث. (۵)

۱- الزیارة النبویة، ص ۲۶

۲- المناهل، ص ۲۰۸.

۳- فیض القدیر، ج ۶، ص ۱۴۰

۴- شرح الشفا، ج ۳، ص ۵۱۱

۵- رفع المنارة لتخریج احادیث التوسل والزیارة، ص ۲۶۴.

ص ۴۵

این، حدیث حسن است، و بایست که چنین باشد، و این آن چیزی است که قواعد حدیث آن را اقتضا می‌کند.

پاسخ به شبهات

اشاره

این حدیث را سیوطی در کتاب «مناهل الصفا فی تخریج احادیث الشفا» و سبکی شافعی در کتاب «شفاء السقام» و دیگران تصحیح نموده‌اند. ولی از جهاتی در آن مناقشه شده که به آن می‌پردازیم:

شبهه اول: مجهولیت برخی از راویان حدیث

اشاره

گفته شده که موسی بن هلال مجهول است؟

پاسخ

او کسی است که بسیاری از راویان که از جمله آنها احمد بن حنبل است از او نقل حدیث کرده و ابن جوزی او را از شیوخ احمد بن حنبل به حساب آورده است. (۱) و غیر از احمد بن حنبل نیز بسیاری از راویان از او نقل حدیث کرده‌اند. و یعقوب بن سفیان فسوی به او اعتماد کرده است. (۲) و انگهی ابن عدی در کتاب «الکامل» می‌گوید: «ارجو انه لا بأس به» (۳) «امیدوارم که مشکلی در او نباشد».

شبهه دوم: عدم صحت روایت موسی از عبدالله

اشاره

گفته شده: موسی بن هلال این روایت را از عبدالله بن عمر عمری نقل کرده و روایت او از عبدالله بن عمر ثقه حافظ صحیح نمی‌باشد.

پاسخ

۱- مناقب الامام احمد، ابن جوزی، ص ۴۹

۲- المعرفة و التاريخ، ج ۱، صص ۱۲۲، ۱۲۷ و ۱۲۸

۳- الکامل، ج ۶، ۲۳۵۰.

ص ۴۶

جماعتی از محدثان حدیث فوق را از عیدالله بن عمر نقل کرده‌اند که از آن جمله عید بن محمد وراق بنابر نقل دار قطنی در «سنن دار قطنی» (۱) و محمد بن اسماعیل بن سمره احمسی و فضل بن سهل، بنابر نقل بیهقی در کتاب «شعب الایمان» (۲)، و محمد بن عبدالرزاق، بنابر نقل قاضی عیاض در کتاب «الشفاء» (۳) و دیگر افراد است.

محمد ناصر الدین البانی با شدتی که در این روایت به خرج داده اعتراف به ثبوت هر دو روایت کرده و می‌گوید: «انّ الطرق بالروایتین عنه متقابله» (۴)؛ «راه ما به دو روایت از او متقابل است».

شبهه سوم: خطای موسی بن هلال در نقل از عیدالله

اشاره

ابن عبدالهادی در کتاب «الصارم المنکی» می‌گوید:
 وکانّ موسی بن هلال حدّث به مره عن عیدالله فأخطأ؛ لانه لیس من أهل الحدیث ولا من المشهورین بنقل،
 وهو لم یدرک عیدالله ولا لحقه ... (۵)
 و گویا موسی بن هلال حدیث کرده به این مطلب یک بار از عیدالله و خطا نموده؛ زیرا او از اهل حدیث نیست و از مشهورین به نقل حدیث هم نمی‌باشد، و او عیدالله را درک نکرده و ملحق به او نبوده است ...

پاسخ

۱- سنن دارقطنی، ج ۲، ص ۲۷۸

۲- شعب الایمان، ج ۳، ص ۴۹۰

۳- الشفاء، ج ۲، ص ۷۴

۴- الإرواء، ج ۴، ص ۳۳۷

۵- الصارم المنکی، صص ۳۹-۴۰.

ص ۴۷

موسی بن هلال از عیبدالله بن عمر به سندهای صحیح چندین بار حدیث نقل کرده و او را نیز درک کرده، لذا مدلس نیست. (۱)

وانگهی هرگاه علم به انتفاء ملاقات بین آن دو نباشد باید حکم به اتصال نمود همان گونه که در جای خود به آن اشاره شده است.

شبهه چهارم: تفرد روایت موسی بن هلال

اشاره

ابن عبدالهادی نیز می گوید:

ولو فرض انّ الحدیث من روایة عیبدالله لم یلزم ان ینکر صحیحاً؛ فانّ تفرد موسی بن هلال به عنہ دون سائر اصحابه المشهورین بملازمته و حفظ حدیثه و ضبطه من ادلّ الأشياء علی انه منکر غیر محفوظ، و اصحاب عیبدالله بن عمر المعروفون بالروایة عنه مثل یحیی بن سعید القطان ... فإذا کان الحدیث لم یروه عن عیبدالله أحد من هؤلاء الأثبات ولا رواه ثقة غیرهم، علمنا انه منکر غیر مقبول، و جزمنا بخطأ من حسنه أو صححه. (۲)

اگر فرض شود که حدیث از روایت عیبدالله است لازم نمی آید که صحیح باشد؛ زیرا تفرد موسی بن هلال به این روایت از عیبدالله نه سایر اصحاب مشهور به ملازمه با او و حفظ حدیث و ضبط از او، از بهترین دلیل هاست بر اینکه او منکر و غیر محفوظ است. و اصحاب عیبدالله بن عمر که معروف به روایت از او هستند عبارتند از یحیی

پاسخ

۱- حلیة الاولیاء، ج ۶، ص ۳۱۳

۲- الصارم المنکی، ص ۳۴.

ص ۴۸

بن سعید القطان ...، حال اگر این حدیث را هیچ یک از این افراد ثبت و راویان ثقه از او نقل نکرده‌اند، علم پیدا می‌کنیم که آن منکر و غیر مقبول است، و جزم پیدا می‌کنیم به اشتباه کسی که آن را تحسین کرده یا تصحیح نموده است.

حدیث متفرد تنها با دو شرط منکر به حساب می‌آید:

۱. راوی آن ضعیف بوده و حدیثش تصحیح یا تحسین نشود.

۲. با شواهد و متابعات حدیث او تقویت نگردد.

موسی بن هلال عبدی شخصی مستور، یا بد حافظه و یا تضعیف شده نیست؛ چرا که محدثان بزرگ اهل سنت همچون احمد بن حنبل از او نقل حدیث کرده و ذهبی او را صالح الحدیث دانسته و ابن عدی از او نفی بآس نموده است. وانگهی حدیث او از طریق دیگر آمده و متابعت شده است.

طبرانی از عبدالله بن محمد عبادی بصری، از مسلم بن سالم جهنی، از عبیدالله بن عمر، از نافع، از سالم، از ابن عمر نقل کرده که گفت: رسول خدا (ص) فرمود:

من جاءني زائراً لا يعمل له حاجة إلا زيارتي كان حقاً على أن أكون له شفيعاً يوم القيامة. (۱)

هر کس به جهت زیارت نزد من آید و کاری جز زیارت نداشته باشد بر من است که شفیع او در روز قیامت گردم.

۱- المعجم الكبير، ج ۱۲، ص ۲۹۱، مجمع الزوائد، ج ۴، ص ۲

ص ۴۹

مسلم بن سالم در سند این حدیث گرچه از سوی ابوداود تضعیف شده ولی ابن السکن حدیثش را صحیح دانسته است. لذا حدیث او برای متابعت فایده دارد.

شبهه پنجم: سوء حافظه عبدالله بن عمر عمری

اشاره

گفته شده: عبدالله بن عمر عمری متهم به بدی حافظه و مخالفت با ثقات در روایات است و ابن حبان اسم او را در کتاب «المجروحین» آورده است. (۱)

پاسخ

اولاً: همان گونه که اشاره شد عده‌ای این حدیث را از طریق عبیدالله بن عمر عمری ثقه نقل کرده‌اند. ثانیاً: ذهبی و ابن حجر و عده‌ای دیگر از رجالین اهل سنت ابن حبان را از متشددین و مبالغه‌کنندگان در جرح راویان دانسته‌اند.

ثالثاً: یحیی بن معین او را توثیق عام و خاص نموده است.

ابن ابی مریم از یحیی بن معین نقل کرده که درباره عبدالله بن عمر عمری گفت: «لیس به بأس، یکتب حدیثه»؛ «باکی در او نیست، حدیثش نوشته می‌شود».

و عثمان بن سعید دارمی می‌گوید:

قلت لابن معین، کیف حاله فی نافع؟ قال: صالح ثقة. (۲)

به ابن معین گفتم: حال عبدالله بن عمر عمری در نقلش از نافع چگونه است؟ گفت: او صالح و ثقه می‌باشد.

۱- المجروحین، ج ۲، ص ۶.

۲- الکامل، ج ۴، ص ۱۴۵۹.

ص ۵۰

و دارمی از اخص و اشهر اصحاب یحیی بن معین است.

نتیجه اینکه حدیث عبدالله بن عمر عُمری نیز مورد قبول بوده و قابل اعتماد است در صورتی که با غیرش مخالف نباشد.

وانگهی عده‌ای از علمای رجال اهل سنت او را توثیق کرده‌اند از قبیل: احمد بن صالح مصری (۱)، لذا ابوحاتم رازی می‌گوید:

رأيت احمد بن صالح يحسن الثناء على عبدالله العُمري. (۲)

احمد بن صالح را مشاهده کردم که عبدالله عمری را به نیکی یاد می‌کند.

و نیز عجللی از او نفی باس کرده (۳) و ابن شاهین او را در ثقاتش آورده است.

ابن عدی درباره او می‌گوید:

وهو لا بأس في رواياته؛ وإنما قالوا فيه: لا يلحق أخاه عبيدالله، وإلا فهو في نفسه صدوق لا بأس به. (۴)

باکی در روایاتش نیست، و درباره او گفته‌اند که به برادرش عبيدالله ملحق نمی‌شود، و گرنه او فی نفسه راستگوست و باکی در او نمی‌باشد.

و چیزی که نزاع را درباره عبدالله بن عمر عُمری از بین می‌برد اینکه عثمان بن سعید دارمی می‌گوید:

قلت ليحیی بن معین: عبدالله العُمري ما حاله في نافع؟ قال: صالح ثقة (۵)

به یحیی بن معین گفتم: عبدالله بن عُمری وضعیتش در مورد نافع چگونه است؟ گفت: او صالح و ثقه است.

۱- الثقات، ابن شاهین، ص ۱۵۱

۲- الجرح و التعديل، ج ۵، ص ۱۱۰

۳- الثقات، ص ۲۳۹.

۴- الکامل، ج ۴، ص ۱۴۶۱

۵- همان، ج ۴، ص ۱۴۵۹

ص ۵۱

و می دانیم که عبدالله بن عمر این روایت را از نافع نقل کرده است. جالب توجه اینکه ابن عبدالهادی عبدالله بن عمر را در جایی دیگر تقویت کرده و تضعیف کننده او را ردّ نموده است و از یحیی بن معین نقل کرده که در او باکی نیست. (۱)

نتیجه اینکه حدیث زیارت قبر پیامبر (ص) با سندی که ذکر شد مطابق قواعد رجال و حدیث حسن است.

حدیث دوم

حاکم نیشابوری از طریق محمد بن اسحاق، از سعید بن ابی سعید مقبری، از عطاء مولى ام حبیبه نقل کرده که گفت:

سمعت أباهريرة يقول: قال رسول الله (ص):

ليهبطنّ عيسى بن مريم حكماً عدلاً، و اماماً مقسطاً، و ليسلكنّ فجاً حاجاً و معتمراً أو بنتيهما، و ليأتينّ قبرى حتى يسلمّ على، و لأردنّ عليه. (۲)

از ابوهریره شنیدم که می گوید: رسول خدا (ص) فرمود: (به طور حتم عیسی بن مریم به عنوان حاکم عادل، و امام دادرس فرود می آید و راهی را برای حجّاج و عمره کنندگان باز می کند یا به نیت آن دو، و کنار قبر من می آید و بر من سلام می کند و من جواب سلامش را می دهم.

حاکم بعد از نقل این حدیث حکم به صحت اسناد آن کرده و ذهبی هم آن را قبول نموده است. عدم تصریح محمد بن اسحاق به سماع ضرر نمی رساند؛ زیرا برای او متابع وجود دارد.

۱- التنقیح، ج ۱، ص ۱۲۲.

۲- المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۵۹۵

ص ۵۲

و این حدیث طرق مختلفی دارد. و عطاء مولی ام حبیبه، تابعی است که حافظ ثقه سعید بن ابی سعید مقبری از او روایت نقل کرده است. و ابن حبان او را در «الثقات» آورده (۱)، و حاکم نیز حدیثش را تصحیح نموده است.

منشأ تضييف احاديث زيارت

محمود سعید ممدوح از محدثان معروف اهل سنت در کتاب «رفع المنارة لتخريج احاديث التوسل و الزيارة» می نویسد:

شاع بين كثير من الناس ان احاديث الزيارة كلها ضعيفة بل موضوعة و هو خطأ بلاريب و مصادمه لقواعد الحديث بلامين، و يكفي اللبيب قول الذهبي الحافظ الناقد عن حديث الزيارة: طرقة كلها لينة لكن يتقوى بعضها ببعض؛ لأن ما في روايتها متهم بالكذب. نقله عنه السخاوي، و اقره في المقاصد الحسنة (ص ۴۱۳). و منشأ هذه الخطأ هو الإعتقاد على كتاب (الصارم المنكى فى الرد على السبكي) للحافظ أبى عبد الله محمد بن أحمد بن عبد الهادى.

و كنت أرى الإحالة على هذا الكتاب من كثير من الكتاب؛ سواء من المشتغلين بالحديث أو غيرهم، فاكتفى بالسكوت رغبة فى اغتنام فرصة لتحقيق مدى صحة هذه المقولة.

وبعد النظر فى (الصارم المنكى) و تحقيق احاديث الزيارة رأيت الهول فى هذا الكتاب، فتراه يتعنت اشد التعنت فى ردّ الأحاديث عند كلامه على الرجال، و يطول الكلام جدّاً على الرجال ناقلاً ما

ص: ۵۳

یراه یؤید رأیه و هو الجرح، ولا یدکر من التعديل إلا ما یوافقہ، كما فعل مع عبد الله بن عمر العمري ...
 واحياناً یأتی بتعليلات للأحاديث خارجة علی قواعد الحديث؛ کقوله عند محاولة تضييف بعض الأحاديث:
 لم یخرجه أحد من اصحاب الکتب الستة ولا رواه الأمام احمد فی مسنده ... و غير خفي ان هذا التعليل فيه
 نظر، فالعبرة بالإسناد ولو كان الحديث فی جزء غير مشهور....(۱)

بين بسیاری از مردم شایع شده که احادیث زیارت همگی ضعیف، بلکه جعلی است، در حالی که این حرف
 بدون شک خطاست و بدون تردید با قواعد حدیث مخالفت دارد. و کفایت می کند افراد خردمند را گفته
 ذهبی آن حافظ نقاد درباره حدیث زیارت که تمام طرق آن اشکالاتی دارد، ولی می تواند یکدیگر را
 تقویت کنند؛ چرا که در روایت زیارت کسانی وجود دارند که متهم به کذبند. این مطلب را سخاوی از او
 نقل کرده و در (المقاصد الحسنة) بر آن اقرار نموده است. و منشأ این خطا اعتماد بر کتاب (الصارم المنکی
 فی الرد علی السبکی) از حافظ ابو عبدالله محمد بن احمد بن عبدالهادی است.

و مشاهده می کردم بسیاری از نویسندگان را که بر این کتاب ارجاع داده اند؛ چه از مشتغلان به حدیث یا
 غیر آنان، و من به سکوت اکتفا می کنم تا فرصت برای تحقیق در محدوده صحت این گفتار فراهم گردد.

ص: ۵۴

و بعد از نظر کردن در کتاب (الصارم المنکی) و تحقیق احادیث زیارت در این کتاب امر عجیبی مشاهده کردم، می بینی هنگام سخن گفتن او درباره رجال شدیداً با آنان برخورد کرده و این گونه احادیث را ردّ می نماید، و او سخن را درباره رجال اطاله داده و مطالبی را نقل می کند که مؤید نظر خودش در جرح می باشد و از تعدیل چیزی نقل نمی کند مگر آنچه را که موافق رأی اوست، همان گونه که در مورد عبدالله بن عمر عمری چنین کرده است ...

او در برخی موارد تعلیلاتی را درباره احادیثی می آورد که خارج از قواعد حدیث است، مثل قول او هنگام تضعیف برخی از احادیث: (احدی از اصحاب کتب سته آن را تخریج نکرده و امام احمد در مسندش آن را روایت نکرده است ...). مخفی نیست که این تعلیل خالی از اشکال نمی باشد؛ زیرا اعتبار به سند است گرچه حدیث در جزئی غیر مشهور باشد ...

سید عبدالعزیز بن صدیق غماری در کتاب «التّهانی فی التعقیب علی موضوعات الصنعانی» در ردّ صاحب کتاب «الصارم المنکی» می نویسد:

وابن عبدالهادی سلک فی ذلک الکتاب مسلک الإفراط الخارج عن قواعد أهل الحديث، فيجب الحذر منه؛ زيادة على سوء الأدب في التعبير مع التقى السبكي الحافظ الفاقه، و اتیانه فی حقه بما لا یلیق بأهل العلم سلوکه. یضاف إلى ذلک ما أتى به من القول الفاسد و الرأى الباطل و الخروج عن سبیل السلف فی ذلک، و ان زعم إنه ینصر عقیدتهم (۱)

۱- رفع المنارة، صص ۱۱-۱۲ به نقل از کتاب التّهانی، غماری، ص ۴۹.

ص: ۵۵

و ابن عبدالهادی در آن کتاب روش افراط را پیموده و از قواعد حدیث خارج شده است، لذا باید از او بر حذر شد. مضافاً به اسائه ادبی که در تعبیر از تقی سبکی، حافظ فهمیده به کار گرفته و در حق او کلماتی را به کار برده که لایق اهل علم نیست که چنین تعبیراتی را به کار برند. و نیز گفته فاسد و رأی باطل داشته و از راه سلف در آن مطالب خارج شده است گرچه گمان می کند که عقیده آنان را یاری می کند ...

عدم احتیاج به بررسی سند روایات زیارت

شیخ عبدالرحمان جزیری در کتاب «الفقه علی المذاهب الاربعه» می نویسد:

أَمَّا مَا وَرَدَ مِنَ الْأَحَادِيثِ فِي زِيَارَةِ قَبْرِ النَّبِيِّ (ص)، فَسَوَاءَ كَانَ سَنَدُهُ صَحِيحًا أَوْ لَا، فَإِنَّهُ فِي الْوَاقِعِ لَا حَاجَةَ إِلَيْهِ بَعْدَ مَا بَيْنَنَا مِنْ فَوَائِدِ زِيَارَتِهَا وَ مَحَاسِنِهَا الَّتِي يَقْرَاهَا الدِّينُ، وَ تَحْتَ عَلَيْهَا قَوَاعِدُهُ الْعَامَّةُ. (۱)

اما آنچه از احادیث درباره زیارت قبر پیامبر (ص) آمده چه آنکه سندش صحیح باشد یا نباشد، زیرا در واقع احتیاجی به آن نیست بعد از آنکه فواید زیارت قبر پیامبر (ص) و محاسن آن را بیان کردیم، فوایدی که دین آن را اقرار کرده و قواعد عامه نیز بر آن تأکید دارد.

و نیز می نویسد:

لَارِيبَ فِي أَنَّ زِيَارَةَ قَبْرِ الْمُصْطَفَى عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ مِنْ أَعْظَمِ الْقُرْبِ وَأَجْلَهَا شَأْنًا؛ فَإِنَّ بَقْعَهُ ضَمَّتْ خَيْرَ الرِّسْلِ وَأَكْرَمَهُمْ عِنْدَ اللَّهِ لَهَا شَأْنٌ خَاصٌّ وَمَزِيَّةٌ يَعْجِزُ الْقَلَمُ عَنْ وَصْفِهَا. عَلَى أَنَّ

۱- الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۷۱۱.

ص ۵۶

الغرض الصحيح من زيارة القبور هو تذكّر الآخرة، كما ورد الحديث الصحيح الذي نصّ على الإذن في زيارة القبور للموعظة الحسنه و تذكّر الآخرة، فمتى كانت الزيارة لغرض صحيح يقره صاحب الشريعة كانت ممدوحه من جميع الجهات. و ممّا لاخلاف فيه انّ زيارة قبر المصطفى (ص) تفعل في نفوس أولى الألباب اكثر ممّا

تفعله أي عبادة أخرى.... (۱)

شکی نیست که زیارت قبر مصطفی علیه الصلاة و السلام از بزرگترین وسایل تقرّب به خدا و اعمالی است که شأنش از همه بلندتر می باشد؛ زیرا بقعه ای که بهترین رسولان و کریم ترین آنان نزد خدا را در بر گرفته دارای شانی خاص و مزیتی است که قلم از وصف آن عاجز می باشد. علاوه بر آن، غرض صحیح از زیارت قبور همان یاد کردن آخرت است، آن گونه که در حدیث صحیح آمده که نص بر اذن در زیارت قبور به جهت موعظه حسنه و تذكّر آخرت است. پس هر زمان که زیارت به جهت غرض صحیحی است که صاحب شریعت آن را امضا کرده از تمام جهات امری پسندیده می باشد. و از جمله مسایلی که در آن اختلاف نیست اینکه زیارت قبر مصطفی (ص) در نفس های صاحبان خرد بیش از هر عبادت دیگر تأثیر می گذارد ...

زیارت قبر رسول اکرم (ص) و امام حسین در کلام اهل بیت:

امام سجاد (ع) نقل کرده که رسول خدا (ص) فرمود:

من زار قبری بعد موتی کان کمن هاجر إلی فی حیاتی، فان لم تستطیعوا فابعثوا إلی السلام فانه یبلغنی. (۲)

۱- الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۱، ص ۷۱۱

۲- کامل الزیارات، ص ۴.

ص ۵۷

هر کس قبر مرا بعد از مرگم زیارت کند همانند کسی است که در زمان حیاتم به سوی من هجرت کرده است، و اگر نمی‌توانید به زیارت قبر من بیایید بر من درود فرستید که به من می‌رسد.
ابن ابی نجران می‌گوید:

قلت لأبی جعفر (ع): جعلت فداک! ما لمن زار رسول الله (ص) متعمداً؟ فقال: له الجنة. (۱)

به امام باقر (ع) عرض کردم: فدایت کردم، چیست ثواب کسی که از روی قصد به زیارت قبر رسول خدا (ص) رود؟ حضرت فرمود: بهشت برای اوست.

عبدالله بن سنان از امام صادق (ع) نقل کرده که فرمود:

بینما الحسین بن علی (ع) فی حجر رسول الله (ص) إذ رفع رأسه فقال له یا ایه! ما لمن زارک بعد موتک؟ فقال: یا بنی! من اتانی زائراً بعد موتی فله الجنة، ومن أتى اباک زائراً بعد موته فله الجنة، ومن أتى أخاک زائراً بعد موته فله الجنة، ومن اتاک زائراً بعد موتک فله الجنة. (۲)

در آن هنگام که حسین بن علی (ع) در دامان رسول خدا (ص) بود ناگهان سر خود را بلند کرده و به حضرت عرض کرد: ای پدرم! چیست ثواب کسی که بعد از مرگ شما به زیارتتان بیاید؟ حضرت فرمود: ای فرزندم! هر کس بعد از مرگم به زیارت من بیاید بهشت بر او واجب می‌شود، و نیز هر کس بعد از مرگ پدرت به زیارت او بیاید بهشت بر او واجب است، و هر کس که بعد از مرگ

۱- کافی، ج ۴، ص ۵۴۸

۲- کامل الزیارات، ص ۱۰.

ص: ۵۸

برادرت به زیارت او بیاید بهشت بر او واجب است، و هر کس که بعد از مرگ تو به زیارت بیاید بهشت بر او واجب می‌باشد.

فضیلت زیارت قبر امام حسین (ع)

در روایات اهل بیت: علاوه بر فضیلت زیارت پیامبر (ص) و سایر امامان: سفارش فراوانی در مورد زیارت قبر امام حسین (ع) شده است؛ از جمله:

۱. محمد بن مسلم از امام باقر (ع) نقل می‌کند که فرمود:

مروا شیعتنا بزیارة قبر الحسين بن علی؛ فان اتیانه مفترض علی کل مؤمن یقرّ للحسین (ع) بالإمامة من الله عزوجل. (۱)

شیعیان ما را به زیارت قبر حسین بن علی سفارش نمایند؛ زیرا به جای آوردن آن بر هر مؤمنی که اقرار به امامت حسین از جانب خداوند عزوجل دارد، واجب است.

۲. امام صادق (ع) فرمود:

من زار الحسین من شیعتنا لم یرجع حتی یغفر له کل ذنب. (۲)

هر کس از شیعیان ما به زیارت قبر حسین (ع) رود باز نمی‌گردد تا اینکه تمام گناهان او بخشوده شود.

۳. امام رضا (ع) از پدرش و او از جدش امام صادق (ع) نقل کرده که فرمود: «إِن آیام زائر الحسین (ع) لا تحسب من اعمارهم» (۳)؛ «همانا روزهای زائرین حسین (ع) جزء عمرشان حساب نمی‌شود».

۱- بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۳؛ امالی صدوق، ص ۱۲۶

۲- کامل الزیارات، ص ۱۴۵.

۳- همان، ص ۱۴۷

ص ۵۹

۴. امام صادق (ع) فرمود:

من اراد أن يكون في جوار نبيه (ص) و جوار علی و فاطمة (ع) فلا يدع زيارة الحسين (ع). (۱)

هر کس که می خواهد در جوار پیامبر (ص) و جوار علی و فاطمه (ع) باشد، هرگز زیارت حسین بن علی (ع) را رها نکند.

۵. امام صادق (ع) فرمود:

من أتى قبر الحسين (ع) عارفاً بحقه غفر له ما تقدم من ذنبه و ما تاخر. (۲)

هر کس به زیارت قبر حسین آید؛ در حالی که عارف به حق اوست، گناهان گذشته و آینده او بخشوده خواهد شد.

۶. احمد بن محمد بن ابی نصر می گوید:

سأل بعض أصحابنا أبا الحسن الرضا (ع) عمّن أتى قبر الحسين (ع)؟ قال: تعدل عمره. (۳)

یکی از اصحاب ما از امام رضا (ع) درباره ثواب زیارت قبر امام حسین (ع) سؤال کرد، حضرت فرمود: معادل با عمره است.

۷. محمد بن سنان می گوید: از امام رضا (ع) شنیدم که می فرمود:

من أتى قبر الحسين (ع) كتب الله له حجة مبرورة. (۴)

هر کس به زیارت قبر حسین (ع) رود، خداوند متعال برای او ثواب حج قبول شده خواهد نوشت.

۱- همان، ص ۱۴۷

۲- همان، ص ۱۵۱

۳- همان، ص ۱۶۷.

۴- همان، ص ۱۷۰.

ص ۶۰

۸. علی بن میمون می گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که می فرمود: لو أن أحدكم حج ألف حجة ثم لم يأت قبر الحسين بن علي (ع) لكان قد ترك حقاً من حقوق الله. و سئل عن ذلك فقال: حق الحسين (ع)، مفروض علی کل مسلم. [\(۱\)](#)

اگر کسی از شما هزار حج انجام دهد، ولی به زیارت قبر امام حسین (ع) نرود، حتی از حقوق خداوند را ترک کرده است. از علت آن سؤال شد؟ حضرت فرمود: حق حسین (ع) بر هر مسلمانی واجب است.

عوامل برتری زیارت امام حسین (ع)

برخی از مغرضین از وهابیان با مشاهده این روایات در کتب شیعه خشمگین شده و شدیداً بر شیعه امامیه به سبب وجود این روایات حمله کرده اند. اینان می گویند: وجود این گونه روایات مردم را از فریضه حج بازداشته و عقیده آنان را نسبت به حج سئست می کند یا اینکه موجب تفضیل امام حسین (ع) بر خداوند متعال می شود - نعوذ بالله تعالی - لذا باید از نشر این گونه افکار و عقاید جلوگیری کرد، چون نوعی غلو است.

در پاسخ به این شبهه و توجیه روایات تأکید فراوان بر فضیلت زیارت قبر امام حسین (ع) میگوئیم.

۱. ممکن است که این روایات جنبه رمزی داشته باشد؛ یعنی هرگاه اسلام در خطر است و مردم تنها توجهشان به ظاهر شریعت (نماز، روزه، حج وغیره) است؛ در حالی که این قالبها از روح تهی است باید با

۱- بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۵.

ص ۶۱

گذراندن خطّ سرخ شهادت، ابتدا روح را در کالبد شریعت و جامعه اسلامی وارد نمود، آن گاه به ظاهر شریعت پرداخت.

در کشور اسلامی که تنها اسم اسلام باشد، ولی از روح شریعت خبری نباشد باید ابتدا با پیمودن راه حسینی امت را نسبت به حقیقت اسلام آشنا کرد و آن گاه به ظاهر شریعت پرداخت؛ یعنی همان کاری که امام حسین (ع) نمود؛ زیرا آن وقتی که همه برای اعمال حج به مکه آمده‌اند، ایشان اعمال حجّ خود را نیمه تمام گذاشته و به امر مهمی پرداخت که احیای امر به معروف و نهی از منکر، بیداری ملت و احیای شریعت بود.

۲. اگر کعبه احترام دارد از آن جهت است که به امر خداوند توسط انبیای الهی بنا شده است و طبق نصّ برخی از روایات، موازی عرش الهی و مظهري از مظاهر ربوبی است، ولی امام کلمه الله و مظهر جامع جمیع صفات جمال و جلال الهی است. لذا در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم:

من أَرَادَ اللهُ بَدَأَ بِكُمْ، وَمَنْ وَحَدَهُ قَبْلَ عَنكُمْ، وَمَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ. (۱)

هر که خدا را اراده کند از شما شروع خواهد کرد، و هر که خدا را به وحدانیت شناخته از شما قبول کند، و هر کس خدا را قصد کرده به شما توجه کند.

در دعای ندبه نیز می‌خوانیم: «أَيْنَ وَجْهَ اللهِ الَّذِي إِلَيْهِ يَتَوَجَّهُ الْأَوْلِيَاءُ» (۲)؛ «کجاست وجه خدا که اولیا به او توجه کنند؟»

۳. بر هر فرد مسلمانی واجب است که احکام شرعی؛ از جمله حج و مسائل آن را فرا گرفته و آن گاه به حج برود و اعمال آن را به جای

۱- زیارت جامعه کبیره

۲- دعای ندبه.

ص ۶۲

آورد. از آنجا که امام، مبین شریعت نبوی است، باید ابتدا به سراغ او رفته و با التزام به امامت و ولایت تشریحی و تکوینی او سراغ حج و اعمال آن برویم.

۴. ممکن است کسی ادعا کند که مستحبات به جهاتی از واجبات برتر و افضل باشد؛ چرا که واجبات اموری هستند که به لحاظ حق الطاعه به حکم عقل و نقل و لزوم شکر منعم بر انسان واجب شده‌اند، به خلاف مستحبات که انجام آن ضرورت ندارد، و در آن مصلحت اکیده و شدید نیست، حال اگر کسی همت کرده و آن را انجام دهد با آنکه برای او واجب نبوده می‌توان گفت که قرب بیشتری برای او از واجب داشته باشد؛ همان‌گونه که در مورد سلام کردن که مستحب است و پاسخ آنکه واجب است مطابق روایات این مطلب صادق می‌باشد، چرا که ثواب سلام کردن بیش از پاسخ به آن است.

اهل بیت: زیارت قبور اولیا

اهل بیت عصمت و طهارت: دستور اکید نسبت به زیارت قبور اولیا و امامان داده‌اند. اینک به یکی از این روایات اشاره می‌کنیم:

و شأ می گوید: از امام رضا (ع) شنیدم که می‌فرمود:

انّ لكلّ امام عهداً فی عنق اولیائه و شیعته وانّ من تمام الوفاء بالعهد و حسن الأداء زیارة قبورهم، فمن زارهم رغبه فی زیارتهم و تصدیقاً بما رغبوا فیه کان ائمتهم شفعا لهم یوم القیامة. (۱)

۱- کامل الزیارات، ص ۱۲۱؛ کافی ج ۴، ص ۵۶۷.

ص ۶۳

همانا برای هر امامی عهدی بر گردن اولیا و شیعیانش است و از تمام وفای به آن عهد و خوب وفا کردن به آن، زیارت قبور آنان است. پس هر کس که با میل و رغبت آنان را زیارت کند و تصدیق کننده چیزی باشد از ثواب که در آن میل کرده امامان او شفیعیانش در روز قیامت خواهند بود.

علمای اهل سنت و زیارت قبور اهل بیت:

۱. ابن خزیمه

ابن حجر عسقلانی از حاکم نیشابوری در کتاب «تاریخ نیشابور» نقل کرده که گفت: وسمعت أبا بکر محمد بن المؤمل بن الحسن بن عیسی یقول: خرجنا مع إمام أهل الحدیث أبی بکر بن خزیمه و عدیله ابن علی الثقفی، مع جماعه من مشایخنا، و هم إذ ذاک متوافرون، إلی زیارة قبر علی بن موسی الرضا بطوس، قال: فرأیت من تعظیمه یعنی ابن خزیمه لتلك البقعة و تواضعه لها و تضرعه عندها ما تحیرنا.

(۱)

از ابوبکر محمد بن مؤمل بن حسن بن عیسی شنیدم که می گفت: با امام اهل حدیث ابوبکر بن خزیمه و عدیل یعنی باجناب رفیقش ابوعلی ثقفی همراه جماعتی از مشایخ ما که زیاد بودند به زیارت قبر علی بن موسی الرضا به طوس رفتیم مشاهده کردم که ابن خزیمه چنان آن بقعه را تعظیم می کرد و برای آن تواضع کرده و نزد آن تضرع می نمود که ما متحیر شدیم.

ص ۶۴

ذهبی درباره شیخ حاکم محمد بن مؤمل بن حسن بن عیسی می گوید:

الإمام، رئیس نیشابور ... أحد البلغاء و الفصحاء ... و بنی داراً للمحدثین، و ادرّ علیهم الأرزاق، و کان أبوعلی الحافظ یقرأ علیه تاریخ أحمد بن حنبل. روی عنه السلمی و الحاکم و سعید بن محمد بن عبدان. (۱)

امام، رئیس نیشابور ... یکی از بلیغان و فصیحان ... که خانه‌ای را برای محدثان بنا نمود و اموال بسیاری به آنها داد، و ابوعلی حافظ تاریخ احمد بن حنبل را بر وی قرائت نمود. سلمی و حاکم و سعید بن محمد بن عبدان از او روایت نمود.

ذهبی نیز در کتاب «تاریخ الاسلام» درباره او می نویسد:

هو أحد رؤساء خراسان و أفصحهم و أحسنهم بیاناً. قال الحاکم: کانوا یتعجبون من فصاحتهم. (۲)

او یکی از رؤسای خراسان و فصیح‌ترین آنها و خوش‌بیان‌ترین آنها بود. حاکم می گوید: مردم از فصاحت او تعجب می کردند.

و اما ذهبی در ترجمه و شرح حال همراه ابن خزیمه در زیارت قبر امام علی بن موسی الرضا (ع) یعنی ابوعلی ثقفی، می نویسد:

الإمام المحدث، الفقیه العلامة، الزاهد العابد، شیخ خراسان أبوعلی محمد بن عبدالوهاب ... الثقفی النیسابوری الشافعی الواعظ. قال الحاکم: شهدت جنازته فلا اذکر إنی رأیت فی نیشابور مثل ذلك الجمع، و حضرت مجلس وعظه و أنا صغیر،

۱- سیر اعلام النبلاء، ج ۶، ص ۲۳

۲- تاریخ الإسلام، ج ۲۵، ص ۴۵۲.

ص ۶۵

فسمعته يقول في دعائه: إنك أنت الوهاب الوهاب الوهاب. و قال الحاكم: سمعت أبا العباس الزاهد يقول: كان أبو علي في عصره حجة الله على خلقه. (۱)

امام محدث، فقيه علامه، زاهد عابد، شیخ خراسان، ابوعلی محمد بن عبد الوهاب ... ثقفی نیشابوری شافعی واعظ. حاکم می گوید: من شاهد [تشیع] جنازه او بودم، نمی توانم بگویم که در نیشابور مثل آن جمعیت را دیده باشم، و نیز حاضر مجلس موعظه او هنگام کودکی بودم، شنیدم که در دعایش می گفت: همانا تو بخشنده بخشنده بخشنده ای. حاکم می گوید: از ابوالعباس زاهد شنیدم که می گفت: ابوعلی در عصر خود حجت خدا بر خلقش بود.

۲. ابن حبان

ابن حبان می نویسد:

وقبر علی الرضا (ع) بسناباد خارج النوقان مشهور یزار بجنب قبر الرشید، قد زرتہ مراراً کثیره، و ما حلّت بی شدة فی وقت مقامی بطوس، فزرت قبر علی بن موسی الرضا صلوات الله علی جده و علیه و دعوت الله ازالتها عنی إلا استجیب لی و زالت عنی تلك الشدة، و هذا شیء جرّبه مراراً فوجدته كذلك. أماتنا الله علی محبة المصطفى و اهل بيته صلى الله عليه و عليهم أجمعين. (۲)

و قبر علی الرضا (ع) در سناباد خارج نوقان مشهور است در کنار قبر [هارون] الرشید و مردم به زیات آن می روند، و من بارهای زیاد

۱- سیر اعلام النبلاء، ج ۱۵، ص ۲۸۰.

۲- الثقات، ابن حبان، ج ۸، ص ۴۵۷.

ص ۶۶

به زیارت آن رفته‌ام. و در آن زمانی که در طوس بودم هر گاه گرفتاری پیدا می‌کردم به زیارت قبر علی بن موسی الرضا که درود خدا بر جدّ و خودش باد می‌رفتم و از خداوند می‌خواستم تا آن گرفتاری را از من دور کند و او نیز حاجت مرا برآورده کرده و مرا از آن گرفتاری دور می‌نمود. و این امری بود که من آن را مکرراً تجربه کرده و این چنین می‌یافتم. خداوند ما را به محبت مصطفی و اهل‌بیتش که درود خدا بر او و بر تمام آنان باد بمیراند.

زیارت قبر پیامبر (ص) در سیره صحابه و تابعین

اشاره

با مراجعه به سیره پیشینیان از صحابه، تابعین و دیگران پی می‌بریم که زیارت قبر پیامبر (ص) شیوه آنان بوده است. اینک به نمونه‌هایی از این سیره اشاره می‌کنیم:

۱. امام علی (ع)

محب الدین طبری نقل کرده است:

جاء ابوبکر و علی یزوران قبر النبی (ص) بعد وفاته بستة ایام. (۱)
ابوبکر و علی شش روز بعد از وفات پیامبر (ص) به زیارت قبر پیامبر (ص) آمدند.

۲. حضرت زهرا (س)

ابن عساکر و دیگران به سند خود از امام علی (ع) نقل کرده‌اند:
لَمَّا رَمَسَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) جَاءَتْ فَاطِمَةُ (س) فَوَقَفَتْ عَلَي قَبْرِهِ (ص) وَأَخَذَتْ قَبْضَةً مِنْ تَرَابِ الْقَبْرِ
وَوَضَعَتْ عَلَي عَيْنِهَا وَبَكَتْ وَأَنْشَأَتْ تَقُولُ:

ص ۶۷

ماذا على من شمّ تربته أحمد أن لا يشمّ مدى الزمان

غواليا صبّبت على مصائب لو إنّها صبّبت على الأيام عدن ليالياً (۱)

چون رسول خدا (ص) دفن شد فاطمه - درود خدا بر او باد - در کنار قبر ایشان قرار گرفت و مشتى خاک قبر را برداشته و بر چشمش گذارد و گریست و این شعر را سرود: چیست بر کسی که تربت احمد را بو کرده اینکه نمی خواهد در طول زمان هیچ بویی را استشمام کند. بر سر من مصایبی ریخته شد که اگر بر روزها ریخته می شد تبدیل به شب می شدند.

۳. جابر بن عبدالله

بیهقی به سند خود از ابی محمّد بن منکدر نقل کرده که گفت: جابر را دیدم؛ در حالی که در کنار قبر رسول خدا (ص) بود و می فرمود:

هاهنا تسكب العبرات، سمعت رسول الله (ص) يقول: ما بين قبري ومنبري روضة من رياض الجنة. (۲)

اینجاست که اشکها ریخته می شود. از رسول خدا (ص) شنیدم که می فرمود: ما بین قبر من و منبرم باغی از باغهای بهشت است.

۴. ابویوب انصاری

حاکم نیشابوری و دیگران به سند خود از داوود بن ابی صالح نقل کرده اند که گفت:

أقبل مروان يوماً فوجد رجلاً واضعاً وجهه على القبر فأخذ برقبته ثم قال: هل تدري ما تصنع؟ فأقبل عليه فإذا أبوأيوب الأنصاري، فقال:

۱- وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۴۰۵؛ ارشاد الساری، ج ۲، ص ۳۹۰.

۲- شعب الایمان، ج ۳، ص ۴۹۱

ص ۶۸

نعم إنني لم آت الحجر ولم آت اللبنة، إنما جئت رسول الله (ص) ولم آت الحجر، سمعت رسول الله يقول: لا تبكوا على الدين إذا وليه أهله ولكن أبكوا على الدين إذا وليه غير أهله. (۱)

مروان روزی بر بقعه رسول خدا (ص) وارد شد. مردی را مشاهده کرد که صورت خود را بر روی قبر گذارده است. مروان گردن او را گرفت، وبه او گفت: آیا می دانی چه می کنی؟ دقت که کرد، ناگهان دید که او ابوایوب انصاری است. ابوایوب فرمود: آری، من به جهت سنگ و خشت نیامده‌ام، من تنها به جهت رسول خدا (ص) آمده‌ام. من به جهت این سنگ نیامده‌ام. از رسول خدا (ص) شنیدم که می فرمود: بر دین نگرید اگر فردی شایسته متولی آن شد، ولی بر دین بگرید هنگامی که متولی آن نااهل باشد.

۵. شخص اعرابی

از امام علی (ع) نقل شد که فرمود:

قدم علينا أعرابي بعد ما دفننا رسول الله (ص) بثلاثة أيام، فرمى بنفسه على قبر النبي (ص) وحثا من ترابه على رأسه وقال: يا رسول الله (ص)! قلت فسمعناه ووعيت عن الله سبحانه فوعيتنا عنك، و كان فيما أنزل عليك: وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا ... وقد ظلمت نفسي وجئتك تستغفر لي. فنودي من القبر: قد غفر لك. (۲)

شخصی اعرابی بعد از سه روز از وفات رسول خدا (ص) بر ما وارد شد و خودش را بر قبر پیامبر انداخت و از خاک قبر حضرت بر سر

۱- مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۵۱۵؛ مجمع الزوائد، ج ۵، ص ۲۴۵.

۲- وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۳۶۱؛ تفسیر نسفی، ج ۱، ص ۲۳۴.

ص ۶۹

خود ریخت و عرض کرد: ای رسول خدا! گفתי، پس ما گفتارت را شنیدیم، و از خداوند سبحان گرفتی پس ما نیز از تو گرفتیم. از جمله آیاتی که بر تو نازل شد این آیه است: **وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا... و من به خودم ظلم کردم و آمده‌ام تا تو برایم استغفار کنی.** حضرت فرمود: از داخل قبر ندا داده شد: برای تو بخشوده شد.

از این حدیث نکاتی چند استفاده می‌شود:

الف) مشروعیت اصل زیارت قبور؛

ب) مشروعیت شدّ رحال به جهت زیارت قبور؛

ج) توسل به ارواح اولیای الهی؛

د) استغاثه از ارواح اولیای الهی.

۶. بلال حبشی

بلال بن رباح حبشی مؤذن رسول خدا (ص) بعد از وفات آن حضرت از مدینه به شام هجرت کرد. ولی خوابی را دید که ابن عساکر آن را این‌گونه با سندش از ابی‌الدرداء نقل کرده است:

إِنَّ بِلَالاً رَأَى فِي مَنَامِهِ رَسُولَ اللَّهِ (ص) وَهُوَ يَقُولُ: مَا هَذِهِ الْجَفْوَةُ يَا بِلَالُ؟! أَمَا أَنْ لَكَ أَنْ تَزُورَنِي يَا بِلَالُ؟! فانتبه حزیناً وجلاً خائفاً، فرکب راحلته وقصد المدینة، فأتی قبر النبی (ص) فجعل یبکی ویمرغ وجهه علیه، فأقبل الحسن والحسین (ع) فجعل یضمّهما ویقبلهما، فقالا له: نشتهی أن نسمع أذنانک الذی کنت تؤذّن به لرسول الله (ص) ففعل، فعلى سطح المسجد، فوقف موقفه الذی کان یقف فیه، فلما أن قال: «الله اکبر» إرتجت المدینة. فلما أن قال: «أشهد أن لا إله إلا الله» إزدادت رجتها. فلما أن قال: «أشهد

ص ۷۰

أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولَ اللَّهِ» خرجت العواتق من خدورهنّ فقالوا: أبعث رسول الله؟ فما رثى يوماً أكثر باكيّاً ولا باكيّة بالمدينة بعد رسول الله من ذلك اليوم. (۱)

بلال شبی در عالم رؤیا رسول خدا (ص) را دید؛ در حالی که به او می فرمود: این چه جفایی است که کرده ای، ای بلال؟! آیا وقت آن نشده که ما را زیارت کنی ای بلال؟! بلال محزون و ترسناک بیدار شد و سوار بر مرکب خود به قصد مدینه حرکت نمود. به نزد قبر پیامبر (ص) آمد و شروع به گریه کرده و صورت خود را بر قبر مالید. امام حسن و امام حسین (ع) آمدند، بلال آن دو را در بغل گرفت و بوسید. آن دو به بلال فرمودند: ما آن طور اذانی را که برای رسول خدا (ص) می گفتی، می خواهیم از تو بشنویم. بلال قبول کرد و بر بام مسجد رفت و در مکانی که همیشه در آنجا می ایستاد، قرار گرفت. و چون «الله اکبر» گفت، مدینه به لرزه در آمد. چون «اشهد ان لا اله الا الله» گفت، صدای مردم بلندتر شد و هنگامی که «اشهد ان محمداً رسول الله» گفت، تمام زن ها از پشت پرده ها بیرون آمدند. مردم گفتند: آیا رسول خدا (ص) دوباره مبعوث شده است؟ پس مثل آن روز مردم را از زن و مرد گریان تر بعد از رسول خدا (ص) ندیدند. نتیجه اینکه: رسول خدا (ص) او را به شدّ رحال به جهت زیارت قبر خود امر نموده است. و حدیث مذکور از حیث سند صحیح است.

و به سند صحیح و متواتر از رسول خدا (ص) نقل شده که فرمود:

۱- مختصر تاریخ دمشق، ج ۴، ص ۱۱۸؛ تهذیب الکمال، ج ۴، ص ۲۸۹؛ اسد الغابۀ، ج ۱، ص ۳۰۷.

ص ۷۱

من رأنی فی المنام فقد رأنی حقاً، فإنّ الشیطان لا یتمثّل بی. (۱)

هر کس مرا در خواب ببیند به طور حتم خودم را دیده؛ زیرا شیطان به صورت من در نمی آید.

۷. عبدالله بن عمر

عبدالرزاق به سند صحیح در باب «سلام بر قبر پیامبر (ص)» نقل کرده:

إنّ ابن عمر کان إذا قدم من سفر أتى قبر النبی (ص) فقال: ألسلام علیک یا رسول الله (ص)! ... (۲)

همانا عبدالله بن عمر این گونه بود که هر گاه از سفری باز می گشت، کنار قبر پیامبر (ص) می آمد و عرض می نمود: سلام بر تو ای رسول خدا (ص)! ...

۸. ایوب سختیانی

سمهودی از عبدالله بن مبارک نقل کرده که گفت:

سمعت أباحنیفه یقول: قدم ایوب السختیانی وأنا بالمدينة، فقلت: لأنظرنّ ما یصنع. فجعل ظهره ممایلی وجه رسول الله (ص) ویکی غیر متباک، فقام مقام رجل فقیه. (۳)

از ابوحنیفه شنیدم که می گفت: زمانی که من در مدینه بودم، ایوب سختیانی وارد شهر شد. با خودم گفتم: ببینم چه می کند، او پشت خود را به طرف رسول خدا (ص) قرار داد و گریست نه مانند کسانی که تباکی می کنند. و در مقام شخص فقیه ایستاد.

۱- المجموع، نووی، ج ۶، ص ۲۱۱

۲- المصنّف، ج ۳، ص ۵۷۶؛ المجموع، نووی، ج ۸، ص ۲۷۲؛ وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۳۵۸.

۳- وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۳۷۷

ص ۷۲

این روایت دلالت بر صحت شدّ رحال به جهت زیارت رسول خدا (ص) دارد؛ زیرا سختیانی در مدینه نبوده است.

۹. عمر بن عبدالعزیز

حاتم بن وردان می گوید:

کان عمر بن عبدالعزیز یوجّه البرید قاصداً من الشام إلى المدینة لیقرئ عنه النبی (ص) السلام. (۱)

عمر بن عبدالعزیز همیشه از شام پیک به مدینه می فرستاد تا از طرف او به پیامبر (ص) سلام برساند.

فتاوی بزرگان اهل سنت بر استحباب زیارت قبر رسول (ص)

علمای اهل سنت به جز وهابیان عموماً فتوا به جواز بلکه استحباب زیارت قبر پیامبر (ص) داده‌اند. اینک به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱. ابوالحسن ماوردی می گوید:

فإذا عاد- ولی الحاج- سار بهم علی طریق المدینة لزیارة قبر رسول الله (ص) لیجمع لهم بین حجّ بیت الله عزوجلّ و زیارة قبر رسول الله رعایة لحرمة و قیاماً بحقوق طاعته (۲)

و چون سرپرست حاجیان از حج بازگشت، آنان را به جهت زیارت قبر رسول خدا (ص) از راه مدینه سیر داد تا برای آنان بین حجّ خانه خدای عزوجلّ و زیارت قبر رسول خدا (ص) جمع کند، به جهت رعایت احترام حضرت و قیام به حقوق طاعت او ...

۱- الشفاء، قاضی عیاض، ج ۲، ص ۸۵؛ شعب الایمان، بیهقی، ج ۳، ص ۴۹۲؛ المواهب اللدنیة، ج ۳، ص ۴۰۶.

۲- الاحکام السلطانیة، ج ۲، ص ۱۰۹

ص ۷۳

۲. ابواسحاق ابراهیم بن محمد شیرازی فقیه شافعی (م ۴۷۶ ه. ق) می‌گوید: «ویستحبّ زیارة قبر رسول الله (ص)» (۱)

؛ «زیارت قبر رسول خدا (ص) مستحب است».

۳. ابن قدامه مقدسی حنبلی (م ۶۲۰ ه. ق) می‌گوید: «یستحبّ زیارة قبر النبی (ص)» (۲)؛ «زیارت قبر پیامبر (ص) مستحب است».

۴. محیی الدین نووی شافعی (م حدود ۶۷۷ ه. ق) می‌گوید:

ویسنّ شرب ماء زمزم و زیارة قبر رسول الله (ص) بعد فراغ الحجّ. (۳)

آشامیدن آب زمزم و زیارت قبر رسول خدا (ص) بعد از فارغ شدن از حج، مستحب است.

۵. شیخ تقی الدین سبکی شافعی (م ۷۵۶ ه. ق) در کتاب «شفاء السقام» بابی را منعقد کرده و در آن می‌گوید: «سفر به جهت زیارت از وسایل تقرّب به سوی خدا است...» (۴)

او این مطلب را از قرآن و روایات استفاده کرده است.

۶. سید نورالدین سمهودی (م ۹۱۱ ه. ق) در کتاب «وفاء الوفاء» بحث مفصّلی را برای اثبات استحباب سفر به جهت زیارت آورده و ثابت کرده که سفر به جهت زیارت، همانند خود زیارت از وسایل تقرّب است.

(۵)

۷. حافظ ابوالعباس قسطلانی مصری (م ۹۲۳ ه. ق) می‌گوید:

۱- المهذب، ج ۱، ص ۲۳۳

۲- شرح مختصر الخرقی فی فروع الحنابلة، ج ۶، ص ۵۸۸.

۳- المنهاج، ج ۱، ص ۵۱۱

۴- شفاء السقام، صص ۱۰۰-۱۱۷

۵- وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۳۶۲

ص ۷۴

إعلم أن زيارة قبره الشريف من أعظم القربات وأرجى الطاعات والسييل إلى أعلى الدرجات، ومن اعتقد غير هذا فقد انخلع من ريقه الإسلام وخالف الله ورسوله وجماعة العلماء الأعلام. (۱)

بدان که زیارت قبر شریف پیامبر (ص) از عظیم‌ترین تقرب‌ها و امیدوارترین طاعات و راهی به عالی‌ترین درجات است. و هر کس غیر از این را اعتقاد پیدا کند به طور حتم از دائره اسلام خارج شده و با خدا و رسولش و نیز با جماعت علمای اعلام مخالفت کرده است.

۷. شیخ محمد خطیب شربینی (م ۹۷۷ ه. ق) می‌گوید:

... أما زیارته (ص) فمن أعظم القربات للرجال والنساء. (۲)

... اما زیارت قبر پیامبر (ص) از عظیم‌ترین تقرب‌ها برای مردان و زنان است.

۸. زین الدین عبدالرؤوف مناوی (م ۱۰۳۱ ه. ق) می‌گوید:

وزیارة قبره (ص) الشریف من کمالات الحج، بل زیارته عند الصوفیة فرض وعندهم الهجرة إلى قبره کهی إليه حیاً. (۳)

و زیارت قبر شریف پیامبر (ص) از کمالات حج است، بلکه زیارت قبر او نزد صوفیه واجب است. و نزد آنان هجرت به سوی قبر پیامبر (ص) همانند هجرت به سوی او در زمان حیات است.

۹. شیخ عبدالرحمان شیخ زاده (م ۱۰۷۸ ه. ق) می‌گوید:

من أحسن المندوبات بل يقرب من درجة الواجبات، زیارة قبر نبینا وسیدنا محمد (ص).... (۴)

۱- المواهب اللدنیة، ج ۴، ص ۵۷۰.

۲- مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۳۶۵

۳- فیض القدیر، ج ۶، ص ۱۴۰

۴- مجمع الأنهر فی شرح ملتقى الأبحر، ج ۱، ص ۱۵۷.

ص ۷۵

از بهترین مستحبات بلکه عملی که نزدیک به درجه واجبات به حساب می آید، زیارت قبر نبی ما و سید ما محمد (ص) است ...

۱۰. محمد بن عبدالباقی زرقانی مالکی مصری (م ۱۱۲۲ ه. ق) می گوید:

قد كانت زیارته مشهوره فی زمن كبار الصحابه، معروفه بینهم. لما صالح عمر بن الخطاب أهل بیت المقدس جاءه كعب الأخبار فأسلم ففرح به وقال: هل لك أن تسیر معی إلى المدینه وتزور قبره (ص) وتتمتع بزیارته؟ قال: نعم. (۱)

زیارت حضرت از زمان بزرگان صحابه مشهور بوده و بین آنان معروف بوده است. زمانی که عمر بن خطاب با اهل بیت المقدس مصالحه کرد، کعب اخبار نزد او آمد و اسلام آورد. عمر از این واقعه خوشحال شد و به او گفت: آیا می خواهی که با من به مدینه بیایی و قبر پیامبر (ص) را زیارت کرده و از زیارت او بهره ببری؟ کعب گفت: آری.

۱۱. شیخ محمد بن علی شوکانی (م ۱۲۵۰ ه. ق) می گوید:

قد اختلفت فیها - فی زیارة النبی - أقوال أهل العلم، فذهب الجمهور إلى أنها مندوبه، وذهب بعض المالکیه وبعض الظاهریه إلى أنها واجبه، وقالت الحنفیه: إنها قریبه من الواجبات. وذهب ابن تیمیه الحنبلی حفید المصنّف المعروف بشیخ الإسلام إلى أنها غیر مشروعه. (۲)

درباره زیارت پیامبر (ص) اقوال اهل علم مختلف است؛ جمهور قائل به استحباب آن می باشند. و برخی از مالکیه و برخی از ظاهریه

۱- شرح المواهب، ج ۸، ص ۲۹۹.

۲- نیل الاوطار، ج ۵، ص ۱۰۷

ص ۷۶

معتقد به وجوب آن شده‌اند. حنفیه گفته‌اند: زیارت نزدیک به واجبات است. ولی ابن تیمیه حنبلی نوه مصنف که به شیخ الاسلام معروف شده، ادعا کرده که زیارت غیر مشروع است.

۱۲. عبدالرحمان جزیری می‌گوید: «زیارة قبر النبی (ص) من أفضل المندوبات» (۱)؛ «زیارت قبر پیامبر (ص) از بهترین مستحبات است».

۱۳. عبدالحق بن سیف الدین دهلوی درباره زیارت قبور اولیای الهی در ردّ وهابیان می‌گوید:

فانّ للصالحین مدداً ظاهراً بالغاً لزوارهم بحسب ادبهم. (۲)

همانا افراد صالح کمک‌های ظاهر و بسیاری را به حسب ادب زائرانشان به آنها دارند.

۱۴. ابوزکریا نووی در کتاب «المجموع» می‌نویسد:

واعلم انّ زیارة قبر رسول الله (ص) من اهمّ القربات، وانجح المساعی، فاذا انصرف الحجاج و المعتمرون من مکه استحب لهم استحباباً متأكداً ان يتوجهوا إلى المدينة لزیارته (ص)، و ینوی الزائر من زیارة التقرب و شدّ الرحل إليه و الصلاة فيه. (۳)

و بدان که زیارت قبر رسول خدا (ص) از مهم‌ترین وسایل تقرب و مؤثرترین کوشش‌ها در رسیدن به مقصد است. و زمانی که حجاج و عمره‌گزاران از مکه بیرون آمدند بر آنان استحباب مؤکد است که به جهت زیارت پیامبر (ص) رو به مدینه کرده و زائر از زیارتش قصد تقرب کرده و بار سفر برای آن و نماز گزاردن در آنجا ببندد.

۱- الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۱، ص ۷۱۱

۲- حاشیه مشکاة المصابیح، نصیرالدین دیوبندی، ج ۱، ص ۱۶۹.

۳- المجموع، ج ۸، ص ۲۰۴

ص ۷۷

او نیز در کتاب «الایضاح فی مناسک الحج» می نویسد:

إذا انصرف الحجاج و المعتمرون من مکة فلیتوجّهوا إلى مدینة رسول الله (ص)، و قد روی البزار و الدار قطنی باسنادهما عن ابن عمر قال: قال رسول الله (ص): (من زار قبری و جبت له شفاعتی). (۱)

چون حجّاج و عمره گزاران از مکة بیرون آمدند باید رو به شهر رسول خدا (ص) کرده تا تربت او را زیارت نمایند؛ زیرا که آن از مهم ترین قربت ها و مفیدترین کوشش هاست. و بزار و دارقطنی به سندشان از ابن عمر نقل کرده اند که گفت: رسول خدا (ص) فرمود: (هر کس قبر مرا زیارت کند شفاعتم بر او واجب می گردد).

۱۵. ابن حجر هیثمی در تعلیقه خود بر این حدیث می نویسد:

الحدیث یشمل زیارته (ص) حیاً و میتاً، و یشمل الذکر و الأُنثی، الآتی من قرب أو بُعد؛ فیستدلّ به علی فضیلة شدّ الرحال لذلك و ندب السفر للزیارة؛ إذ للوسائل حکم المقاصد. (۲)

این حدیث شامل زیارت حضرت در زمان حیات و ممات و مذکر و مؤنث و آینده از نزدیک و دور می شود؛ لذا می توان به آن بر فضیلت بار سفر بستن به جهت زیارت و استحباب سفر به جهت آن استدلال نمود؛ زیرا برای وسایل حکم مقاصد است.

۱۶. کمال بن همام در شرح «فتح القدیر» می نویسد:

المقصد الثالث فی زیارة قبر النبی (ص): قال مشایخنا رحمهم الله تعالی: من افضل المندوب، و فی مناسک الفارس و شرح المختار: أنّها قریبة من الوجوب لمن له سعة.

۱- الایضاح، ص ۲۱۴.

۲- حاشیة الایضاح، ص ۲۱۴.

ص ۷۸

ثم قال بعد كلام ما نصّه: و الأولى فيما يقع عند العبد الضعيف تجريد النية لزيارة قبر النبي (ص)، ثم إذا حصل له إذا قدم زيارة المسجد أو يستفتح فضل الله سبحانه في مرة أخرى ينويهما فيها؛ لأنّ في ذلك زيادة تعظيمه (ص) و إجلاله. (۱)

مقصد سوم در زیارت قبر پیامبر (ص) است، مشایخ ما که رحمت خداوند متعال بر آنان باد گفته‌اند: زیارت از برترین مستحبات است. و در مناسک فارس و شرح مختار آمده که زیارت نزدیک به واجب است بر هر کس که قدرت آن را داشته باشد.

سپس بعد از کلامی که نص آن این است گفته: سزاوار است نزد بنده ضعیف که نیت خود را خالص به جهت زیارت قبر پیامبر (ص) کند، و چون این توفیق برای او حاصل شد به زیارت مسجد نبوی رفته، یا درخواست فتوحات فضل خداوند سبحان را بار دیگر نماید و هر دو را در آن مرتبه نیت کند؛ چرا که در آن زیادی تعظیم پیامبر (ص) و تجلیل از اوست.

۱۷. محمد انور شاه کشمیری در تعلیقه خود بر کتاب ابن الهمام می گوید:

وهو الحق عندي؛ فانّ آلاف الألف من السلف كانوا يشدون رحالهم لزيارة النبي (ص) و يزعمونها من اعظم القربات، و تجريد نياتهم أنّها كانت للمسجد دون الروضة المباركة باطل، بل كانوا ينوون زيارة قبر النبي (ص) قطعاً. (۲)

حق نزد من همین است؛ زیرا هزاران نفر از پیشینیان این گونه بودند که بار سفر به جهت زیارت پیامبر (ص) می‌بستند و آن را از

۱- شرح فتح القدير، ج ۳، صص ۱۷۹-۱۸۰

۲- فيض الباری، ج ۲، ص ۴۳۳.

ص ۷۹

بزرگ‌ترین وسایل تقرب به خدا می‌دانستند، و نیت خود را خالص کردن در اینکه برای مسجد باشد نه روضه مبارکه حضرت (ص) نزد آنها باطل بوده، بلکه آنان به طور قطع زیارت قبر پیامبر (ص) را نیت می‌کردند.

۱۸. محمود سعید ممدوح در تعلیقه خود بر این کلام می‌نویسد:

کلامه صواب و جید و کیف لایکون كذلك وقد ترکوا ثواب مائه ألف صلاة فی مکة المکرمة و بذلوا النفس و النفیس و سافروا أتری لماذا؟ لماذا ترکوا بلداً قال فیها رسول الله (ص): (و الله انک لخير أرض الله و أحب أرض الله إلى الله). هل ترکوا ذلك من أجل زیارة المسجد كما یقولون؟ کلا، ولو استظہروا بالثقلین لخالفوهم و لقالوا: انما شدوا الرحال لزیارة الحبيب المصطفی (ص) فقط. (۱)

سخن او صواب و نیک است، و چگونه چنین نباشد در حالی که صواب صد هزار نماز در مکه مکرمه را ترک کرده و جان و مال نفیس خود را بذل نموده و مسافرت کرده‌اند، تو می‌دانی که برای چه بوده؟ چرا شهری را ترک کرده‌اند که رسول خدا (ص) درباره آن فرمود: (به خدا سوگند! که تو بهترین نقطه زمین خدایی و محبوب‌ترین زمین خدا نزد خداوند می‌باشی). آیا آنها این سرزمین را تنها به جهت زیارت مسجد رها کرده‌اند آن‌گونه که آنان می‌گویند؟! هرگز، و اگر از جن و انس کمک گیرند آنان به مخالفت با رأیشان می‌پردازند و می‌گویند: تنها بار سفر را به جهت زیارت حبيب مصطفی (ص) بسته‌اند.

۱- رفع المنارة لتخریج احادیث التوسل و الزیارة، ص ۶۶.

ص ۸۰

وی همچنین از محدثان معاصر اهل سنت در استدلال به آیه ۶۴ از سوره نساء می نویسد:

هذه الآية تشمل حالتی الحیاء و بعد الانتقال، و من أراد تخصیصها بحال الحیاء فما اصاب؛ لأن الفعل فی سباق الشرط یفید العموم، و أعلى صیغ العموم ما وقع فی سباق الشرط كما فی ارشاد الفحول (ص ۱۲۲) و غیره. (۱)

این آیه مشتمل حالت حیات پیامبر (ص) و بعد از انتقال از این دنیا می شود، و کسی که اراده تخصیص آیه به حال حیات نموده کار درستی نکرده است؛ زیرا فعل در سباق شرط افاده عموم می کند، و مهم ترین صیغه عموم صیغه ای است که در سباق شرط واقع می شود؛ آن گونه که در کتاب «ارشاد الفحول» و غیر آن آمده است.

۱۹. ابن عابدین در کتاب «ردّ المحتار علی الدر المختار» می نویسد:

قوله: مندوبه أی باجماع المسلمین ... و قد روی الحسن عن أبي حنيفة أنه إذا كان الحج فرضاً فالأحسن للحجاج أن يبدأ بالحج ثم يثنى بالزيارة، و ان بدأ بالزيارة جاز. (۲)

قول او: مستحب است یعنی به اجماع مسلمانان ... و حسن از ابوحنیفه روایت کرده که اگر حج فرض است احسن برای حج به جا آورنده این است که شروع به حج کرده سپس به زیارت رود، و اگر شروع به زیارت کند نیز جایز است.

۲۰. ملاعلی قاری حنفی می نویسد:

۱- رفع المنارة لتخريج احاديث التوسل و الزيارة، ص ۷۱.

۲- ردّ المحتار علی الدر المختار، ج ۲، ص ۲۵۷

ص ۸۱

وقد فرط ابن تیمیة من الحنابلة حيث حرّم السفر لزيارة النبي (ص)، كما افراط غيره حيث قال: كون الزيارة قربة معلومة من الدين بالضرورة، و جاحده محكوم عليه بالكفر. و لعلّ الثاني اقرب للصواب؛ لأنّ تحريم ما اجمع العلماء فيه بالإستحباب يكون كفراً، لأنّه فوق تحريم المباح المتفق عليه في هذا الباب. (۱)

ابن تیمیة از حنابله تفريط کرده آنجا که سفر به جهت زیارت پیامبر (ص) را حرام نموده است، همان گونه که غیر او افراط نموده آنجا که گفته: وسیله قرب بودن زیارت معلوم است از دین و امری است ضروری و منکر آن محکوم به کفر می باشد.

و گویا مطلب دوم به صواب نزدیک تر است؛ زیرا تحريم آنچه که علما در استحباب آن اتفاق دارند کفر می باشد؛ بالاتر از تحريم مباهی است که مورد اتفاق در این باب می باشد.

۲۱. قاضی عیاض در کتاب «الشفاء» می نویسد:

فصل فی حکم زیارة قبره (ص) و فضیلة من زاره و سلّم علیه، و کیف یسلّم و یدعو و زیارة قبره (ص) من سنن المرسلین، مجمع علیها و فضیلة مرغب فیها. (۲)

فصلی است در حکم زیارت قبر پیامبر (ص) و فضیلت کسی که او را زیارت کرده و بر او سلام داده است، و اینکه چگونه درود فرستد و دعا کند و زیارت قبرش (ص) از سنت های انبیای مرسل بوده و مورد اتفاق است، و فضیلتی است که در آن میل و رغبت می باشد.

او نیز از ابن عبدالبر نقل می کند:

۱- شرح الشفاء در حاشیه نسیم الریاض، ج ۲، ص ۵۱۴.

۲- الشفاء، ج ۲، ص ۷۴

ص ۸۲

الزيارة مباحة بين الناس، و واجب شد المطى إلى قبره (ص). قال عياض: يريد بالوجوب هنا وجوب ندب و ترغيب و تأكيد، لا وجوب فرض. (۱)

زیارت بین مردم مباح است و بار سفر بستن به جهت قبر پیامبر (ص) واجب می باشد. عیاض گفته: مقصود به وجوب در این جا وجوب دعوت و رغبت و تأکید است نه وجوب فرض.

۲۲. ابو محمد بن قدامه مقدسی، محقق مذهب حنابله می نویسد:

ويستحب زيارة قبر النبي (ص)؛ لما روى الدارقطني باسناده عن ابن عمر قال: قال رسول الله (ص): (من حج فزار قبري بعد وفاتي فكأنما زارني في حياتي).... (۲)

مستحب است زیارت قبر پیامبر (ص) به جهت آنچه دارقطنی از ابن عمر روایت کرده که گفت: رسول خدا (ص) فرمود: (هر کس حج به جا آورد و قبر مرا بعد از وفاتم زیارت کند پس گویا که مرا در زمان حیاتم زیارت کرده است ...

۲۳. ابوالفرج ابن قدامه حنبلی در «الشرح الكبير» می نویسد:

... فإذا فرغ من الحج استحب زيارة قبر النبي (ص) و قبر صاحبيه. تستحب زيارة قبر النبي (ص) لما روى الدارقطني باسناده عن ابن عمر قال: قال رسول الله (ص): (من حج فزار قبري بعد وفاتي فكأنما زارني في حياتي). و في رواية: (من زار قبري وجبت له شفاعتي) ... (۳)

۱- الشفاء، ج ۲، ص ۷۵.

۲- المغنی، ابن قدامه، ج ۳، ص ۵۸۸

۳- الشرح الكبير، ج ۳، ص ۴۹۴.

ص ۸۳

... چون از حج فارغ شد زیارت قبر پیامبر (ص) و قبر دو مصاحبش مستحب است، مستحب است به جهت آنچه دارقطنی به اسنادش از ابن عمر روایت کرده که گفت: رسول خدا (ص) فرمود: (هر کس حج به جای آورد و بعد از آن قبر مرا بعد از وفاتم زیارت کند مثل آن است که مرا در زمان حیاتم زیارت کرده است). و در روایت دیگری آمده: (کسی که قبر مرا زیارت کند شفاعتم بر او واجب می‌گردد) ...

۲۴. شیخ منصور بهوتی در کتاب «کشاف القناع» می‌نویسد:

وإذا فرغ من الحج استحب له زيارة النبي، و قبر صاحبيه أبي بكر و عمر، لحديث الدارقطني عن ابن عمر قال: قال رسول الله (ص): (من حج فزار قبري بعد وفاتي فكأنما زارني في حياتي) ... (۱)

و چون از حج فارغ شد مستحب است برای او زیارت پیامبر (ص) و قبر دو مصاحبش ابوبکر و عمر؛ به جهت حدیث دارقطنی از ابن عمر که گفت: رسول خدا (ص) فرمود: (هر کس حج به جای آورد و قبر مرا بعد از وفاتم زیارت کند گویا مرا در زمان حیاتم زیارت کرده است) ...

وی همچنین از ابن نصرالله نقل می‌کند:

لازم استحباب زیارة قبره (ص) استحباب شد الرحال اليها؛ لأن زیارة للحاج بعد حجة لا تمکن بدون شد الرحل، فهذا كالتصريح باستحباب شد الرحل لزیارة (ص). (۲)

لازمه استحباب زیارت قبر پیامبر (ص) استحباب بار سفر بستن به جهت آن است؛ زیرا زیارت قبر پیامبر (ص) برای حاجی بعد از حج

۱- کشاف القناع، ج ۲، صص ۵۱۴-۵۱۵

۲- همان.

ص ۸۴

بدون بار سفر بستن به جهت آن امکان پذیر نیست، و این دلیل مثل تصریح به استحباب بار سفر بستن به جهت زیارت قبر پیامبر (ص) است.

۲۵. سید عبدالله بن صدیق غماری می نویسد:

فهذه الآية عامة تشتمل حالة الحياة و حالة الوفاة، و تخصيصةا بأحدهما يحتاج إلى دليل و هو مفقود هنا. فان قيل: من أين أتى العموم حتى يكون تخصيصةا بحالة الحياة دعوى تحتاج إلى دليل؟ قلنا: من وقوع الفعل في سياق الشرط كان عاماً؛ لأنّ الفعل إذا وقع في سياق الشرط كان عاماً؛ لأنّ الفعل في معنى النكرة لتضمنه مصدراً منكرًا، و النكرة الواقعة في سياق النفي أو الشرط تكون للعموم وضعاً. (۱)

این آیه [نساء: ۶۴] عام است و شامل حال حیات و حال وفات می شود، و تخصیص آن به یکی از این دو احتیاج به دلیل دارد که در اینجا مفقود است.

اگر گفته شود: از کجا عموم آمد تا تخصیص آیه به حالت حیات ادعایی باشد که احتیاج به دلیل دارد؟ می گوییم: از اینکه فعل در سياق شرط افاده عموم می کند؛ زیرا فعل اگر در سياق شرط قرار گیرد عام است؛ چون فعل در معنای نکره است به جهت دربرداشتن مصدر نکره، و نکره واقع در سياق نفی یا شرط از حیث وضع برای عموم است.

اجماع بر رجحان زیارت قبر پیامبر (ص)

اشاره

۱- الردّ المحکم المتین، غماری، ص ۴۴.

ص ۸۵

عده‌ای از علمای اهل سنت بر رجحان زیارت قبر پیامبر (ص) ادعای اجماع کرده‌اند. اینک به برخی از آن عبارات اشاره می‌کنیم:

۱. قاضی عیاض در کتاب «الشفای بتعریف حقوق المصطفی (ص)» می‌نویسد:

زیارة قبره (ص) سنه من سنن المرسلین مجمع علیها و فضیله مرغب فیها. (۱)

زیارت قبر پیامبر (ص) سنتی از سنت‌های انبیای مرسلین است که بر آن اجماع بوده و فضیلتی است که به آن رغبت شده است.

۲. شوکانی در کتاب «نیل الاوطار» می‌نویسد:

واحتج أيضاً من قال بالمشروعية بانه لم يزل دأب المسلمين القاصدين للحج في جميع الأزمان على تباین الديار و اختلاف المذاهب، الوصول إلى المدينة المشرفة لقصده زیارته، و يعدون ذلك من افضل الأعمال، فكان اجماعاً. (۲)

۱- الشفا، ج ۲، ص ۷۴.

۲- نیل الاوطار، ج ۵، ص ۱۱۰.

ص ۸۶

و نیز کسانی که قائل به مشروعیت زیارت هستند استدلال کرده‌اند به اینکه همیشه دأب مسلمانانی که قصد حج می‌کنند در تمام زمان‌ها با اختلاف ملیت‌ها و مذاهب، رسیدن به مدینه مشرفه به جهت زیارت قبر پیامبر (ص) است، و آن را از برترین اعمال می‌شمارند و این مسأله اجماعی است.

۳. ابوالحسنات محمد عبدالحی بن عبدالحلیم لکنوی در کتاب «ابراز الغی الواقع فی شفاء العی» می‌نویسد: و امّا نفس زیارة القبر الشریف فلم یذهب احد من الأئمّة و علماء الملة إلى عصر ابن تیمیة إلى عدم مشروعیتة، بل اتفقوا علی أنّها من افضل العبادات و ارفع الطاعات، و اختلفوا فی ندبها و وجوبها. فقال کثیر منهم بانّها مندوبه، و قال بعض المالکیة و الظاهرية: أنّها واجبه، و قال اکثر الحنفية: أنّها قریب من الواجب، و قریب الواجب عندهم فی حکم الواجب. و اول من خرق الإجماع فيه و أتى بشیء لم یسبق إليه عالم قبله هو

ابن تیمیة. (۱)

و اما نفس زیارت قبر شریف [پیامبر (ص)] پس هیچ‌یک از علما و امامان ملت تا عصر ابن تیمیة فتوا به عدم مشروعیت آن نداده است، بلکه اتفاق کرده‌اند بر اینکه زیارت قبر آن حضرت از برترین عبادت‌ها و بالاترین طاعات است، گرچه در استحباب یا وجوب آن اختلاف کرده‌اند. و بسیاری از آنها گفته‌اند که زیارت قبر پیامبر (ص) مستحب است. و برخی از مالکی‌ها و ظاهری‌ها آن را واجب می‌دانند. و اکثر حنفی‌ها آن را قریب به واجب می‌شمارند، و

۱- رفع المنارة، محمود سعید ممدوح، ص ۹۲ به نقل از ابراز الغی

ص ۸۷

قریب به واجب نزد آنان در حکم واجب است. و اول کسی که اجماع را درباره زیارت قبر پیامبر (ص) شکست و چیزی گفت که هیچ عالمی قبل از او نگفته همان ابن تیمیه است.

۴. ابن حجر عسقلانی درباره زیارت قبر پیامبر می گوید: «إِنَّ مَشْرُوعِيَّتَهَا مَحَلُّ اِجْمَاعٍ بِلَا نِزَاعٍ» (۱)؛ «همانا مشروعیت زیارت قبر پیامبر بدون نزاع محل اجماع است».

سیره عملی اهل سنت در زیارت قبر پیامبر (ص)

سیره عملی مسلمین همواره زیارت قبر پیامبر (ص) بود به عنوان نمونه کلام ابن کثیر در کتاب «البدایه و النهایه» در ترجمه «هیاج بن عبدالله» است وی می نویسد:

الخطیب الشامی، سمع الحدیث، و کان اوحد زمانه زهداً و فقهاً و اجتهاداً فی العباده، اقام بمکه مدّه، یفتی اهلها...، ولم یلبس نعلا منذ اقام بمکه. و کان یزور قبر النبی (ص) مع أهل مکة ماشياً، و كذلك یزور قبر ابن عباس بالطائف. (۲)

وی خطیب شامی است، که حدیث شنیده، و یگانه عصرش در زهد و فقاہت و کوشش در عبادت بود. او مدتی در مکه اقامت جست و برای اهل آن دیار فتوا می داد... و از زمانی که در مکه اقامت جست هرگز کفش نپوشید. و با اهالی مکه پیاده به زیارت قبر پیامبر (ص) می آمد، و نیز قبر ابن عباس را در طائف زیارت می نمود.

اعتراض علمای اهل سنت به ابن تیمیه به جهت منع او از زیارت

اشاره

۱- فتح الباری، ج ۳، ص ۶۶.

۲- البدایه و النهایه، ج ۱۲، ص ۵۰۱.

ص ۸۸

از آنجا که ابن تیمیه از سردمداران مخالفان شدّ رحال در زیارت قبور پیامبر (ص) و اولیا است، و این نظریه‌ای است که مخالف با رأی و عملکرد غالب بلکه عموم مسلمانان است. لذا افراد بسیاری بر ضدّ او جبهه‌گیری کرده و مطالبی را بیان کرده‌اند؛ از آن جمله:

۱. ابن حجر عسقلانی

او می‌گوید:

والحاصل انهم الزموا ابن تیمیه بتحريم شد الرحل إلى زیارة قبر سيدنا رسول الله (ص)، و انكار صورة ذلك، و فی شرح ذلك من الطرفين طول، و هی من ابشع المسائل المنقولة عن ابن تیمیه!! و من جمله ما استدل به علی دفع ما ادعاه غيره من الإجماع علی مشروعیة زیارة قبر النبی (ص) ما نقل عن مالک: انه کره ان يقول: زرت قبر النبی (ص)!!، و قد اجاب عنه المحققون من اصحابه بانه کره اللفظ ادباً لا اصل زیارة، فانها من افضل الأعمال و أجل القربات الموصلة إلى ذی الجلال، و ان مشروعيتها محلّ اجماع بلانزاع، و الله الهادی إلى الصواب. [\(۱\)](#)

حاصل اینکه علما، ابن تیمیه را به تحریم بار سفر بستن به جهت زیارت قبر سید ما رسول خدا (ص) منتسب کرده‌اند، و اینکه او این عمل را انکار کرده است. و در شرح این مطلب از هر دو طرف طول و تفصیل است، و این از بدترین مسائلی است که از ابن تیمیه

۱- فتح الباری، ج ۳، ص ۶۶.

ص ۸۹

نقل شده است. و از جمله ادله‌ای که با آن بر دفع مدعای دیگران که همان اجماع بر مشروعیت زیارت قبر پیامبر (ص) است، استدلال مطلبی است که از مالک نقل شده که او کراهت داشت که بگوید: من به زیارت قبر پیامبر (ص) رفتم.

ولی محققان از اصحاب مالک از این مطلب جواب داده‌اند که او به جهت ادب از تلفظ به این کلمه کراهت داشته نه آنکه اصل زیارت را کراهت داشته باشد؛ زیرا زیارت قبر پیامبر (ص) از برترین اعمال و بهترین وسیله تقرب است که ما را به ذی الجلال رهنمون می‌سازد. و مشروعیت آن بدون نزاع، محل اجماع است. و خداوند هدایت‌کننده به صواب می‌باشد.

۲. حافظ ذہبی

ذہبی در «سیر اعلام النبلاء» در ردّ ابن تیمیہ در مورد زیارت قبر پیامبر (ص) می‌گوید:

ومن وقف عند الحجرة المقدسة ذليلاً مسلماً، مصلياً على نبيه، فياطوبى له، فقد احسن الزيارة و اجمل في التذلل و الحب، و قد اتى بعبادة زائدة على من صلى عليه في أرضه أو في صلاته؛ إذ الزائر له أجر الزيارة و أجر الصلاة عليه، و المصلي عليه في سائر البلاد له أجر الصلاة فقط. فمن صلى عليه واحدة صلى الله عليه عشرًا، ولكن من زاره - صلوات الله عليه - و اساء ادب الزيارة أو سجد للقبر أو فعل ما لا يشرع، فهذا فعل حسناً و سيئاً، فيعلم برفق و الله غفور رحيم. فو الله ما يحصل الانزعاج لمسلم و الصياح و تقبيل الجدران و كثرة البكاء الا و هو محب لله و

ص ۹۰

لرسوله، فحبه المعيار و الفارق بين أهل الجنّة و أهل النار. فزيارة قبره من افضل القرب، و شدّ الرحال إلى قبور الأنبياء و الأولياء لان سلمنا انه غير مأذون فيه لعموم قوله - صلوات الله عليه -: (لا تشدوا الرحال إلّا إلى ثلاثة مساجد) فشد الرحال إلى نبينا مستلزم لشد الرحل إلى مسجده، و ذلك مشروع بلا نزاع، إذ لا وصول إلى حجرته إلّا بعد الدخول إلى مسجده، فليبدأ بتحية المسجد، ثمّ بتحية صاحب المسجد. رزقنا الله و اياكم ذلك آمين. (۱)

و هر کس در کنار حجره مقدس پیامبر (ص) با حالت خواری و تسلیم و در حال درود فرستادن بر پیامبر (ص) بایستد خوشا به حال او، او بهترین زیارت را انجام داده و زیباترین اظهار محبت را داشته است و او به طور حتم عبادتی زاید بر کسی که در سرزمینش یا نمازش بر او درود فرستاده، انجام داده است؛ زیرا زائر هم اجر زیارت و هم اجر درود فرستادن بر او را دارد. و هر کس که بر او یک درود فرستد خداوند بر او ده درود خواهد فرستاد، ولی هر کس که او را زیارت کند و ادب زیارت را به جای نیاورد یا بر روی قبر سجده کند یا کاری را انجام دهد که مشروع نیست، این چنین شخصی کار خوبی همراه با کار بد را انجام داده است که باید او را با مدارا و مهربانی تعلیم داد. به خدا سوگند! فریاد زدن و شیون کردن مسلمان و نیز بوسیدن دیوارها و گریه بسیار او جز به جهت اینکه او محبّ خدا و رسول است نیست. پس محبت او معیار و فارق بین اهل بهشت و جهنم است. لذا زیارت قبر پیامبر (ص) از بهترین اعمالی است که باعث قرب به خدا می گردد. و بستن اثاثیه

ص ۹۱

برای سفر به جهت زیارت قبور انبیا و اولیا، بر فرض تسلیم که اذن داده نشده به جهت استدلال به عموم حدیث «لاتشدوا الرحال الا الی ثلاثه مساجد»، پس بار سفر بستن به جهت زیارت قبر پیامبر (ص) بار سفر بستن برای زیارت مسجد پیامبر (ص) است. لذا ابتدا زائر شروع به تحیت مسجد پیامبر (ص) می کند و سپس تحیت صاحب مسجد را به جای می آورد. خداوند به ما و شما این زیارت را روزی کند. آمین.

شیخ شعیب ارناؤوط در تعلیقه خود بر گفتار ذهبی می نویسد:

قصد المؤلف بهذا الإستطراد الردّ علی شیخه ابن تیمیة الذی یقول بعدم جواز شدّ الرحل لزیارة قبر النبی (ص).... (۱)

مقصود مؤلف [ذهبی] به این کلام، رد کردن بر استادش ابن تیمیه است که قائل به عدم جواز بار سفر بستن به جهت زیارت قبر پیامبر (ص) است ...

۳. حافظ ابوزرعه عراقی

او در کتاب «الاجوبه المرضیه عن الأسئلة المکیه» می نویسد:

وما اشع مسألتي ابن تیمیة فی الطلاق و الزیارة، و قد ردّ علیه فیهما معاً الشیخ تقی الدین السبکی و افرد ذلك بالتصنيف، فاجاد وأحسن. (۲)

چقدر ناگوار است دو مسأله ای که از ابن تیمیه در مورد طلاق و زیارت رسیده است، و شیخ تقی الدین سبکی در هر دو مسأله بر او رد کرده و کتاب مستقلی در این باره تصنیف نموده و خوب از عهده ردّ او برآمده است.

۱- سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۴۸۵

۲- الاجوبه المرضیه، صص ۹۶-۹۸

ص ۹۲

او نیز در کتاب «طرح التشریب» می نویسد:

وللشیخ تقی الدین ابن تیمیة هنا كلام بشع عجيب يتضمّن منع شدّ الرحل للزيارة و أنّه ليس من القرب، بل بضدّ ذلك. و ردّ عليه الشيخ تقی الدین السبکی فی شفاء السقام، فشفی صدور قوم مؤمنین. (۱)

و برای شیخ تقی الدین ابن تیمیه در این جا کلام ناگوار و عجیبی است که متضمن منع بار سفر بستن به جهت زیارت است که او از وسایل تقرب به خدا نیست. ولی شیخ تقی الدین سبکی در کتاب (شفاء السقام) بر او ردّ نوشته و سینه های قوم مؤمن را شفا داده است.

۴. حافظ علایی

او در ردّ ابن تیمیه می نویسد:

ومنها ... انّ انشاء السفر لزيارة نبینا (ص) معصیة لا تقصر فیها الصلاة، و بالغ فی ذلك، و لم یقل به احد من المسلمین قبله. (۲)

و از آن جمله ... اینکه قصد سفر به جهت زیارت [قبر] پیامبر ما معصیتی است که نماز در آن سفر قصر نمی شود. او در این مسأله مبالغه کرده و ادعایی نموده که احدی از مسلمانان قبل از او چنین ادعایی نکرده اند.

۵. ابن حجر هیتمی

او در ردّ ابن تیمیه در تحریم سفر به جهت زیارت قبر پیامبر (ص) می گوید:

۱- طرح التشریب، ج ۶، ص ۴۳.

۲- تکملة الردّ علی النونیة، ص ۱۴۳.

وجه شمول زیارة للسفر أنّها تستدعی الإنتقال من مكان الزائر إلى مكان المزور، كلفظ المجرىء الذى نصّت عليه الآية الكريمة ... و إذا كانت كل زیارة قربه كان كلّ سفر إليها قربه ... و القاعدة المتفق عليها أنّ وسیلة القربه المتوقفة عليها قربه. (۱)

دلیل بر اینکه کلمه زیارت شامل سفر به جهت زیارت نیز می شود اینک کلمه «زیارت» مستلزم انتقال از مکان زائر به طرف مکان زیارت شده است، مثل لفظ «مجرىء» که در آیه کریمه بر آن تصریح نموده است ... حال اگر هر زیارتی باعث تقرّب باشد هر سفری به سوی زیارت نیز باعث تقرّب خواهد بود ... و قاعده‌ای که همه بر آن اتفاق دارند این است که وسیله برای رسیدن به چیزی که باعث تقرّب به خداست، آن نیز موجب تقرّب است.

۶. کمال الدین مومّد بن علی بن عبدالواحد زملکانی انصاری شافعی

او که امام و مفتی و قاضی القضاة در شام بوده و ریاست مذهب شافعیه و تدریس و فتوا و مناظره به او رسیده از جمله کسانی است که کتابی در ردّ ابن تیمیه به نام «العمل المقبول فی زیارة الرسول» تألیف نموده است. (۲)

۷. مومّد زاهد کوثری

او نیز می گوید:

وقد جرى عمل الأمة على التوسل و زیارة إلى ان ابتدع انكار ذلك الحرّانی. (۳)

۱- الجوهر المنظم، ص ۲۳

۲- طبقات الشافعیة الكبرى، ج ۵، ص ۱۰۶.

۳- محقّ القول، کوثری، مقالات کوثری، ص ۴۶۸

اتفاق عملی امت بر توسل و زیارت قبر پیامبر (ص) است تا اینکه حرّانی انکار آن را بدعت گذاشت.

۸. شهاب الدین احمد بن محمد بن عمر خفاجی حنبلی مصری

او درباره زیارت قبر پیامبر (ص) می گوید:

وزیارة قبره سنه مأثوره مستحبه مجمع علیها، آی علی کونها سنه، ولا عبرة بمن خالف فیها کابن تیمیة ... واعلم ان هذا الحدیث هو الذی دعا ابن تیمیة و من تبعه کابن القیم إلى مقالته الشنیعة الی کفروه بها، و صنف فیها السبکی مصنفاً مستقلاً و هی منعه من زیارة قبر النبی (ص) و شدّ الرحال الیه ... توهم انه حمی جانب التوحید بخرافات لاینبغی ذکرها؛ فانها لاتصدر عن عاقل فضلاً عن فاضل سامحه الله عزوجل. (۱)

و زیارت قبرش سنتی است که در روایات به آن اشاره شده و مستحبی است که مورد اجماع واقع شده است. و به کلام کسی که با این مسأله مخالفت کرده اعتنایی نیست همچون ابن تیمیه ...

و بدان که این حدیث همان چیزی است که ابن تیمیه و پیروانش همچون ابن قیم را به گفتار زشتش کشانده که به سبب آن او را تکفیر کرده اند، و سبکی درباره آن کتاب مستقلی تصنیف کرده است، و آن عبارت است از منع زیارت قبر پیامبر (ص) و سفر برای آن ...

او گمان کرده با خرافاتی که جای ذکر آن نیست از جانب توحید حمایت نموده است، خرافاتی که از عاقل صادر نمی شود

ص ۹۵

تا چه رسد به شخص فاضل. خداوند عزوجل با او مسامحه کند و از او بگذرد. او نیز در رد استدلال ابن تیمیه به حدیث: «لا تجعلوا قبوری عیداً»، می گوید: «لاحجه فیہ ... فانه نزعه شیطانیة» (۱)؛ «حجت و دلیلی در آن نیست ... چرا که این استدلال تمایلی شیطانی است».

۹. دکتر محمد سعید رمضان بوطی

او که مدیر دانشکده شریعت سوریه است درباره ابن تیمیه می گوید:
 وها قد رأینا ان ابن تیمیة لم یبال ان ینخلف السلف کلهم ممثّلین فی أصحاب مالک و أحمد و الشافعی و
 ابي حنیفة ... (۲)
 ما مشاهده کردیم که ابن تیمیه هیچ ابایی نداشت که با تمام سلف از اصحاب مالک و احمد و شافعی و
 ابوحنیفه به مخالفت پردازد ...
 او نیز می گوید:

واعلم ان زیارة مسجده و قبره (ص) من اعظم القربات إلى الله عزوجل، اجمع علی ذلك جماهير المسلمین
 فی کل عصر إلى یومنا هذا، لم ینخلف فی ذلك إلا ابن تیمیة غفرالله له، فقد ذهب إلى ان زیارة قبره (ص)
 غیر مشروعة ... (۳)

بدان که زیارت مسجد و قبر پیامبر (ص) از مهم ترین وسایل تقرب به سوی خدای عزوجل است، و این
 مطلبی است که مورد اجماع تمام مسلمانان در هر عصر تا این زمان می باشد، و کسی به جز ابن

۱- السلفیة، مرحلة زمنية، بوطی، ص ۱۸۶.

۲- السلفیة، مرحلة زمنية، بوطی، ص ۱۸۶.

۳- فقه السیرة النبویة، بوطی، ص ۵۶۰.

ص ۹۶

تیمیه با آن مخالفت نکرده است، خدا از گناهانش درگذرد، که او معتقد است که زیارت قبر پیامبر (ص) غیر مشروع می باشد ...

۱۰. دکتر عمر عبدالله کامل

ایشان در کتابش در ردّ ابن تیمیه می گوید:

ولازم استحباب زیارة قبره (ص) استحباب شدّ الرحال إليها؛ لأنّ زیارته للحاج بعد حجّه لاتمکن بدون شدّ الرحل، فهذا كالتصريح باستحباب شدّ الرحل لزیارته (ص).

وقد درج علماء الإسلام و فی مقدمتهم الحنابلة علی هذا الفهم و اتفقوا علی جواز شدّ الرحال و استحباب زیارة قبر النبی (ص) إلی ان جاء ابن تیمیة فی القرن الثامن و خالف عامّة المسلمین و قال: لاتستحب زیارة قبر النبی (ص) ...

وقد نقلنا اجماع المسلمین علی مشروعیة زیارة قبر النبی (ص) فی مختلف الأزمنة و انه لم یخالف فی ذلك غیر ابن تیمیة و من تبعه، فهل من الحکمة ان نأخذ بقوله و فهمه للمسألة و ندع اجماع ائمة المسلمین فی عصور ما قبل ابن تیمیة؟ مع انّ اجماعهم فی عصر واحد حجّة ملزمة، فضلا عن اقوال اکثر ائمة المسلمین بعد عصر ابن تیمیة. (۱)

لازمه استحباب زیارت قبر پیامبر (ص) مستحب بودن سفر به جهت زیارت است؛ زیرا زیارت قبر حضرت برای حاجی بعد از حجّش بدون سفر به جهت آن امکان ندارد، و این به نوبه خود دلالت صریح بر استحباب سفر به جهت زیارت قبر پیامبر (ص) دارد.

۱- کلمة هادئة فیالزیارة و شدّ الرحال، دکتر عمر عبدالله کامل، ص ۴۴.

ص ۹۷

علمای اسلام و قبل از همه حنابله بر این فهم تأکید کرده و بر جواز سفر و استحباب زیارت قبر پیامبر (ص) اتفاق نظر دارند، تا اینکه ابن تیمیه در قرن هشتم آمد و با عموم مسلمانان به مخالفت پرداخت و گفت: زیارت قبر پیامبر (ص) مستحب نیست ...

و ما اجماع مسلمانان را بر مشروعیت زیارت قبر پیامبر (ص) در زمان‌های مختلف نقل کردیم و اینکه کسی در این مسأله به جز ابن تیمیه و پیروانش مخالفت نکرده است. آیا از حکمت است که قول و فهم او را در این مسأله اخذ کرده و اجماع ائمه مسلمانان را در عصرهای قبل از ابن تیمیه رها کنیم؟ با اینکه اجماع مسلمانان در یک عصر حجّت الزامی است تا چه رسد به اقوال بیشتر امامان مسلمانان بعد از عصر ابن تیمیه.

۱۱. محیی الدین حسین بن یوسف اِسْنوی

او که از علمای الازهر مصر است در ردّ ابن تیمیه می گوید:

انّ لابن تیمیّه فی مسأله زیارة قبر الرسول (ص) رأی شاذ و کلام کثیر فیہ تضارب و تناقض و تعمیم و تهویل. و من قرأ له (الجواب الباهر فی زوار المقابر) أو (الردّ علی الأحنائی) و قد طبع مؤخرأً فی (۷۴۴) صفحه من القطع الكبير، أو قرأ له فتاواه أو ما نقله بعض تلامیذه عنه کابن عبدالهادی فی (الصارم المنکی)، من قرأ

ذلک کلّه یعرف مدى التشتت الموجود فی کلام الرجل. و قد قام علیه علماء عصره فی هذه المسأله و غیرها و ردّوا علیه... (۱)

برای ابن تیمیه در مسأله زیارت قبر پیامبر (ص) رأی شاذ و گفتار بسیاری است که در آن زد و خورد و تناقض و اغفال و هوچی‌گری است. و کسی که کتاب «الجواب الباهر فی زوار المقابر» و کتاب «الردّ علی الأحنائی» را بخواند که اخیراً در ۷۴۴ صفحه در قطع بزرگ چاپ شده، و یا اینکه کتاب فتاوی او را قرائت کند یا آنچه را که برخی از شاگردانش امثال ابن عبدالهادی در کتاب «الصارم المنکی» از او نقل کرده بخواند، می‌داند که چه قدر در کلام این مرد تشتت است. لذا علمای عصرش در این مسأله و غیر آن بر ضدّ او قیام کرده و بر او ردّ نوشته‌اند ...

۱۲. تقی‌الدین محمد بن ابی‌بکر بن عیسیٰ سعدی افغانی مالکی مصری

او که فقیه و قاضی القضاء و محدث اهل سنت است در مقابل ابن تیمیه ایستاده و کتابی را به نام «المقاله المرضیه فی الردّ علی من ینکر الزیارة المحمّدیة» تألیف کرده است. (۱) ابن حجر عسقلانی درباره او می‌گوید:

وکان کثیر الحطّ علی الشیخ ابن تیمیه و اتباعه و هو الذی عزّر الشهاب ابن مری و کان علی طریقه الشیخ تقی الدین... (۲)

او بسیار بر ضدّ شیخ ابن تیمیه و پیروانش اعتراض و حمله کرده است، و اوست که شهاب بن مری که روش شیخ تقی الدین ابن تیمیه را داشته، را تأدیب نموده است ... او نیز در ردّ ابن تیمیه می‌گوید:

۱- السلفیه الوهابیه، ص ۱۳۶.

۲- رفع الإصر، ابن حجر عسقلانی، ص ۳۵۳

ص ۹۹

فأنه لما حدث ابن تيمية ما حدث في اصول العقائد و نقض من دعائم الإسلام الأركان و المعاهد، بعد ان كان مستتراً بتبعيه الكتاب و السنة، مظهراً أنه داع إلى الحق هاد إلى الجنة، فخرج عن الإتياع إلى الإبتداع، و شدّ عن جماعة المسلمين بمخالفة الإجماع. (۱)

چون ابن تیمیه در اصول عقاید بدعت‌هایی را ایجاد کرد و ارکان و پایه‌های اسلام را رشته رشته نمود بعد از آنکه خودش را در لباس تبعیت از کتاب و سنت پوشانده بود و اظهار کرد که دعوت کننده به حق و هادی به بهشت است، لذا از پیروی خارج شد و داخل در بدعت گذاری شده و با مخالفت اجماع از جماعت مسلمین خارج گشت.

۱۳. محمد برلسی رشیدی مالکی

او نیز درباره ابن تیمیه می گوید:

وقد تجاسر ابن تيمية - عامله الله بعدله - و ادعى انّ السفر لزيارة النبي (ص) محرم بالاجماع و انّ الصلاة لا تقصر فيه لعصيان المسافر به، و انّ سائر الأحاديث الواردة في فضل الزيارة موضوعه، و اطال بذلك بما تمجده الأسماع و تنفر منه الطباع، و قد عاد شؤم كلامه عليه حتى تجاوز إلى الجناب الأقدس المستحق لكلّ كمال انفس و حاول ما ينافي العظمة و الكمال بادعائه الجهة و التجسيم، و أظهر هذا الأمر على المنابر و شاع و ذاع ذكره في الأصاغر و الأكابر و خالف الأئمة في مسائل كثيرة

۱- الدرّة المضيئة، تقی الدین سبکی، ص ۳.

ص ۱۰۰

و استدرك على الخلفاء الراشدين باعتراضات سخيْفه حقيرة فسقط من عين اعيان علماء الأُمَّة، و صار مُثله بين العوام فضلا عن الأُمَّة، و تعقب العلماء كلماته الفاسدة و زيفوا حججه الكاسدة و اظهروا عوار سقطاته و بينوا قبائح أوهامه و غلطاته، حتى قال في حقه العز بن جماعة ان هو إلا عبد اضله الله و اغواه و ألبسه رداء الخزي و أرداه... (۱)

ابن تیمیه جسارت کرده - خدا با او به عدلش معامله کند - و ادعا نموده که سفر به جهت زیارت قبر پیامبر (ص) به اجماع حرام است، و اینکه نماز با آن در سفر قصر نمی شود؛ چرا که مسافر با چنین سفری گناه کار می شود، و اینکه تمام احادیثی که در فضیلت زیارت وارد شده جعلی است. او در این موضوع به حدی اطلاع کلام کرده که گوش ها را خسته می کند و طبیعت ها از آن تنفر دارد. شومی کلامش از پیامبر (ص) تجاوز کرده و به جناب اقدس خداوند که مستحق هر کمال است سرایت نموده است و معتقد به مطالبی است که با عظمت و کمال او سازگاری ندارد؛ چرا که او مدعی جهت و جسمیت برای خداوند شده و آن را بر روی منبر اعلان کرده و شایع نموده و بین کوچک و بزرگ پخش کرده است، و با امامان در بسیاری از مسایل مخالفت نموده و بر خلفای راشدین با اعتراضات پست و حقیر طعن زده است. لذا از چشم بزرگان علمای امت سقوط کرده و مورد مذمت عوام قرار گرفته است تا چه رسد به خواص. علما کلمات فاسد او را پیگیری کرده و حجّت های باطل او را رد نموده و لغزش ها و اوهام قبیح و غلطهایش را ظاهر

۱- شواهد الحق، یوسف نهانی، ص ۱۵.

ص ۱۰۱

کرده‌اند، به حدی که عزبن جماعه در حقش گفته: او بنده‌ای است که خداوند او را گمراه کرده و از هدایت دور نموده و لباس خواری را بر تنش نموده و او را نابود کرده است ...

۱۴. ملا علی بن سلطان محمد قاری هروی حنفی

او در «شرح کتاب الشفا» می‌گوید:

وقد فرط ابن تیمیة من الحنابلة حيث حرّم السفر لزيارة النبي (ص)، كما افراط غيره، حيث قال: كون الزيارة قربة معلوم من الدين بالضرورة، و جاحده محكوم عليه بالكفر، و لعلّ الثاني أقرب إلى الصواب؛ لأنّ تحريم ما أجمع العلماء فيه بالإستحباب يكون كفراً، لأنّه فوق تحريم المباح المتفق عليه في هذا الباب. (۱)

ابن تیمیه از حنابله در تحريم سفر به جهت زیارت پیامبر (ص) افراط کرده است همان‌گونه که غیر او نیز افراط کرده آنجا که گفته: زیارت از امور قریبی است که در دین ضروری بودنش معلوم است و کسی که آن را انکار کند کافر می‌باشد، و شاید قول دوم به صواب نزدیک‌تر باشد؛ زیرا تحريم عملی که اجماع علما بر استحباب آن است کفر می‌باشد؛ به جهت آنکه او فوق تحريم مباح است که در این باب اتفاقی است.

۱۵. ابوالحسنات محمد عبدالحی لکنوی حنفی

او می‌گوید:

مسألة زيارة خير الأنام عليه الصلاة والسلام كلام ابن تیمیة فيها من أفاحش الكلام؛ فأنّه يحرم السفر لزيارة قبر

۱- شرح الشفا، ملاعلی قاری، ج ۲، ص ۱۵۲؛ شواهد الحق، نبهانی، ص ۱۷۷ به نقل از او.

ص ۱۰۲

الرسول (ص) ويجعله معصية، و يحرم نفس زيارة القبر النبوي أيضاً ... (۱)

مسأله زیارت بهترین مردم (علیه الصلاة و السلام) کلام ابن تیمیه در آن از بدترین کلمات است؛ زیرا او سفر به جهت زیارت قبر پیامبر (ص) را تحریم کرده و آن را معصیت دانسته و نفس زیارت قبر پیامبر (ص) را نیز تحریم کرده است ...

۱۶. خلیل احمد سهارنپوری حنفی

در سؤالی که از ایشان شده، چنین آمده است:

ما قولکم فی شدّ الرحال إلی سید الکائنات علیه افضل الصلوات و التحیّات و علی آله و اصحابه، أی الأمرین احبّ الیکم و افضل لدى اکابرکم و للزائر: هل ینوی وقت الإرتحال للزيارة زیارته (ع) أو ینوی المسجد أيضاً، و قد قال الوهابیة انّ المسافر إلی المدینة لا ینوی إلی المسجد النبوی؟

نظر شما درباره سفر به جهت زیارت آقای جهانیان بر او و بر آل و اصحابش بهترین صلوات و تحیات باد، چیست؟ کدام یک از این دو امر نزد شما بهتر و افضل است برای زیارت کننده: اینکه هنگام حرکت به جهت زیارت نیت زیارت حضرت (ع) نماید یا نیت مسجد را نیز بنماید؛ زیرا وهابیان می گویند: مسافر به سوی مدینه تنها باید نیت مسجد نماید؟

ایشان در جواب سؤال فوق می نویسد:

۱- سعادة الدارين فی الردّ علی الفرقتين، ابراهیم سمودی، ج ۱، ص ۱۷۳.

ص ۱۰۳

عندنا و عند مشایخنا زیارة قبر سید المرسلین (روحی فداه) من اعظم القربات و أهمّ المثوبات و انجح لنیل الدرجات، بل قریبۀ من الواجبات، و ان کان حصوله بشدّ الرحال و بذل المهج و الأموال، و ینوی وقت الإرتحال زیارته علیه الف الف تحیة و سلام. ینوی معها زیارة مسجده (ص) و غیره من البقاع و المشاهد الشریفۀ بل الأولى ما قال العلامة الهمام ابن الهمام ان یجرّد التیة لزیارة قبره علیه الصلاة و السلام ثم یحصل له إذا قدم زیارة المسجد؛ لأنّ فی ذلك زیادة تعظیمه و اجلاله (ص). و یوافقہ قوله (ص): من جاءنی زائراً لاتحملة حاجة إلّا زیارتی کان حقاً علی ان أكون شفیعاً له یوم القيامة. و کذا نقل عن العارف

السامی الملاً جامی أنّه افرز زیارة عن الحجّ، و هو اقرب إلى مذهب المحیّین... (۱)

نزد ما و علمای ما زیارت قبر سید رسولان (روحم به فدای او باد) از بزرگترین قربت‌ها و مهم‌ترین کارهایی است که صواب داشته و برای رسیدن به درجات مفید بلکه نزدیک به واجبات است، گرچه دسترسی به آن با همراه بستن بار سفر و بذل خون دل و اموال باشد. و او باید هنگام حرکت نیت زیارت قبر پیامبر (ص) کند - که هزاران هزار درود و سلام بر او باد - و نیز همراه آن قصد زیارت مسجد او و دیگر بقعه‌ها و مشاهد شریف را نماید، بلکه سزاوارتر از آن چیزی است که علامه همام فرزند همام گفته که باید نیتش را فقط برای زیارت قبر حضرت قرار دارد، و چون به زیارت حضرت آمد مسجد را نیز زیارت نماید؛ چرا که در این کار تعظیم و تجلیل

ص ۱۰۴

بیشتری نسبت به او بوده و با گفتار پیامبر (ص) موافق است که فرمود: (هر کس که فقط به جهت زیارت من بیاید بر عهده من است که در روز قیامت شفیع او گردم). و نیز از عارف بزرگوار ملا جامی نقل شده که زیارت را از حج جدا کرده است و این به مذهب محبان نزدیک تر است ...

۱۷. شهاب الدین احمد بن محمد قسطلانی

او درباره ابن تیمیه می گوید:

وللشيخ تقي الدين بن تيمية هنا كلام شنيع عجيب يتضمن منع شد الرحال للزيارة النبوية المحمّدية، و انه ليس من القرب بل بضد ذلك، و ردّ عليه الشيخ تقي الدين سبكي في (شفاء السقام) فشفى صدور المؤمنين. (۱)

و شیخ تقی الدین ابن تیمیه در اینجا کلام زشت و عجیبی دارد که متضمّن منع سفر برای زیارت نبویه محمّدیه است، و اینکه این کار از وسائل تقرب به سوی خدا نبوده، بلکه بر ضد آن است. لذا شیخ تقی الدین سبکی در «شفاء السقام» آن را ردّ کرده و دل های مؤمنین را شاد کرده است.

۱۸. قاضی تقی الدین سبکی

او می گوید:

هذا الرجل - یعنی ابن تیمیه - كنت رددت عليه في حياته في انكاره السفر لزيارة المصطفى (ص) و في انكاره وقوع الطلاق إذا

ص ۱۰۵

حلف به، ثم ظهر لی من حاله ما يقتضی انه لیس مّمن يعتمد علیه فی نقل ینفرد به لمسارعته إلی النقل ... (۱)

این مرد - یعنی ابن تیمیه - من در زمان حیاتش در مورد انکار سفر به جهت زیارت قبر مصطفی (ص) و انکار وقوع طلاق با قسم ردّ نمودم، آن گاه برای من درباره او روشن شد که نمی توان در نقل های او که به تنهایی آورده اعتماد نمود؛ زیرا او کسی است که در نقل مطالب سرعت به خرج داده است ...

او نیز در ردّ ابن تیمیه می نویسد:

لا أحد من الخلق اعظم برکة منه، ولا اوجب حقاً علينا منه، فالمعنى الذی فی زیارة قبره لا یوجد فی غیره، ولا یقوم غیره مقامه، كما انّ المسجد الحرام لا یقوم غیره مقامه، و من ههنا شرع قصده بخصوصه، و یتعین، بخلاف غیره من القبور. (۲)

هیچ یک از خلائق، از پیامبر (ص) پربرکت تر نبوده و او از همه کس بیشتر بر گردن ما حق دارد. لذا آثاری که در زیارت قبر اوست در غیر او یافت نمی شود و کسی همانند او نمی گردد، همان گونه که مسجدی همانند مسجد الحرام نمی باشد. لذا قصد سفر به سوی آن مشروع شده و متعین می باشد به خلاف غیر آن از قبرها.

او نیز می گوید:

فزیارة قبره (ص) مستحبه بعینها؛ لما ثبت فیها من الأدلة الخاصة. (۳)

پس زیارت قبر او به طور خصوص مستحب است به جهت ادله خاصی که در آن مورد ثابت شده است.

۱- فتاوی السبکی، ج ۲، ص ۲۱۰ به نقل از او.

۲- شفاء السقام، ص ۸۷ به نقل از او

۳- شفاء السقام، ص ۸۸.

ص ۱۰۶

او نیز در ردّ ابن تیمیه در مسأله زیارت قبر پیامبر (ص) می گوید:

ومن المعلوم أنّ الزيارة بقصد التبرک و التعظیم لا تنتهی فی التعظیم إلى درجة الربوبیة ولا تزيد علی ما نصّ علیه فی القرآن و السنّة و فعل الصحابة من تعظیمه فی حیاته و بعد وفاته، فكیف يتخیل امتناعها. (۱)

پرواضح است که زیارت به قصد تبرک و تعظیم منتهی به درجه ربوبیت نمی شود و زاید بر نصّ قرآن و سنت و فعل صحابه از تعظیم پیامبر (ص) در زمان حیات و بعد از وفات او نمی گردد، پس چگونه امتناع آن به خیال ابن تیمیه رسیده است.

۱۹. اسعد بن علی بن سلیمان یافعی، شافعی

او درباره ابن تیمیه می گوید:

... و له مسائل غریبه انکر علیه فیها و حبس بسببها مبینة لمذهب أهل السنّة، و من اقبحها نهیه عن زیارة النبی علیه الصلاة و السلام ... (۲)

... او معتقد به مسایلی عجیب و غریب است که علما آنها را انکار کرده و به سبب آنها او را حبس نمودند؛ به جهت آنکه با مذهب اهل سنت مخالفت دارد، و قبیح ترین آنها نهی او از زیارت پیامبر علیه الصلاة و السلام می باشد ...

۲۰. محمد ابراهیم محمد سالم

او در کتاب «الردود الشاملة» می گوید:

۱- شفاء السقام، ص ۱۳۲

۲- مرآة الجنان، ج ۴، ص ۲۴.

ص ۱۰۷

ولا حجة للمانعين في قولهم ان الزيارة قد تؤدي إلى شرك، و معنى هذا احتجاجهم بقاعدة سد الذرائع. فرد عليهم بان هذه القاعدة ليست على عمومها، و لو كانت عامه لتركنا استقبال الكعبة و الطواف و تقبيل الحجر الأسود، و مس الركن اليماني، خوفاً من الشرك، و لم يقل بذلك احد. (۱)

حجتی نیست برای مانعین در قولشان به اینکه زیارت گاهی منجر به شرک می شود، و معنای آن احتجاجشان به قاعده سد ذرایع است. ما ردی که بر آنان داریم اینکه این قاعده را نمی توان بر عمومش حمل کرد، و گرنه باید استقبال به طرف کعبه و طواف و بوسیدن حجر الاسود و مس رکن یمانی را به جهت خوف از وقوع در شرک ترک نمود، در حالی که هیچ کس چنین ادعایی نکرده است.

۲۱. ابن قیم جوزیه

ابن قیم جوزیه که از شاگردان ابن تیمیه بوده درباره نحوه زیارت قبر پیامبر (ص) در قصیده معروف به نونیه اش می گوید:

فإذا اتينا المسجد النبوي (ص) صلينا التحية اولا ثنتان
 بتمام ارکان لها و خشوعها و حضور قلب فعل ذی الإحسان
 ثم انشينا للزيارة نقصد ال - قبر الشريف ولو على الأجفان
 فنقوم دون القبر وقفه خاضع متدلل في السرّ و الإعلان
 فكأنه في القبر حي ناطق فالواقفون نواكس الأذقان
 ملكتهم تلك المهابة فاعترت تلك القوائم كثرة الرجفان

۱- الردود الشاملة، ص ۱۰.

ص ۱۰۸

وتفجرت تلك العيون بمائها و لطالما غاضت على الأزمان

وأتى المسلم بالسلام بهيبة و وقار ذى علم و ذى ايمان

لم يرفع الأصوات حول ضريحه كلا ولم يسجد على الأذقان (۱)

هرگاه که ما به مسجد نبوی می آییم در ابتدا دو رکعت نماز تحیت می خوانیم. این دو رکعت را با ارکان تام

و خشوع و حضور قلب به جای می آوریم و عملی شایسته و نیک انجام می دهیم.

سپس برای زیارت قصد قبر شریف نموده، ولو بر روی پلکان چشم. آن گاه در برابر قبر می ایستیم همانند

ایستادن شخص خاضع و ذلیل در سرّ و ظاهر.

گویا او در قبر زنده است و سخن می گوید، پس کسانی که ایستاده اند باید چانه ها را به زیر افکنند.

آن هیبت و عظمت آنان را گرفته و کثرت لرزش آن پاها را در بر می گیرد. و آن چشمه ها از آب هایی که

دارند جوشش می کنند و در مدت زمانی زیاد فوران دارند.

سلام دهنده سلامی با هیبت و وقاری همراه با معرفت و ایمان می دهد. کسی نباید صدایش را حول ضریح

او بلند کند، هرگز، و بر چانه هایش سجده ننماید.

تالیفات در ردّ بر ابن تیمیه در مسأله زیارت قبور

علمای معاصر ابن تیمیه و بزرگان قومش در مسأله زیارت قبر پیامبر (ص) با رأی او به مخالفت پرداخته

و کتاب هایی را بر ضدّ او تألیف کرده اند که از آن جمله عبارت است از:

۱- القصيدة النونية، ابن قیم جوزیه.

ص ۱۰۹

۱. «شفاء السقام فی زیارة خیر الانام»، از تقی‌الدین سبکی.
۲. «الدرّة المضية فی الردّ علی ابن تیمیه»، از سبکی.
۳. «المقالة المرضیة»، از قاضی القضاة مالکیه تقی‌الدین ابی‌عبدالله اخنائی.
۴. «نجم المهتدی و رجم المقتدی»، از فخر بن معلّم قرشی.
۵. «دفع الشبهة»، از تقی‌الدین حصنی دمشقی.
۶. «التحفة المختارة فی الردّ علی منکر الزیارة»، از تاج‌الدین فاکهانی.
۷. «الجوهر المنظم فی زیارة القبر الشریف النبوی المکرم»، از ابن حجر هیتمی مکی.

کتاب‌های مربوط به زیارت قبر پیامبر (ص)

اشاره

علمای اهل سنت عنایت خاصی به تألیف و تصنیف درباره زیارت قبر پیامبر (ص) داشته‌اند، و تصنیف آنها در چهار قسم است:

۱. کتاب‌های مربوط به خصایص و مناقب پیامبر (ص)

الف) «الشفای بتعریف حقوق المصطفی»، از قاضی ابوالفضل عیاض بن موسی یحصبی. این کتاب چندین بار در مصر چاپ شده و دارای شروح و تعلیقاتی است. در دمشق با تحقیق عده‌ای از علمای شام از آن جمله شیخ محمد امین قره‌علی، و شیخ اسامه رفاعی، و شیخ جمال سیروان، و شیخ نورالدین قره‌علی در دو جلد چاپ شد. از مشهورترین شرح‌های آن شرح شیخ علی بن سلطان بن محمد قاری مشهور به ملاعلی قاری است که در چهار جلد در سال ۱۳۲۷ ه. ق در مطبعه الأزهریه مصر به طبع رسید.

ص ۱۱۰

و نیز از جمله مشهورترین شروح آن شرح علامه شیخ شهاب الدین خفاجی مصری است. سیوطی نیز احادیث آن را در کتابی مستقل تخریج کرده و اسم آن را «مزیل الخفا عن الفاظ الشفاء» گذاشته است.

ب) «الدر المنضود فی الصلاة و السلام علی صاحب المقام المحمود (ص)»، از شهاب الدین احمد بن محمد بن حجر هیتمی که در مصر با تحقیق حسنین محمد مخلوف چاپ شده است.

ج) «القول البدیع فی الصلاة علی الحبيب الشفیع»، از شمس الدین محمد بن عبدالرحمان بن محمد بن ابی بکر سخاوی شافعی، که در بیروت چاپ شده است.

د) «الصلوات و البشر» از محمد بن یعقوب فیروزآبادی صاحب کتاب «القاموس المحیط». این کتاب در دمشق، سال ۱۳۸۵ هـ. ق با تحقیق استاد محمد مطیع حافظ و استاد محمد نورالدین جزایری و عبدالقادر خیاری

به چاپ رسیده است.

ه) «المواهب اللدنیة بالمنح المحمدیة» از شیخ احمد بن محمد قسطلانی، که در بیروت، المکتب الاسلامی با تحقیق صالح احمد شامی چاپ شده است.

و) «شرح المواهب اللدنیة»، از شیخ محمد بن عبدالباقی زرقانی مالکی، که در مصر در هشت جلد به چاپ رسیده است.

ز) «الجامع لشعب الایمان» از ابوبکر احمد بن حسین بیهقی، که در جلد هشتم به این موضوع پرداخته است، و در بمبئی هندوستان با تحقیق و تخریج مختار احمد ندوی، چاپ الدار السلفیه به طبع رسیده است.

ص ۱۱۱

ح) «المنهاج فی شعب الایمان» از ابو عبدالله حسین بن حسن حلیمی، چاپ دار الفکر للطباعة و النشر، بیروت.

ط) «کتاب فضائل الأعمال»، از ضیاء الدین محمد بن عبدالواحد مقدسی، چاپ دارالعربی مصر.

۲. کتاب‌های فقه مذاهب

الف) «الذخیره» از شهاب الدین احمد بن ادريس قرافي، در جلد سوم، باب یازدهم و در بحث وارد شدن بر ضریح پیامبر (ص).

ب) «تهذیب المطالب» از عبدالحق صقلی مالکی.

ج) «شرح الصغیر علی اقرب المسالك الی مذهب الامام مالک»؛ از ابوالبرکات احمد بن محمد بن احمد در دیر. ج ۲، ص ۳۸۱.

د) «قوانین الأحکام الشرعیة و مسائل الفروع الفقهیة»؛ از محمد بن احمد جزى غرناطی مالکی، که با تحقیق و مراجعه شیخ عبدالرحمان حسن محمود در مصر چاپ شده است.

ه) «اسهل المدارک، شرح ارشاد السالک فی فقه امام الأئمة مالک» از شیخ ابوبکر بن حسن کشانوی.

ز) «فتح القدير» از شیخ کمال الدین بن همام حنفی، در «المقصد الثالث فی زیارة».

ح) «ردّ المحتار علی الدر المختار» از ابن عابدین.

ط) «المحلّی» از ابن حزم.

ی) «المجموع» از شیخ محیی الدین بن شرف نووی، که شرح کتاب «المهذب» از ابواسحاق شیرازی است.

ص ۱۱۲

- ک) «شرح الشيخ جلال الدين»، از محمد بن احمد محلی، که شرح بر کتاب «المنهاج» است.
- ل) «فتح الوهاب» از شیخ ابویحیی زکریا انصاری، که شرح بر کتاب «منهج الطلاب» است.
- م) «تحفة المحتاج» از شیخ شهاب الدین احمد بن حجر هیتمی است.
- ن) «نهاية المحتاج» از شیخ شمس الدین محمد بن احمد، ابوالعباس رملی.
- س) «مغنی المحتاج» از شیخ محمد بن محمد شربینی.
- ع) «المغنی» از شیخ موفق الدین عبدالله بن قدامه.
- ف) «الشرح الكبير» از شیخ شمس الدین ابوالفرج عبدالرحمان قدامه.
- ص) «كشف القناع» از شیخ منصور بن یونس بهوتی.
- ق) «دلیل الطالب» از شیخ مرعی بن یوسف.
- ر) «الفروع»، از شیخ شمس الدین مقدسی، محمد بن مفلح.

۳. کتاب‌های مختص به زیارت

- الف) «شفاء السقام فی زیارة خیر الأنام» از تقی الدین علی بن عبد الکافی سبکی (م ۷۵۶).
- ب) «إتحاف الزائر و إطراف المقيم السائر فی زیارة النبی (ص)» از ابوالیمن عبدالصمد بن شیخ ابوالحسن عبدالوهاب بن حسن بن محمد بن حسن بن هبة الله قرشی دمشقی، معروف به ابن عساکر.
- ج) «رفع المنارة لتخريج احاديث التوسل و الزیارة» از شیخ محمود سعید ممدوح.

ص ۱۱۳

او در مقدمه آن کتاب می‌نویسد:

وأما المقصود في مسألة الزيارة فهو اثبات اطباق فقهاء الأمة على استحباب أو وجوب زيارة المصطفى (ص) بشد رحل أو بدونه، و أن من قال بتحريم الزيارة المستوجبة لشد الرحل قد ابتدع و خالف النصوص الصريحة و إطباق فقهاء مذهبه فضلا عن المذاهب الأخرى.

و اما مقصود در مسأله زیارت اثبات اتفاق فقهای امت بر استحباب یا وجوب زیارت مصطفی (ص) است، با بستن بار سفر یا بدون آن، و اینکه هر کس قائل به تحریم زیارت با بار سفر بستن شود او بدعت گذار بوده و با نصوص صریحه و همچنین با اجماع فقها و مذاهب خود، چه رسد به سایر مذاهب مخالفت کرده است.

د) «الجوهر المنظم في زيارة القبر النبوي الشريف المكرم»، از شیخ شهاب الدین احمد بن محمد بن حجر هیتمی، متوفی ۹۷۳ هجری.

ه) «تحفة الزوار الى قبر النبي المختار» از ابن حجر.

و) «الدرة الثمينه فيما لزائر النبي (ص) الى المدينة»، از شیخ احمد بن محمد بن عبد رب النبي مدنی دجانی انصاری، ملقب به قشاشی.

ز) «نفحات الرضا و القبول في فضائل المدينة و زيارة سيدنا الرسول (ص)» از شیخ احمد بن محمد حضراوی مکی.

ح) «الذخائر القدسیة فی زیارة خیر البریة»، از شیخ عبدالحمید بن محمد علی قدسی مکی.

ط) «التوسل و الزیارة» از شیخ محمد فقی.

ص ۱۱۴

ی) «مشارق الأنوار فی زیارة النبی المختار» از شیخ حسن عدوی مالکی.
 ک) «الزیارة النبویة» از محمد بن علوی مالکی مکی.

۴. کتب مناسک

الف) «هدایة السالک الی المذاهب الأربعة فی المناسک»، از عزالدین بن جماعه کنانی، در جلد سوم، باب شانزدهم در زیارت رسول خدا (ص).

ب) «الإيضاح لمناسک الحج و العمرة»، از شیخ محیی الدین نووی.

ج) «الحج و احکامه»، از شیخ وهبی سلیمان غاوجی. او در مسأله زیارت می گوید:

إنّ زیارة قبر رسول الله (ص) بعد انتقاله سنه، ثبت ذلك بکتاب الله تعالی و سنه رسولہ (ص) و فعل الصحابه رضوان الله تعالی علیهم بالإجماع و عمل الناس و القیاس. (۱)

همانا زیارت قبر رسول خدا بعد از انتقالش [از این دنیا] سنتی است که به کتاب خداوند متعال و سنت رسولش (ص) و فعل صحابه (رضوان الله تعالی علیهم) به اجماع و عمل مردم و قیاس ثابت شده است.

وهابیان و تحریم شدّ رحال به جهت زیارت

فتاوی و هابیان

ص ۱۱۵

گروه افتای دائمی و هابیان می گویند:

لايجوز شد الرحال لزيارة قبور الأنبياء و الصالحين و غيرهم، بل هو بدعة... (۱)

بستن بار سفر به جهت زیارت قبور انبیا و صالحان و دیگران جایز نیست بلکه بدعت می باشد ...

شیخ بن باز می گوید:

... و أمّا الرجال فيستحب لهم زيارة القبور و زيارة قبر النبي عليه الصلاة و السلام و قبر صاحبه، لكن بدون شد الرحل؛ لقوله (ص): (زوروا القبور فإنها تذكركم الآخرة)، رواه مسلم في صحيحه، و أمّا شد الرحال لزيارة القبور، فلايجوز، و أنّما يشرع لزيارة المساجد الثلاثة خاصة... (۲)

۱- اللجنة الدائمة للبحوث العلمية و الافتاء، رقم ۴۲۳۰.

۲- مجموع فتاوى بن باز، ج ۲، ص ۷۵۴.

ص ۱۱۶

... و امّیا مردان، پس حرکت کردن برای زیارت قبور و زیارت قبر پیامبر علیه الصلاة و السلام و قبر دو مصاحب او برایشان، مستحب است، ولی بدون بستن بار سفر برای زیارت؛ زیرا که پیامبر (ص) فرمود: (قبور را زیارت کنید که شما را به یاد آخرت می‌اندازد)، این روایت را مسلم در صحیحش روایت کرده است. و امّا بستن بار برای زیارت قبور، جایز نیست و تنها برای زیارت سه مسجد مشروع است ...

از این فتواها استفاده می‌شود که وهابیان در این مسئله اختلاف نظر دارند؛ یعنی مؤسس افکار آنان (ابن تیمیه) قائل به حرمت زیارت قبور به طور مطلق است، گرچه ابن حجر به او نسبت مشروط داده است. به خلاف متأخرین از وهابیان که در صورتی قائل به عدم جواز؛ بلکه بدعت شده‌اند که همراه با حرکت از وطن به جهت زیارت قبور باشد، امّا اگر کسی به حج آمده، آن‌گاه برای کاری وارد مدینه شود و به طور ضمنی قبر پیامبر (ص) را نیز زیارت کند، اشکالی ندارد.

نقد فتاوی وهابیان

فتاوی وهابیان مورد قبول عالمان اهل سنت نبوده و به نقد آن پرداختند.

محمد بن علوی مالکی از علمای مکه می‌گوید:

وقد جاء هؤلاء المنتسبون إلى السلفية فجعلوا قضية الزيارة و شد الرحل إلى زيارة نبينا محمد (ص) قضية إيمان و كفر و توحيد و شرك، و راحوا يخلعون القاب الضلال و الكفر والشرك على

ص ۱۱۷

كل من يخالفهم في هذه المسألة - فلا - حول ولا - قوة إلا بالله العلي العظيم - مع أنهم متفقون جميعاً على مشروعيتها شد الرحل إلى ذلك البناء المسمى بالمسجد النبوي بلا خلاف. (۱)

این افرادی که خودشان را به سلف نسبت می دهند آمده اند و قضیه زیارت و بستن بار سفر به جهت زیارت پیامبر (ص) را قضیه ایمان و کفر و شرک و توحید کرده اند، و این راه را در پیش گرفته اند که القاب ضلالت و کفر و شرک را بر هر مسلمانی اطلاق کنند که در این مسأله با آنان مخالف است، پس حول و قوه ای جز برای خدای علی و عظیم نیست، با اینکه آنان همگی متفق بر مشروعیت بار سفر بستن به جهت آن ساختمان معروف به مسجد نبوی هستند و هیچ اختلافی در این مسأله ندارند.

و نیز می گوید:

فإذا قال القائل: شددت الرحل إلى زيارة النبي (ص) للصلاة والسلام عليه في مسجده و زيارة صاحبه و من في تلك البقاع الطاهرة و رؤية المآثر و المشاهد التي هي معاهد الوحي و التنزيل و مواطن الإيمان و الجهاد، إذا قال قائل: أنا مسافر لهذا القصد المبارك، قامت القيامة و نزلت المصائب و زلزلت الأرض زلزالها و اخرجت الأرض اثقالها و حكموا عليه بالضللال أو الشرک، و ان خففوا الحكم حكموا عليه بالبدعة و مخالفة السنة النبوية على اضعف الاحوال الايمانية، و يقول المنكر: ان المقصد الشرعي الصحيح بالزيارة إنما هو للمسجد، فلا تقل: أنا مسافر

۱- الزيارة النبوية، محمد بن علوی المالکی، ص ۵.

ص ۱۱۸

لزيارة الرسول (ص)، و إنما قل: أنا مسافر للصلاة في المسجد النبوي، و إنني لأعجب كيف استحق هذا المسجد هذا الفضل و أصبح من المساحد التي تشد إليها الرحال؟ أليس لأنه مسجده عليه الصلاة و السلام؟! فإى فرق بينه و بين المساجد؟ و إذا كان شرف المسجد و فضله لاجله (ص) فكيف تسنّ زيارة المسجد و تحرم زيارة من شرف المسجد لأجله (ص). (۱)

پس اگر کسی بگوید: من بار سفر بسته‌ام به جهت زیارت پیامبر (ص) برای سلام و درود فرستادن بر او در مسجدش و زیارت دو صاحبش و هر آنکه در آن بقعه پاک است، و نیز آثار و مشاهدی را که معهد وحی و قرآن و موطن ایمان و جهاد است را مشاهده کنم، هر گاه کسی بگوید: من به این قصد مبارک مسافرت کرده‌ام قیامت برپا شده و مصائب بر او فرود می‌آید و در زمین زلزله می‌شود و زمین بارهای سنگین خود را خارج می‌کند، به این نحو که آنان [وهابیان] بر او حکم به ضلالت و شرک می‌کنند، و اگر بخواهند حکم او را تخفیف دهند کمترین حکمش این است که بر او حکم به بدعت و مخالفت سنت نبوی می‌نمایند. و منکر می‌گویند: تنها قصد شرعی صحیح، زیارت برای مسجد است و تو نباید بگویی: من مسافرت به جهت زیارت رسول (ص) می‌کنم، بلکه تنها باید بگویی: من برای نماز در مسجد نبوی مسافرت می‌نمایم. و من تعجب می‌کنم که چگونه این مسجد مستحق این فضیلت شده و از مساجدی شده که بار سفر به سوی آن بسته می‌شود؟! آیا بدین جهت نیست

ص ۱۱۹

که مسجد پیامبر (ص) است؟ و گرنه چه فرقی بین مسجد او و سایر مساجد دیگر می‌باشد؟ و چون شرف و فضیلت مسجد به جهت انتساب به آن حضرت است، پس چگونه زیارت مسجد او سنت است ولی زیارت کسی که شرف مسجد به خاطر اوست سنت نمی‌باشد؟!

زیارت قبور و مشروعیت سفر به نیت آن

قبلاً در فتاوی و هابیان اشاره نمودیم که متأخرین از آنان قائل به عدم مشروعیت سفر یا بدعت بودن سفر برای زیارت قبور؛ حتی قبر پیامبرند، (اگرچه ابن تیمیه مطلقاً زیارت را تحریم کرده است).

حال درصددیم تا مشروعیت سفر برای زیارت، خصوصاً زیارت قبر پیامبر (ص) را به اثبات برسانیم:

۱. خداوند متعال می‌فرماید: **وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاؤُكَ ... (نساء: ۶۴)** که لفظ «مجيء» برآمدن از راه دور و نزدیک هر دو صدق می‌کند.

۲. در روایتی که نقل شد، پیامبر (ص) فرمود: «من زار قبری ...»، که لفظ زیارت نیز شامل آمدن از راه دور و نزدیک می‌شود؛ خصوصاً در روایتی که ابن السکن به سند صحیح نقل می‌کند، این چنین آمده: «من جاءنی زائراً» که این تعبیر هم ظهور در سفر دارد.

۳. از برخی روایات به طور وضوح یا ضمنی جواز یا استحباب زیارت قبور؛ حتی با شد رحال و بار سفر بستن و به قصد زیارت حرکت کردن، استفاده می‌شود.

ص ۱۲۰

مسلم و دیگران به سند صحیح از بریده اسلمی نقل می کنند که پیامبر (ص) فرمود:

من شما را از زیارت قبور نهی کردم، ولی به محمّد اذن داده شد تا قبر مادرش را زیارت نماید، شما نیز قبور را زیارت کنید که شما را به یاد آخرت می اندازد. (۱)

از اینکه پیامبر (ص) می فرماید: «به محمّد اذن داده شد تا قبر مادرش را زیارت کند» استفاده می شود که حرکت از مکانی به مکانی دیگر، تنها به قصد زیارت اشکالی ندارد.

سمعانی از امام علی (ع) نقل می کند که اعرابی ای بعد از سه روز از دفن پیامبر اکرم (ص) وارد مدینه شد و مستقیماً کنار قبر رسول خدا (ص) آمد و خود را بر قبر شریف او انداخت و خاک قبر را بر سر خود ریخت. آن گاه عرض کرد:

ای رسول خدا! گفתי و ما هم گفتارت را شنیدیم، تو آیات را از خداوند گرفتی و ما نیز از تو، از جمله آیاتی که بر تو نازل شد این است: **وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ ...** من به خود ظلم کرده ام و لذا نزد تو آمده ام تا برایم استغفار نمایم (۲)

قضیه بلال و خوابی که دید، و حرکت او از شام به مدینه به قصد زیارت قبر پیامبر (ص) - که قبلاً اشاره شد - شاهد خوبی بر جواز «شدّ رحال» برای زیارت قبور است. (۳)

۱- صحیح مسلم، ج ۲، ص ۳۶۶؛ صحیح ترمذی، ج ۳، ص ۳۷۰

۲- وفاء الوفاء، سمهودی، ج ۲، ص ۶۱۲

۳- اسد الغابه، ج ۱، صص ۳۰۷ و ۳۰۸؛ مختصر تاریخ دمشق، ج ۴، ص ۱۱۸؛ تهذیب الکمال، ج ۴، ص

ص ۱۲۱

سبکی نقل می‌کند: عمر بن عبدالعزیز دائماً کسی را به نیابت خود از شام به مدینه می‌فرستاد تا سلامش را به رسول خدا (ص) برساند و بازگردد. (۱)

خطیب بغدادی از ابی‌علی‌خلال‌شیخ‌حنابله نقل می‌کند که در عصر خود هیچ‌گاه امر مهمی برایم اتفاق نمی‌افتاد، مگر آنکه به قصد زیارت قبر حضرت موسی بن جعفر (ع) حرکت می‌کردم و بعد از توسل به آن حضرت، از خداوند متعال آنچه می‌خواستم عطا می‌فرمود. (۲)

روایت ابوبکر محمد بن مؤمل که قبلاً به آن اشاره شد، نیز بر شدّ رحال به جهت زیارت قبور اولیای الهی دلالت خوبی دارد. (۳) طلحه بن عبیدالله می‌گوید: «با رسول خدا (ص) به قصد زیارت قبور شهدای احد حرکت کردیم». (۴)

عایشه می‌گوید: «هر شبی که نوبت من بود، پیامبر (ص) در آخر آن شب به زیارت اهل بقیع می‌رفت». (۵) از این روایات و روایات دیگر به خوبی استفاده می‌شود که «شدّ رحال» و سفر برای زیارت قبور نه تنها جایز بوده، بلکه استحباب نیز دارد.

۴. اجماع مسلمین در طول تاریخ بر سفر به جهت زیارت قبور اولیای الهی بوده است، که با مراجعه به تاریخ مسلمین به خوبی روشن می‌شود.

۱- شفاء السقام، ص ۵۵.

۲- تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۱۲۰

۳- تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۳۳۹

۴- سنن ابی داود، ج ۲، ص ۲۱۸

۵- مستدرک حاکم، ج ۱، ص ۵۳۳

ص ۱۲۲

۵. اهل سنت در صحاح خود روایات بسیاری از پیامبر اکرم (ص) نقل کرده‌اند که کسی که برای رفتن به مسجد قدم برمی‌دارد، به هر قدمش ترفیع درجه‌ای داده می‌شود و گناهی از او بخشوده خواهد شد. (۱)

و این ثواب نیست مگر از باب مقدمیت گام برداشتن برای امر قربی که وقوف در مسجد است. لذا می‌توان گفت که شد رحال و سفر به عنوان مقدمه زیارت اولیای الهی نیز مستحب است.

جواز شد رحال به جهت زیارت از دیدگاه علوی مالکی

محمد بن علوی مالکی می‌گوید:

الزيارة تستدعي سفراً وتستلزم رحیلاً؛ إذ أنّها عبارة عن انتقال من الزائر للمزور، وذلك الانتقال يقتضي سفراً ويتطلب مجيئاً، ولا يتصور انتقال بدون سفر ولا يتحقق مجيء غيره، كما لا يمكن أن تكون هجرة بدون انتقال ولا تتأتى رحلة بدون ارتحال... وقد صحّ خروجه (ص) لأصحابه بالبيع وأحد تقديراً ووفاءً منه لأصحابه الكرام ومن أوفى منه (ص)؟! (۲)

زیارت مستلزم سفر و حرکت است؛ زیرا عبارت است از انتقال و حرکت از طرف زائر برای رسیدن به شخص زیارت شده، و این انتقال مقتضی سفر بوده و مستلزم آمدن است، و هرگز حرکت بدون سفر متصور نیست همان‌گونه که آمدن بدون سفر امکان‌پذیر نمی‌باشد، و نیز هجرت بدون حرکت و نیز رحلت بدون ارتحال صدق نمی‌کند... و به طریق صحیح رسیده که پیامبر (ص) از منزل به

۱- ر. ک: صحیح مسلم.

۲- الزیارة النبویة، مالکی، ص ۳۰.

ص ۱۲۳

طرف بقیع و أحد بیرون آمد تا حقّ اصحابش را ادا نماید، و چه کسی باو فاتر از او بوده است؟!

فتاویٰ علمای هندوستان درباره کیفیت نیت زیارت پیامبر (ص)

سؤالی این گونه از علمای هندوستان شده است:

ما قولکم فی شدّ الرحال إلی زیارة سید الکائنات علیه افضل الصلوات و التحیات، و علی آله و صحبه؟ أی الأمرین أحبّ إلیکم و أفضل لدى اکابرکم للزائر؟ هل ینوی وقت الإرتحال للزیارة زیارته علیه الصلاة و السلام، أم ینوی المسجد أيضاً؟ و قد قال بعضهم: إنّ المسافر إلی المدینة لاینوی إلاً المسجد النبوی. (۱)

چیست نظر شما درباره بار سفر بستن به جهت زیارت سید کائنات - بر او بهترین درودها و تحیات و بر آل و اصحابش باد - کدامین نزد شما بزرگان برتر و بهتر برای زائر است؟ آیا هنگام حرکت کردن برای زیارت، نیت زیارت آن حضرت علیه الصلاة و السلام را نماید؟ یا مسجد را نیز نیت کند؟ برخی از علما گفته‌اند: مسافر به مدینه تنها باید نیت مسجد نبوی را داشته باشد.

پاسخ علمای هندوستان چنین بوده است:

بسم الله الرحمن الرحيم. و منه نستمد العون و التوفيق و بیده ازمه التحقيق، حامداً و مصلياً و مسلماً.

عندنا و عند مشايخنا زیارة قبر سید المرسلین (روحي فداه) من اعظم القربات و اهمّ المثوبات، و أنجح لنیل الدرجات، بل قریبة

ص ۱۲۴

من الواجبات، و ان كان حصوله بشدّ الرحال و بذل المهج و الأموال. و ينوى وقت الإرتحال زيارته عليه الف الف تحية و سلام، و ينوى معها زيارة مسجده (ص) و غيره من البقاع و المشاهد الشريفة، بل الأولى ما قاله العلامة الكمال ابن الهمام ان يجرّد النية لزيارة قبره عليه الصلاة و السلام، ثمّ يحصل له اذا قدم لزيارة المسجد لانّ في ذلك تعظيمه و اجلاله (ص). و يوافق قوله (ص): (من جاءني زائراً لا تحمله إلّا زيارتي كان حقاً على ان أكون شفيعاً له يوم القيامة). (۱)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر، و از او طلب یاری و کمک و توفیق داریم و به دست اوست زمام تحقیق، در حالی که حمد و درود و سلام می فرستیم.

نزد ما و نزد مشایخ ما زیارت قبر سرور فرستاده شدگان - که روح ما فدای او باد - از بزرگ ترین اعمال قربی و مهم ترین ثواب هاست که برای رسیدن به درجات بهترین راه است، بلکه به واجب نزدیک است، گرچه حاصل شدن آن به بستن بار سفر و دادن خونها و اموال باشد. و او باید هنگام حرکت قصد زیارت او را داشته باشد او که هزار هزار تحیت و سلام برایش باد، و همراه با آن نیت زیارت مسجد پیامبر (ص) و غیر آن از بقعه ها و مشاهد شریفه را می نماید. بلکه بهتر، آن چیزی است که علامه کمال بن همام گفته که او تنها به نیت زیارت قبر پیامبر - علیه الصلاة و السلام - می آید، و چون زیارت قبر آن حضرت بر او فراهم شد مسجد را نیز زیارت می کند؛ چرا که در این کار زیادی تعظیم و تجلیل از پیامبر (ص) است. و

ص ۱۲۵

موافق با این مطلب قول پیامبر (ص) است که فرمود: (هر کس تنها به جهت زیارت من بیاید بر من لازم است که شفیع او در روز قیامت باشم).

اسامی امضاکنندگان پاسخ از علمای هند

کسانی که از علمای هندوستان پای این فتوا را امضا کرده‌اند عبارتند از:

۱. علامه محدث رشید احمد کنکوهی؛
۲. علامه شیخ محدث خلیل احمد سهارنفوری؛
۳. علامه محدث شیخ محمود حسن دیوبندی؛
۴. علامه شیخ میر احمد حسن حسینی؛
۵. علامه محدث شیخ عزیز الرحمان دیوبندی؛
۶. علامه مرشد شیخ اشرف علی تهانوی؛
۷. علامه شیخ شاه عبدالرحیم رانفوری؛
۸. شیخ حاج حکیم محمد حسن دیوبندی؛
۹. مولوی قدره الله؛
۱۰. مولوی مفتی کفایه الله؛
۱۱. علامه شیخ محمد یحیی سهارنفوری. (۱)

تأیید فتوا از سوی علمای مکه

این فتوا را تعدادی از علمای مکه مکرمه تأیید کرده‌اند از قبیل:

ص ۱۲۶

۱. علامه شیخ محمد سعید بن محمد بابصیل، مفتی شافعیه، و رئیس علما در مکه مکرمه و امام و خطیب مسجد الحرام.
۲. شیخ احمد رشید خان نواب.
۳. شیخ علامه فقیه، مفتی، محمد عابد بن حسین مالکی، مفتی مالکیه در مکه مکرمه.
۴. شیخ علامه، محقق، محمد علی بن حسین مالکی، امام و مدرس در مسجد الحرام. (۱)

تأیید فتوا از سوی علمای مدینه

فتوای علمای هند را تعدادی از علمای مدینه نیز تأیید کرده‌اند از قبیل:

۱. علامه فقیه سید احمد بن اسماعیل برزنجی؛

۲. شیخ مالکیه در حرم نبوی، شیخ احمد جزایری؛

۳. سید محمد زکی برزنجی؛

۴. شیخ عمر حمدان محرسی، محدث مشهور؛

۵. شریف احمد بن مأمون بلغیثی؛

۶. شیخ موسی کاظم؛

۷. شیخ ملامحمد خان؛

۸. شیخ خلیل بن ابراهیم؛

۹. شیخ محمد عزیز وزیر تونسسی؛

۱۰. شیخ محمد سوسی خیاری؛

۱- الزیارة النبویة، ص ۱۳۱.

ص ۱۲۷

۱۱. حاج احمد بن محمد خیر شنقیطی؛
۱۲. شیخ محمد بن عمر فلانی؛
۱۳. شیخ احمد بن احمد اسعد؛
۱۴. شیخ محمد منصور بن نعمان؛
۱۵. شیخ احمد بساطی؛
۱۶. شیخ محمد حسن سندی؛
۱۷. شیخ محمود عبدالجواد. (۱)

تأیید فتوا از سوی علمای ازهر

برخی از علمای ازهر نیز فتوای علمای هند را تأیید کرده‌اند از قبیل؛

۱. شیخ سلیم البشیری، شیخ ازهر؛
۲. شیخ محمد ابراهیم قایاتی. (۲)

تأیید فتوا از سوی علمای شام

تعداد بسیاری از علمای شام نیز فتوای علمای هند را تأیید کرده‌اند از قبیل:

۱. شیخ فقیه، محدث، محمد ابوالخیر، معروف به ابن عابدین حسینی، از احفاد ابن عابدین صاحب فتوا؛
۲. شیخ مصطفی بن احمد شطی حنبلی؛
۳. شیخ محمود رشید عطار دمشقی، شاگرد شیخ بدرالدین، محدث شام؛

۱- الزیارة النبویة، صص ۱۳۱-۱۳۲

۲- الزیارة النبویة، ص ۱۳۲.

ص ۱۲۸

۴. شیخ محمد بوشی حموی؛
۵. شیخ محمد سعید حموی؛
۶. شیخ علی بن محمد دلال حموی؛
۷. شیخ محمد ادیب حورانی؛
۸. شیخ عبدالقادر لبایدی؛
۹. شیخ محمد سعید لطفی حنفی؛
۱۰. شیخ فارس بن احمد شقفه؛
۱۱. شیخ مصطفی حداد حموی. (۱)

دلیل وهابیان بر حرمت شدّ رحال برای زیارت قبور اولیا

اشاره

۱- الزیارة النبویة، صص ۱۳۲-۱۳۳

ص ۱۲۹

عمده دلیل وهابیان بر حرمت زیارت قبور - حتی قبر پیامبر (ص) - روایت ابوهریره از رسول خدا (ص) است که فرمود: «شدّ رحال وبار سفر بستن جایز نیست، مگر به سوی سه مسجد: مسجد النبی، مسجد الحرام و مسجد الاقصی». (۱)

پاسخ استدلال:

در مستثنا منه این حدیث دو احتمال است:

اول: اینکه مستثنا منه، «مسجد من المساجد» باشد؛ یعنی اصل حدیث این گونه باشد: «لا تشدّ الرحال إلى مسجد من المساجد إلّا إلى ثلاثة مساجد».

دوم: مستثنا منه «مکان من الأمکنه» باشد، به تقدیر: «لا تشدّ الرحال إلى مکان من الأمکنه إلّا إلى ثلاثة مساجد»؛ بار سفر بسته نمیشود به هیچ مکانی از مکانها مگر به سوی سه مسجد.

۱- صحیح بخاری، ج ۲، ص ۱۳۶؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۲۶.

ص ۱۳۰

بنابر معنای اول دلیلی بر حرمت «شدّ رحال» برای زیارت قبر پیامبر (ص) نیست؛ زیرا قبر پیامبر مسجد نیست.

در صورت دوم نیز اخذ به عموم روایت ممکن نیست؛ که گفته شود بار سفر بستن به سوی هیچ مکانی جایز نیست، زیرا لازمه آن حرمت هر نوع سفری است؛ اگرچه به قصد زیارت هم نباشد، بلکه برای تجارت، علم آموزی و ... باشد که هیچ کس قائل به آن نیست. وانگهی نهی از شدّ رحال برای زیارت غیر از این سه مسجد، نهی تحریمی نیست، بلکه ارشادی است؛ زیرا در هر شهری مسجد وجود دارد و سفر برای زیارت مسجد در شهری دیگر ضرورتی ندارد و این برخلاف زیارت قبور اولیای الهی است که آثار و برکاتی عظیم بر آن مترتب است که در جای خود به آن اشاره خواهیم کرد.

غزالی نیز به این نکته التفات پیدا کرده، می گوید:

ویدخل فی جملته زیارة قبور الأنبياء: و زیارة قبور الصحابة و التابعین و سائر العلماء و الاولیاء، و کلّ من یتبرک بمشاهدته فی حیاته یتبرک بزیارته بعد وفاته، و يجوز شدّ الرحال لهذا الغرض، و لا یمنع من هذا قوله (ص): (لا تشدّ الرحال إلّا إلی ثلاثة مساجد)؛ لأنّ ذلك فی المساجد، فانها متماثلة فی الفضیلة بعد هذه المساجد.... (۱)

و داخل در آن جمله است زیارت قبور انبیا، صحابه، تابعین و سایر علما و اولیا. پس به طور کلی هر کس که در حال حیات به او تبرک جسته می شود، در حال ممات نیز می توان به زیارتش تبرک

ص ۱۳۱

جست. لذا شدّ رحال برای تحقق این غرض جایز می‌گردد. و این موضوع با حدیث پیامبر (ص): (لا تشدّ الرحال إلّا إلى ثلاثة مساجد) منافات و تعارض ندارد؛ زیرا حدیث مربوط به مساجد است و مساجد از آنجا که همه در فضیلت یکسانند، ترجیحی در سفر برای آنها نیست، مگر این سه مسجد که به جهت خصوصیتی که دارند، سفر به خاطر آنها اشکالی ندارد و این مسئله غیر از سفر برای زیارت قبور اولیای الهی است.

دکتر عبدالملک سعدی می‌گوید:

انّ النهی عن شدّ الرحال إلى المساجد الأخرى لأجل انّ فيه اتعاب النفس دون جدوی أو زیادة ثواب؛ لأنه فی الثواب سواء، بخلاف الثلاثة. (۱)

نهی از شدّ رحال به مساجد دیگر به جهت آن است که زحمتی بی‌فایده است؛ زیرا ثواب مساجد یکسان است، مگر سه مسجد.

قرائن تعیین مستثنی منه

۱. شهرت روایت شهر بن حوشب

در روایت شهر بن حوشب مستثنی منه مسجد آمده است.

محمود سعید ممدوح می‌گوید:

ورواية شهر بن حوشب فی تعیین المستثنی منه مشهورة و قد اخرجها احمد فی المسند (۳/۶۴، ۹۳)، و ابو یعلی فی مسنده (۳/۶۵): و شهر حسن الحدیث و ان كان فيه بعض الضعف. و

ص ۱۳۲

ذکره الذهبی فیمن تکلم فیہ و هو موثق، (ص ۱۰۰)، فهو ممّن یحسن حدیثه عند الذهبی أيضاً. فهذان الحافظان جبلان فی الحفظ و معرفه الرجال ذهاباً إلی تحسین حدیث شهر بن حوشب، فلاتنظر بعد لتشغیب الألبانی ... (۱)

و روایت شهر بن حوشب در تعیین مستثنی منه مشهور است و آن را احمد در (مسند) و ابویعلی در (مسند) تخریح کرده‌اند. و حافظ در (فتح الباری) گفته: (شهر) حسن الحدیث است گرچه در او ضعفی وجود دارد. و ذهبی او را در جمله کسانی آورده که درباره آنان سخن گفته شده ولی موثقند. پس او از جمله کسانی است که نزد ذهبی حدیثشان حسن است.

پس این دو حافظ که کوهی در حفظ و شناخت رجالند نظرشان بر تحسین حدیث شهر بن حوشب است، پس بعد از این نظر به حرف‌های بی‌ربط البانی نکن ...

۲. تفسیر شارحان حدیث

شارحان صحیح بخاری و دیگران از علمای اهل سنت مستثنی منه در این حدیث را «مسجد» گرفته‌اند. الف) کرمانی در شرح صحیح بخاری در ذیل این حدیث می‌گوید: والإستثناء مفرغ ... فهنا تقدیره: لاتشدّ إلی مسجد إلاً إلی ثلاثه. وقد وقع فی هذه المسأله فی عصرنا مناظرات کثیره فی البلاد الشامیه، و صنف فیها رسائل من الطرفين لسنا الآن لیانها. (۲)

۱- رفع المناره لتخریح احادیث التوسل و الزیارة، ص ۹۹.

۲- شرح کرمانی بر صحیح بخاری، ج ۷، ص ۱۲.

ص ۱۳۳

و استثناء مفرغ است ... پس این حدیث تقدیرش این گونه است: بار سفر به سوی هیچ مسجدی بسته نمی‌شود، مگر سه مسجد. و در این مسأله در عصر ما مناظرات زیادی در شهرهای شام شده و رساله‌هایی از دو طرف درباره آن تصنیف گشته که ما الآن در صدد بیان آنها نیستیم.

ب) بدر الدین عینی در شرح صحیح بخاری می‌گوید:

... إنَّ المراد باعمَّ العام ما یناسب المستثنی نوعاً و وصفاً كما إذا قلت:

ما رأیت إلّا زیداً، کان تقدیره: ما رأیت رجلاً أو أحداً إلّا زیداً، لا ما رأیت شیئاً أو حیواناً إلّا زیداً. فهنا تقدیره: لا تشدّ إلى مسجد إلّا إلى ثلاثة. (۱)

... همانا مراد به اعم عام چیزی است که به لحاظ نوع و وصف مناسب با مستثنی باشد، مثل آنکه بگویی: ندیدم، مگر زید را، که تقدیر آن این است که: ندیدم مردی یا احدی را مگر زید، نه اینکه تقدیر این باشد: ندیدم چیزی یا حیوانی را مگر زید. پس در این جا تقدیرش عبارت است از اینکه: بار سفر به هیچ مسجدی بسته نمی‌شود مگر سه مسجد.

ج) ابن حجر در شرح صحیح بخاری می‌گوید:

قال بعض المحققین: قوله: (إلّا إلى ثلاثة مساجد)، المستثنی منه محذوف، فاما ان یقدر عاماً فیصیر: لا تشد الرحال إلى مکان فی آی أمر کان إلّا إلى الثلاثة، أو اخص من ذلك. لاسبیل إلى الأول؛ لا فضائه إلى سدّ باب السفر للتجارة و صلة الرحم و

ص ۱۳۴

طلب العلم و غیرها، فتعین الثانی. و الأولى أن یقدر ما هو اکثر مناسبه و هو: لاتشد الرحال إلى مسجد للصلاه إلا إلى الثلاثه. فیبطل بذلك قول من منع شد الرحال إلى زیارة القبر الشریف و غیره من قبور الصالحین. و الله اعلم. (۱)

برخی از محققان گفته‌اند: سخن پیامبر (ص): (مگر به سوی سه مسجد)، مستثنی منه محذوف است، که یا عام در تقدیر گرفته می‌شود که چنین باشد: (بار سفر به هیچ مکانی برای هیچ کاری بسته نمی‌شود مگر به سه مسجد)، یا از این اخص است، و راهی به تقدیر اول نیست؛ به جهت منجر شدن به سدّ باب سفر به جهت تجارت و صله رحم و طلب علم و غیر آن. لذا متعین تقدیر دوم است. و سزاوارتر آنکه چیزی تقدیر گرفته شود که مناسبت بیشتری دارد و آن اینکه: (برای هیچ مسجدی به جهت نماز بار سفر بسته نمی‌شود مگر آن سه مسجد). پس به این باطل می‌شود گفته کسی که بار سفر بستن به جهت زیارت قبر شریف پیامبر (ص) و دیگر قبور صالحان را منع کرده است. و خداوند داناتر است.

(د) محمد ابراهیم محمد سالم می‌گوید:

احتجاج المانعین بحديث (لاتشد الرحال ...) لا یسلم لهم؛ فانّ تحقیق الحدیث لغویاً انّ الإستثناء فیه من نوع الإستثناء المفرغ، أی يجب أن یکون فیه المستثنی من جنس المستثنی منه لیندرج تحته، و علی هذا فیکون معنی الحدیث: لاتشد الرحال إلى مسجد إلا إلى المساجد الثلاثه. و شرحه النووی بقوله: لافضیله

ص ۱۳۵

فی شد الرحال إلى مسجد غير هذه الثلاثة. و نقل هذا الشرح عن جمهور العلماء. و قوی هذا المعنى رواية سيدنا أحمد بن حنبل من طريق شهر بن حوشب و هی: لا ينبغي للمصلی ان یشد رحاله إلى مسجد تبتغى فيه الصلاة غير المسجد الحرام و المسجد الأقصى و مسجدی هذا. و قال الحافظ ابن حجر: و شهر حسن الحديث. (۱)

احتجاج مانعین به حدیث (لا تشد الرحال) نمی تواند مطلب را به نفع آنان تمام کند؛ زیرا تحقیق حدیث از نظر لغوی این است که استثناء در آن استثنای مفرغ است؛ یعنی در آن واجب است که مستثنی از جنس مستثنی منه باشد تا در ذیل آن مندرج شود. بنابراین معنای حدیث این چنین می شود: بار سفر به سوی هیچ مسجدی نبندید جز آن سه مسجد. نووی آن را این گونه شرح کرده: فضیلتی در بار سفر بستن به مسجدی غیر از این سه مسجد نیست. و این شرح از جمهور علما نقل شده است. و این معنا را روایت آقای ما احمد بن حنبل از طریق شهر بن حوشب تقویت می کند که (برای نماز گزار سزاوار نیست بار سفر به مسجدی ببندد تا در آن نماز گزارد غیر از مسجد الحرام و مسجد الأقصى و این مسجد من). و حافظ ابن حجر گفته: شهر [بن حوشب] حدیثش حسن است.

۳. فهم اصحاب

با مراجعه به روایات پی می بریم که اصحاب پیامبر (ص) نیز از حدیث (شد رحال) همین معنا یعنی عدم حرمت و کراهت را فهمیده اند.

۱- الردود الشاملة، ص ۱۰؛ فتح الباری، ج ۳، ص ۵۳.

ص ۱۳۶

عمر بن شبّه در کتاب «تاریخ المدینه المنوره» به سندش از عایشه دختر سعد بن ابی وقاص نقل کرده که گفت:

سمعت أبی یقول: لأن اصلی فی مسجد قباء رکعتین أحبّ إلی من أن أتی بیت المقدس مرتین. ولو یعلمون ما فی قباء لضربوا إلیه اکباد الابل. (۱)

از پدرم شنیدم که می فرمود: اگر در مسجد قبا دو رکعت نماز گزارم نزد من بهتر است از آنکه دوبار به بیت المقدس آیم. و اگر بدانند آنچه را از ثواب که در قباست شترها را به سوی آن روانه می کنند.

ابن حجر درباره این حدیث می گوید: «اسناد صحیح» (۲)؛ «سند آن صحیح است».

عبدالرزاق در «المصنف» به سند حسن از عمر بن خطاب نقل کرده که گفت:

لو کان مسجد قباء فی افق من الآفاق ضربنا إلیه اکباد المطی. (۳)

اگر مسجد قبا در افقی از افقها می بود ما مرکبها را به سوی آن روانه می نمودیم.

فاکهی در کتاب «تاریخ مکه» با سندی که باکی در آن نیست از عایشه دختر سعد نقل کرده که گفت:

کان سعد یقول: لو کنت من اهل مکة ما اخطأنی جمعة لا اصلی فیه - یعنی مسجد الخیف - ولو یعلم الناس ما فیه لضربوا إلیه

۱- تاریخ المدینه المنوره، ج ۱، ص ۴۲

۲- فتح الباری، ج ۳، ص ۶۹.

۳- المصنف، ج ۵، ص ۱۳۳

ص ۱۳۷

اكداد الابل، و لانّ اصلّى فى مسجد الخيف ركعتين احبّ الى من ان اتى بيت المقدس مرتين فاصلّى فيه.

(۱)

سعد مى گفت: اگر من از اهل مکه بودم تمام جمعه‌ها را در مسجد خيف نماز مى گزاردم، و اگر مردم مى دانستند چه برکاتی در آن مسجد است شترها را به سوى آن مى راندند. و اگر من در مسجد خيف دو رکعت نماز گزارم نزد من بهتر است از آنکه دو بار به بيت المقدس آمده و در آنجا نماز گزارم.

۴. استدلال به لفظ «زیارت»

در روایات سخن از زیارت قبور و نیز زیارت قبر پیامبر (ص) به میان آمده است، و گفته شده که لفظ زیارت دلالت بر انتقال از مکانی به مکان دیگر دارد، چه اینکه مکان مبدأ تا مقصد دور باشد یا نزدیک. محمود سعید ممدوح در این باره مى نویسد:

لفظ الزيارة يلزم منه الانتقال من مكان لآخر، فالشارع يحضّ على الانتقال من مكان لآخر من أجل زيارة القبور... الحديث عام لا يخصصه شيء. و قد تقرر ان الأمر إذا ثبت ثبت لوازمه.

ثم المرجع عند الاختلاف هو الشرع. قال الله تعالى فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا. (۲)

وقد سمى الشارع السفر زيارة، و هو نصّ لا يحتمل التأويل.

فقد اخرج مسلم فى صحيحه (۴/۱۹۸۸): ان رجلا زار اخا فى قرية اخرى، فارصد الله على مدرجته ملكا، فلما اتى عليه قال:

۱- تاريخ مکه، رقم ۲۵۹۶.

۲- نساء: ۵۹.

ص ۱۳۸

أین ترید؟ قال: أريد أخاً في تلك القرية. قال: هل لك عليه من نعمة تربّها؟ قال: لا، غير إنّي أحببته في الله عزّوجلّ. فقال: إنّي رسول الله إليك، بأنّ الله احبّك كما أحببته.

فالشارع قد سمّى السفر و هو الانتقال من قرية لأخرى زيارة، و عليه فلفظ الزيارة يحتمل السفر و عدمه. فقصر لفظ الزيارة على أحد نوعيها و هو الزيارة التي بدون سفر تحکم في النص و مخالفة الشرع، و الله اعلم. (۱)

کلمه (زیارت) مستلزم انتقال از مکانی به مکان دیگر است؛ زیرا شارع تشویق به انتقال از مکانی به مکان دیگر به جهت زیارت قبور کرده است...، حدیث عام است و چیزی آن را تخصیص نمی‌زند. و در جای خود ثابت شده که امر اگر ثابت شد لوازمش نیز ثابت می‌گردد. سپس مرجع هنگام اختلاف همان شرع است. خداوند متعال فرمود: (پس اگر در چیزی نزاع کردید آن را به خدا و رسول بازگردانید اگر شما به خدا و روز قیامت ایمان دارید، که این کار خیر بوده و بازگشت نیکی دارد). و شارع سفر را زیارت نامیده و آن نصّی است که احتمال تأویل در آن نمی‌رود. مسلم در صحیحش تخریج کرده که مردی به زیارت برادرش به قریه‌ای دیگر رفت، خداوند در راه او فرشته‌ای گذاشت و چون به آنجا رسید به او گفت: کجا می‌روی؟ گفت: به دنبال برادرم در آن قریه می‌روم. گفت: آیا برای تو بر گردن او منّتی است که آن را پاس می‌داری؟ گفت: هرگز، جز آنکه او را در راه خدای عزّوجلّ دوست دارم.

ص: ۱۳۹

فرشته گفت: همانا من فرستاده خداوند به سوی تو هستم که بگویم: خداوند به جهت آنکه او را دوست داری تو را دوست دارد. پس شارع، سفر که انتقال از قریه‌ای به قریه دیگر باشد را زیارت نامیده است. بنابراین لفظ زیارت با سفر و غیر آن مناسب است، و حصر لفظ (زیارت) بر یکی از آن دو نوع که زیارت بدون سفر باشد زورگویی در مورد نص و مخالفت با شرع است و خداوند داناتر می‌باشد.

مورد حدیث «لاتشّد الرحال»

ابوسلیمان خطابی در کتاب «معالم السنن» می‌نویسد:

هذا- أي حدیث لا تشّد الرحال ...- فی النذر، ینذر الإنسان أن یصلی فی بعض المساجد، فإن شاء وفی به و إن شاء صلّی فی غیره، إلا أن یكون نذر الصلاة فی واحد من هذه المساجد، فإنّ الوفاء یلزمه بما نذره فیها. و انما خصّ هذه المساجد بذلك لانّها مساجد الأنبياء صلوات الله علیهم اجمعین، و قد امرنا بالاقْتداء بهم. (۱)

و این - یعنی حدیث (لاتشّد الرحال) ...- در مورد نذر است، به این نحو که انسان نذر می‌کند که در برخی مساجد نماز گزارد، اگر خواست به آن وفا می‌کند و گرنه در غیر آن نماز می‌خواند، مگر اینکه نذر کرده که نمازی را در یکی از آن سه مسجد بخواند، که وفای به نذرش لازم است. و جهت اختصاصی این مساجد آن است که آنها مساجد انبیای الهی هستند- درود خداوند بر تمام آنها باد- و ما مأمور به پیروی از آنان هستیم.

حکم نهی در حدیث «لاتشّد الرحال»

۱- معالم السنن، ج ۲، ص ۴۴۳.

ص ۱۴۰

نووی در شرح «صحيح مسلم» می نویسد:

والصحيح عند أصحابنا و هو الذي اختاره إمام الحرمين و المحققون: أنه لا يحرم ولا يكره. قالوا: و المراد انّ الفضيلة التامة أنّما هي في شدّ الرحال إلى هذه الثلاثة خاصة والله اعلم. (۱)

و صحيح نزد اصحاب ما که مختار امام الحرمين و محققان است اینکه حرام و مکروه نمی باشد. گفته اند: مراد این است که فضیلت تامه همانا در بار سفر بستن تنها به جهت این سه مسجد است. و خداوند داناتر است.

ابومحمد ابن قدامه مقدسی حنبلی می گوید:

فان سافر لزيارة القبور و المشاهد، فقال ابن عقيل: لا يباح له الترخص؛ لأنه منهي عن السفر إليها. قال النبي (ص): (لاتشدّ الرحال إلّا إلى ثلاثة مساجد). متفق عليه، و الصحيح اباحته و جواز القصر فيه؛ لأنّ النبي (ص) كان يأتي قباء ركباً و ماشياً، و كان يزور القبور و قال: (زوروها تذكركم الآخرة). و أما قوله (ع): (لاتشدّ الرحال إلّا إلى ثلاثة مساجد)، فيحمل على نفى التفضيل، لا على التحريم، و ليست الفضيلة شرطاً في اباحة القصر، فلا يضرّ انتفاؤها. (۲)

اگر به جهت زیارت قبور و مشاهد مسافرت کند ابن عقیل گفته: ترخص بر او مباح نیست؛ زیرا از سفر به جهت زیارت قبور نهی شده است. پیامبر (ص) فرمود: (بار سفر به جز به سوی سه مسجد بسته نمی شود). این

۱- المجموع، ج ۹، ص ۱۰۶.

۲- المغنی، ج ۲، صص ۱۰۳-۱۰۴.

ص ۱۴۱

حدیث مورد اتفاق است. ولی صحیح مباح بودن آن و جواز قصر نماز در آن است؛ زیرا پیامبر (ص) همیشه سواره و پیاده به مسجد قبا می آمد و قبرها را زیارت می نمود و فرمود: (قبور را زیارت کنید چرا که شما را به یاد آخرت می اندازد). اما سخن پیامبر (ص): (بار سفر به جز بر سه مسجد نبندید) حمل بر نفی تفضیل می شود نه بر تحریم، و فضیلت شرط در اباحه سفر نیست. لذا انتفای آن مضر نمی باشد.

این مطلب را ابوالفرج بن قدامه نیز در «الشرح الکبیر» آورده است. (۱)

شاهد بر این مطلب اینکه به سند صحیح که رجالش رجال «مسلم» است از رسول خدا (ص) نقل شده که فرمود:

انّ خیر ما رُکبت إلیه الرواحل مسجدی هذا و البیت العتیق. (۲)

بهترین جایی که بارهای سفر به سوی آن بسته می شد مسجد من و مسجد عتیق است.

از این حدیث استفاده می شود که بستن بار به دیگر مساجد و بقعه ها جایز است گرچه بهتر به این دو مسجد می باشد.

فقیه لغوی مجد الدین فیروز آبادی در کتاب «الصلات و البشر» می گوید:

أما حدیث (لا تشدّ الرحال إلّا إلی ثلاثه مساجد) فلا دلالة فیہ علی النهی عن الزیارة، بل هو حجة فی ذلك، و من جعله دلیلاً علی حرمة الزیارة فقد أعظم الجرأه علی الله و رسوله. و فیہ برهان قاطع علی غباوة قائله و قصوره عن نیل درجه کیفیة الاستنباط و الاستدلال. (۳)

۱- الشرح الکبیر، ج ۲، ص ۹۳.

۲- مسند احمد، ج ۳، ص ۳۵۰.

۳- الصلات و البشر، ص ۱۲۷.

ص ۱۴۲

اما حدیث (لاتشدد الرحال الا الی ثلاثه مساجد) دلالتی بر نهی از زیارت ندارد، بلکه حجت و دلیلی است بر جواز زیارت، و کسی که آن را دلیلی بر حرمت زیارت دانسته جرأت بزرگی بر خدا و رسولش داشته است، و در آن برهان قاطعی است بر گمراهی گوینده آن و قصورش از رسیدن به درجه کیفیت استنباط و استدلال.

نقد شبهات شد رحال

شبهه اول: مغالطه‌ای از ابن تیمیه

اشاره

ابن تیمیه در اینجا مغالطه‌ای واضح دارد؛ زیرا او با آنکه مستثنا منه در این حدیث را «مسجد» گرفته، ولی در عین حال به این حدیث بر منع و حرمت شد رحال به جهت زیارت قبور انبیا و اولیا و صالحان از راه قیاس اولویت استدلال کرده است. او می‌گوید:

فإذا كان السفر إلى بيوت الله غير الثلاثة ليس بمشروع باتفاق الأئمة الأربعة بل قد نهى عنه الرسول (ص) فكيف بالسفر إلى بيوت المخلوقين الذين تتخذ قبورهم مساجد وأوثاناً وأعياداً... (۱)

اگر سفر به خانه‌های خدا غیر از این سه خانه، به اتفاق امامان چهارگانه مشروع نیست، بلکه پیامبر (ص) از آن نهی کرده است، پس چگونه است سفر به خانه‌های مخلوقین که قبورشان مساجد و بت‌ها و عیدها قرار گرفته است ...

پاسخ

ص ۱۴۳

اولاً: به چه دلیل سفر برای زیارت خانه‌های خدا غیر از این سه خانه مشروع نیست. قبلاً اشاره شد که نهی در روایت، تنزیهی و ارشادی است نه مولوی.

ثانیاً: ایشان نسبت تحریم را به رؤسای مذاهب اربعه داده، در حالی که ما نصی بر حرمت از آنان نیافته‌ایم.
ثالثاً: عدم جواز سفر به غیر از مساجد سه گانه - بر فرض تسلیم - دلیل نمی‌شود بر اینکه سفر به خانه‌هایی که *أذن الله أن تُزفَع وَ يُذَكَرَ فِيهَا اسْمُهُ* است به طریق اولی حرام باشد، و این قیاس مع الفارق است؛ زیرا گرچه خانه‌های خدا غیر از این سه مسجد همگی در تأثیرگذاری یکسان است ولی در زیارت قبور پیامبر (ص) و اولیای الهی اثر دیگری دارد که یکی از آنها توسل به آن بزرگان و استغاثه به ارواح آنان می‌باشد که در جای خود رجحان و مشروعیت آن ثابت شده است.

رابعاً: ابن تیمیه می‌گوید: «مسلمانان قبور انبیای خود را بت قرار داده‌اند». چه کسی چنین نیتی را کرده است؟ این تهمتی بیش نیست؛ همان‌گونه که در بحث استغاثه به ارواح اولیای الهی به آن اشاره کردیم.

شبهه دوم: استدلال به اولویت

اشاره

ابن تیمیه می‌گوید:

والتقدير في أحد أمرين: أما ان يقال: لا تشد الرحال إلى مسجد إلا إلى المساجد الثلاثة، فيكون نهياً عنها باللفظ، و نهياً عن سائر البقاع التي يعتقد فضيلتها بالتنبيه و الفحوى و طريق الأولى ... فإذا

ص ۱۴۴

كان السفر إلى البقاع الفاضلة قد نهى عنه فالسفر إلى المفضولة أولى و أخرى ... (۱)

و تقدیر در یکی از دو امر است: یا این است که گفته می‌شود: بار سفر به هیچ مسجدی جز آن سه مسجد بسته نمی‌شود، که در این صورت با لفظ از مساجد دیگر نهی شده و از دیگر بقعه‌ها که اعتقاد بر فضیلت آنهاست با تنبیه و فحوی و اولویت نهی می‌شود ... و اگر سفر به بقعه‌های فضیلت داده شده نهی شده پس از سفر به جهت بقعه‌هایی که در رتبه بعد از آنهاست به طریق اولی نهی شده است ...

پاسخ

ما این فحوی و اولویت را قبول نداریم؛ زیرا در مورد مساجدی که خانه‌های خدا هستند فرقی بین آنها نیست مگر در سه مسجد؛ مسجد الحرام، مسجد الاقصی، و مسجد النبی (ص)، ولی بقعه مبارک اولیا خصوصاً بقعه‌ای که جسد پیامبر (ص) در آن جای داده شده از این جهت فرق می‌کند؛ زیرا رفتن کنار آن موجب جذب برکات شده و انسان را در رسیدن به خداوند متعال یاری می‌دهد.

محمود سعید ممدوح از محدثان معاصر اهل سنت می‌گوید:

... إن السفر لهذه البقعة الشريفة أولى من السفر للمساجد الثلاثة؛ لأن البقعة التي ضمت جسد الشريف افضل من المساجد الثلاثة، ولا يقارن مسلم عاقل بين الجص والحجارة، و بين بقعة ضمت جسد النبي (ص). (۲)

۱- مجموعه الفتاوی، ج ۲۷، ص ۱۲.

۲- رفع المنارة، ص ۱۰۲.

ص ۱۴۵

... همانا سفر به جهت این بقعه شریف سزاوارتر از سفر به مساجد سه گانه است؛ زیرا بقعه‌ای که متضمن جسد شریف آن حضرت است از آن سه مسجد برتر می‌باشد، و هرگز مسلمان عاقلی بین گچ و سنگ و بین بقعه‌ای که متضمن جسد پیامبر (ص) است مقایسه نمی‌کند.

تقسیم زیارت به شرعی و بدعی

اشاره

شیخ بن باز از مفتیان وهابی زیارت را به شرعی و بدعی تقسیم نموده و می‌گوید:
... فصارت فی الحقیقه ثلاثه أنواع:

النوع الأول: مشروع، وهو أن يزورها للدعاء لأهلها أو لتذكر الآخرة.

الثاني: أن تزار للقراءة عندها أو للصلاة عندها أو للذبح عندها فهذه بدعة ومن وسائل الشرك.

الثالث: أن يزورها للذبح للميت والتقرب إليه بذلك، أو لدعاء الميت من دون الله أو لطلب المدد منه أو الغوث أو النصر، فهذا شرك أكبر نسأل الله العافية، فيجب الحذر من هذه الزيارات المبتدعة. ولا فرق بين كون المدعو نبياً أو صالحاً أو غيرهما. ويدخل في ذلك ما يفعله بعض الجهال عند قبر النبي (ص) من دعائه والاستغاثة به أو عند قبر الحسين أو البدوي أو شيخ عبدالقادر الجيلاني أو غيرهم.... (۱)

در حقیقت زیارت بر سه نوع است:

۱- مجموع فتاوی و مقالات متنوعه، بن باز، ج ۴، ص ۳۴۴.

ص ۱۴۶

نوع اول: که مشروع است، آنکه انسان به زیارت شخصی به جهت دعا بر اهلش برود یا رفتن او به جهت یادآوری آخرت باشد.

نوع دوم: آنکه به جهت قرائت قرآن نزد آن قبر یا خواندن نماز یا قربانی نزد آن قبر برود. که این عمل بدعت و از وسایل شرک است.

نوع سوم: آن است که به زیارت قبر به جهت ذبح برای میت و تقرب از این راه برود، یا او را صدا زده و غیر از خدا از او مدد و یاری و نصرت بخواهد. که این شرک اکبر است. از خدا می‌خواهیم که ما را از این عمل عافیت دهد. پس واجب است که از انواع زیارت‌هایی که بدعت است بر حذر شد. و فرقی در این جهت نیست بین اینکه کسی را که انسان صدا می‌زند پیامبر باشد یا فرد صالح یا غیر از این دو. و در این گونه عمل داخل می‌شود آنچه را که برخی از جاهلان کنار قبر پیامبر (ص) انجام می‌دهند؛ از قبیل صدا زدن و استغاثه به او یا در کنار قبر حسین یا بدوی یا شیخ عبدالقادر گیلانی یا دیگران ...

نقد

اولاً: در بحث قرائت قرآن و دعا و نماز در کنار قبور اولیای الهی به طور مبسوط جواز بلکه رجحان این عمل را به اثبات رساندیم.

ثانیاً: هرگز یکی از مسلمانان برای میت به جهت تقرب به او قربانی نمی‌کند، بلکه برای خداوند قربانی می‌نماید و ثواب آن را برای روح میت می‌فرستد و با این عمل خود به او متوسل شده تا در نهایت امر به خداوند سبحان متقرب گردد.

ص ۱۴۷

ثالثاً: در بحث استغاثه به ارواح اولیا به طور مبسوط ذکر کردیم که این گونه عمل هرگز شرک به حساب نمی آید، در صورتی که با دید استقلالی نباشد.

شیخ محمد زاهد کوثری از علمای ازهر مصر می گوید:

انّ سعی ابن تیمیه فی منع الناس من زیارة النبی (ص) يدل علی ضغینة کامنة فیہ نحو النبی (ص)، و کیف يتصور الإشراک بسبب الزیارة و التوسل فی المسلمین الذین یعتقدون فی حقه انه عبده و رسوله و ینطقون بذلك فی صلاتهم نحو عشرين مرّة فی کل یوم علی اقلّ تقدیر، ادامه لذكری ذلک، ولم یزل اهل العلم ینهون العوام من البدع فی کل شؤونهم، و یرشدونهم إلی السنّة فی الزیارة و غیرها إذا حدث منهم بدعة فی شیء، ولم یعدونهم فی یوم من الأيام مشرکین بسبب الزیارة أو التوسل. و اول من رماهم بالإشراک بتلک الوسیلة هو ابن تیمیه، و جرى خلفه من استباحة أموال المسلمین و دمائهم لحاجة فی النفس. (۱)

همانا سعی ابن تیمیه در منع مردم از زیارت قبر پیامبر (ص) دلالت بر خصومت و کینه ای دارد که در درون او نسبت به پیامبر (ص) نهفته است، چگونه تصوّر شرک به سبب زیارت و توسل به پیامبر (ص) درباره مسلمانان می رود؟ کسانی که در حق او معتقدند که او بنده و رسول خدا است، و این مطلب را در ادامه یادآوری و یادبود او هر روز حداقل بیست بار در نماز تکرار می کنند. همیشه اهل علم، عوام را از بدعتها در تمام شئون بازمی دارند و آنان را به سنتها در زیارت و غیر

ص ۱۴۸

زیارت ارشاد می‌نمایند، هر گاه که بدعتی از آنان در چیزی رخ دهد. ولی در هیچ یک از این ایام آنان را به سبب زیارت یا توسل، مشرک‌کنامیدند. آری، اول کسی که مردم را به این وسیله به شرک نسبت داد ابن تیمیه بود، و کسانی که به دنبال او رفته و اموال و خون مسلمین را به جهت احتیاجی که در خود می‌بیند حلال کرده است.

برکات زیارت قبور انبیا و اولیای الهی

زیارت قبور انبیا و اولیای الهی؛ خصوصاً پیامبر اسلام (ص) و امامان معصوم: آثار و برکاتی دارد که می‌تواند ملاک حسن و رجحان آن باشد. اینک به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. بزرگان دین و اولیای الهی در حقیقت الگوهایی هستند که با اقتدای به آنان به کمال و سعادت دنیا و آخرت خواهیم رسید. این مسئله تنها اختصاص به جوامع دینی ندارد، بلکه همه جوامع بشری در صدد بزرگ جلوه دادن الگوهایی هستند که مردم با اقتدای به آنان در طریق سعادت و کمال قرار گیرند. این الگوها اگرچه زنده نیستند، ولی با دعوت مردم به زیارت قبرشان، مردم را به یاد خود انداخته و آنها را به کمالات سوق خواهند داد؛ مثلاً در بسیاری از کشورها میدان و مجسمه‌ای را به نام سرباز گمنام قرار می‌دهند، که رمز فداکاری خالص در راه وطن است تا مردم از این طریق همیشه به این فکر باشند که هرگاه کشور مورد هجوم اجانب قرار گرفت، از خود فداکاری نشان دهند.

بنابراین حضور یافتن بر سر قبر بزرگان و اسوه‌ها، از حیث روانی آثار و برکات خاصی دارد که روانشناسان از آن غافل نبوده‌اند.

ص ۱۴۹

عباس محمود عقاد می گوید:

خواست روزگار و اتفاقات این بوده که قافله حسین بعد از آنکه از هر طرف جلو آن گرفته شد به سوی کربلا- سوق داده شود، کربلا-یی که تاریخش تا امروز با تاریخ اسلام گره خورده و حَقّش آن است که به تاریخ بنی نوع انسان گره بخورد.

کربلا امروز حرمی است که مسلمانان به جهت عبرت و درس آموزی، او را زیارت کرده و غیر مسلمانان نیز به جهت سیر و سیاحت به زیارت او می روند. ولی کربلا اگر قرار باشد که حَقّش ادا شود سزاوار است که مزار هر انسانی باشد که برای نوع خود قداست و فضیلتی قائل است؛ زیرا به یاد نداریم بقعه‌ای از بقعه‌های زمین که اسمش با جمله‌ای از فضایل و مناقب انسانی مقرون باشد، بزرگ‌تر از زمین کربلا بعد از شهادت امام حسین (ع) ... (۱)

۲. زیارت از مظاهر حَبّ است. شکی نیست که اهل بیت: محبتشان از جهات مختلف بر ما لازم و واجب است. پیامبر اکرم (ص) فرمود: «أَحَبُّوا أَهْلَ بَيْتِي لِحَبِّي» (۲)؛ «اهل بیتم را به جهت دوستی من دوست بدارید».

لذا همان گونه که محبت پیامبر (ص) واجب است، محبت اهل بیتش هم لازم است. از طرفی دیگر می دانیم که حَبّ، ظهور و بروز دارد، و تنها در اطاعت و دوستی قلبی خلاصه نمی شود. یکی از این موارد ظهور آن، زیارت قبر آنان است.

۳. زیارت قبور اولیای الهی از اهل بیت پیامبر (ص) پرداخت اجر و مزد رسالت است. خداوند متعال می فرماید:

قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى (شوری: ۲۳)

۱- ابوالشهداء، عباس محمود عقاد، ص ۱۲۹

۲- مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۴۹.

ص ۱۵۰

بگو: من از شما اجر رسالت نمی‌خواهم، جز اینکه مودت مرا در حقّ خویشاوندانم منظور بدانید. یکی از مصادیق مودت ذوی القربی، زیارت قبور آنان است.

۴. زیارت قبور اولیای الهی تعبیری از عمق ارتباط انسان با خط اولیای خداوند متعال است.

۵. زیارت اولیای الهی در حقیقت تجدید عهدی با آنها است. می‌دانیم که هر یک از امامان بر ما ولایت دارند و ما هم باید ولایت آنان را پذیرفته و با آنان بیعت نماییم. این بیعت تنها با گفتن نیست، بلکه باید بیعت قلبی خود را ابراز نماییم، که در حال حاضر با زیارت قبور آنها و حضور در کنار مرقد شریفشان صورت می‌گیرد.

لذا در روایتی از امام رضا (ع) آمده: «همانا برای هر امامی عهدی بر گردن اولیا و شیعیان‌شان است که وفای به آن عهد و حسن ادای آن، زیارت قبور آنان است». (۱)

۶. حضور در کنار قبر اولیای الهی انسان را از جنبه روحی و معنوی زنده کرده و روح تازه معنوی به انسان افاضه می‌کند.

۷. با این عمل، اولیای الهی نیز ما را دوست می‌دارند که خود سبب نزول برکات بر ما می‌گردد.

۸. زیارت کردن و قرار گرفتن در کنار قبور اولیای الهی، ما را به یاد فداکاری‌های آنان انداخته، لذا با خدای خود پیمان می‌بندیم که مانند آنان باشیم.

۹. زیارت قبور اولیای الهی در حقیقت اعلان عملی به ادامه دادن راه آن بزرگان و انزجار و تبرّی از دشمنان آنان است.

کتابنامه

ص ۱۵۱

* قرآن کریم.

۱. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، المكتبة الاسلامیة، تهران.

۲. البدعة، عبدالملک سعدی.

۳. رفع المنارة، محمود سعید ممدوح، چاپ دوم، دار الامام ترمذی، ۱۴۱۸.

۴. الزيارة النبویة، محمد بن علوی مالکی، ۱۴۲۰.

۵. سعادة الدارين فی الرد علی الفرقتين، ابراهیم سمنودی، چاپ اول، موریتانیا، مكتبة الإمام مالک، ۱۴۲۶.

۶. السلفية مرحلة زمينه، محمد سعید رمضان بوطی، چاپ اول، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۸.

۷. شرح الشفا، ملا علی قاری حنفی، چاپ اول، بیروت، الکتب العلمیة، ۱۴۲۱.

۸. شرح کرمانی بر صحیح بخاری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۱.

۹. شواهد الحق، یوسف نهبانی، مصر، المكتبة التوفیقیة.

۱۰. صحیح شرح العقیده الطحاویة، حسن بن علی سقاف شافعی، چاپ چهارم، بیروت، دار الإمام الرواس،

۱۴۲۸.

ص ۱۵۲

۱۱. فتاوی ابن عثیمین، مکتبه نور الهدی.
۱۲. فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلمیة و الافتاء، قاهره، مرکز فجر للطباعة، ۱۴۲۴.
۱۳. فتح الباری، ابن حجر عسقلانی، چاپ دوم، بیروت، دار المعرفه.
۱۴. فقه السیره النبویة، محمد سعید رمضان بوطی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۳.
۱۵. کافی، محمد بن یعقوب کلینی، بیروت، دار الاضواء.
۱۶. کلمه هادئه فی زیارة و شدّ الحال، عمر عبدالله کامل، چاپ اول، دار المصطفی، ۱۴۲۶.
۱۷. مجموع فتاوی بن باز، شیخ عبدالعزیز بن عبدالله بن باز، ریاض، دار الوطن، ۱۴۱۶.
۱۸. مرآة الجنان، اسعد بن علی بن سلیمان یافعی شافعی، حیدرآباد دکن، دائرة المعارف النظامیة، ۱۳۳۹.
۱۹. مسند احمد، احمد بن حنبل، بیروت، دار صادر.
۲۰. مفاهیم يجب ان تصحح، محمد بن علوی مالکی، چاپ دهم، دبی، دائرة الأوقاف والشئون الإسلامیة، ۱۴۱۵.
۲۱. المواهب اللدنیة، شهاب الدین احمد بن محمد قسطلانی، چاپ دوم، بیروت، المکتب الإسلامی، ۱۴۲۵.
۲۲. نسیم الریاض، شهاب الدین احمد بن محمد بن عمر خفاجی حنبلی مصری، چاپ اول، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۱.



حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت

www.hajj.ir

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

www.ghaemiyeh.com

